



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# گلستان عشق

عربی - فارسی

مجموعه‌ای رای شهری

تألیف: عبدالهادی مسعودی  
ترجمه: سید حسن اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# کیمیای عشق

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	کیمیای عشق
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۶	پیش گفتار
۱۶	اشاره
۱۷	بهترین آموزگار محبت
۲۰	رؤیایی شگفت!
۲۲	درآمد
۲۲	اشاره
۲۴	شاهراه تکامل
۲۴	اشاره
۲۶	راه خدا دوستی
۲۶	انواع معرفت خدا
۲۷	بالاترین درجات محبت
۲۹	راه رسیدن به معرفت شهودی
۳۱	خطرناک ترین آفات محبت خدا
۳۳	درمان دنیا دوستی
۳۵	رمز خودسازی
۳۶	نقش یاد خدا در سازندگی انسان
۴۰	دو نکته مهم
۴۲	کامل ترین مصداق ذکر
۴۲	اشاره
۴۴	الف-تمسک و توسل به اهل بیت

۴۵	ب-احسان به خلق
۵۲	فصل اول: تشویق به خدا دوستی
۵۲	۱/۱-فضیلت خدا دوستی
۵۶	۲/۱-کاملان در خدا دوستی
۶۲	۳/۱-پرستش دوستداران
۶۶	۴/۱-من دوستت دارم، پس دوستدارم باش
۶۸	۵/۱-خدا را دوست بدارید و محبوبش کنید
۶۸	۶/۱-غایت آرزوی دوستداران
۷۰	۷/۱-بهترین لذت در بهشت
۷۴	فصل دوم: اسباب خدا دوستی
۷۴	۱/۲-رحمت خدا
۷۶	۲/۲-شناخت خدا
۷۸	۳/۲-یاد خدا
۸۰	۴/۲-تقوا
۸۲	۵/۲-عزم
۸۲	۶/۲-نیایش
۹۰	فصل سوم: اسباب محبوبیت نزد خدا
۹۰	۱/۳-توبه
۹۴	۲/۳-فرمانبری از خدا
۹۶	۳/۳-پیروی از اهل بیت
۹۸	۴/۳-خوهای والا
۹۸	الف-خوش خویی
۱۰۰	ب-کارهای والا
۱۰۰	ج-رغبت به آنچه نزد خداست
۱۰۲	د-دوستی در راه خدا
۱۰۲	ه-دشمنی در راه خدا

- ۱۰۴ ..... و-بی رغبتی به دنیا
- ۱۰۴ ..... ز-دشمنی با دنیا
- ۱۰۴ ..... ح-فرو بردن خشم
- ۱۰۶ ..... ط-بخشش
- ۱۰۶ ..... ی-فروتنی
- ۱۰۶ ..... ک-غیرت
- ۱۰۶ ..... ل-ملایمت
- ۱۰۸ ..... ۵/۳-کارهای نیکو
- ۱۰۸ ..... الف-جهاد در راه خدا
- ۱۱۰ ..... ب-خواندن قرآن
- ۱۱۲ ..... ج-انجام دادن کارهای نیک
- ۱۱۴ ..... د-یاری دادخواهان
- ۱۱۴ ..... ه-سیراب کردن تشنگان
- ۱۱۴ ..... و-از خود گذشتگی
- ۱۱۶ ..... ز-پاکی
- ۱۱۶ ..... ح-پاکیزگی
- ۱۱۸ ..... ط-آسانگیری
- ۱۱۸ ..... ی-حقیقی
- ۱۱۸ ..... ۶/۳-آنچه خدا دوست دارد
- ۱۲۶ ..... ۷/۳-محبوب ترین کارها نزد خدا
- ۱۲۸ ..... ۸/۳-آنان که خدا دوستشان دارد
- ۱۴۲ ..... ۹/۳-محبوب ترین مردم نزد خدا
- ۱۵۲ ..... معنای دوستی خدا
- ۱۵۸ ..... فصل چهارم: موانع خدا دوستی
- ۱۵۸ ..... ۱/۴-خطرناک ترین مانع
- ۱۶۲ ..... ۲/۴-آنان که خدا دوستشان ندارد

- ۱۶۶ ----- ۳/۴- آنان که خدا دشمنشان می دارد
- ۱۷۶ ----- ۴/۴- دشمن ترین مردم نزد خدا
- ۱۸۴ ----- ۵/۴- آنچه خدا دشمنش می دارد
- ۱۸۸ ----- ۶/۴- منفورترین کارها نزد خدا
- ۱۹۴ ----- فصل پنجم: نشانه های دوستداران خدا
- ۱۹۴ ----- ۱/۵- خستگی برای خدا
- ۱۹۶ ----- ۲/۵- دوستی نیکی و نیکان
- ۱۹۸ ----- ۳/۵- دوستی اهل بیت
- ۲۰۰ ----- ۴/۵- شبخیزی
- ۲۰۲ ----- فصل ششم: ویژگی های محبوبان خدا
- ۲۰۲ ----- ۱/۶- معیار جایگاه بنده نزد خدا
- ۲۰۴ ----- ۲/۶- دوستی نزد دوستان خدا
- ۲۰۴ ----- ۳/۶- انس با خدا
- ۲۰۸ ----- ۴/۶- پرهیز از دنیا
- ۲۱۰ ----- ۵/۶- مبتلا شدن به بلای بزرگ
- ۲۱۲ ----- ۶/۶- گوناگون
- ۲۱۸ ----- فصل هفتم: آثار خدا دوستی
- ۲۱۸ ----- ۱/۷- استجابت دعاها
- ۲۲۲ ----- ۲/۷- دیدار خدا
- ۲۲۸ ----- ۳/۷- خیر دنیا و آخرت
- ۲۳۲ ----- سخنی درباره آثار خدا دوستی
- ۲۳۲ ----- اشاره
- ۲۳۲ ----- الف- بالاترین درجات توحید
- ۲۳۳ ----- ب- جانشینی خدا
- ۲۳۶ ----- درباره مرکز



سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور: کیمیای عشق / محمد محمدی ری شهری؛ تلخیص عبدالهادی مسعودی؛ ترجمه حسن اسلامی.

مشخصات نشر: قم: دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1383.

مشخصات ظاهری: 226 ص.

فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ 62.

شابک: 8000 ریال 6-70-7489-964-978 ؛ 20000 ریال: چاپ دوم 6-70-7489-964-978

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده ای از ترجمه کتاب "المحبه فی الکتاب و السنه" اثر محمد ری شهری است

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ قبلی: دارالحدیث: سازمان چاپ و نشر، 1382.

یادداشت: چاپ دوم: 1387.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14

موضوع: دوستی -- احادیث

شناسه افزوده: مسعودی، عبدالهادی، 1343 -، خلاصه کننده

شناسه افزوده: اسلامی، سیدحسن، 1339 -، مترجم

شناسه افزوده: دارالحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP141/5 / د9 م 3801872 1383

رده بندی دیویی: 297/212

شماره کتابشناسی ملی: م 22470-84

ص: 1

اشاره



کیمیای عشق

محمد محمدی ری شهری

تلخیص عبدالهادی مسعودی

ترجمه حسن اسلامی

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4





الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على عبده المصطفى محمد وآله الطاهرين و خيار صحابته أجمعين.

امروز، جهان بیش از هر وقت دیگر، تشنه دوستی و الفت و مهر و محبت است.

در دنیای امروز که بدبینی، کینه توزی، خشونت و ترور بر جهان حکومت می کند، جامعه بشری بیش از هر زمانی احساس نیاز به کیمیای محبت دارد.

کیمیای محبت، اصلی ترین عامل تنش زدایی در سطح بین الملل و تنها راه رسیدن به صلح همه جانبه و فراگیر است.

اما باید توجه داشت که تنها با سخن و شعار و گفتگو، نمی توان به این کیمیا دست یافت. راه دست یابی به این کیمیا، خودسازی و اصلاح فرهنگ عمومی است و نخستین گام در این راه، مبارزه با عوامل کینه و نفرت، و گام دوم، ایجاد و تقویت بنیادهای مهر و محبت است.



حرکت در این راه، نیاز به تعلیم، تربیت، آموزش و آموزگار دارد و بهترین و بزرگ ترین آموزگار مهر و محبت، مهربان ترین مهربانان، آفریدگار جهان است. او که سخن خود را با انسان در قرآن با نام «رحیم» و «رحمان» آغاز می کند (اشاره به این که او نه تنها «رحیم» است و به اهل ایمان و انسان های شایسته، سخت مهر می ورزد، بلکه «رحمان» نیز هست). او همه را دوست دارد و خوب و بد، از رحمت و محبت عامه او بهره می گیرند که:

«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» 1

ادیم زمین، سفره عام او است چه دشمن بر این خوان یغما، چه دوست (1)

امیر مؤمنان علیه السلام با الهام از این سنت خدای مهربان، در منشور حکومت مصر به مالک اشتر می نویسد:

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَدًّا زَارِيًّا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ (2)

احساس رحمت، محبت و لطف به شهروندان را بر دلت بیوشان و بر آنان، درنده ای آسیب رسان مباش که خوردن

ص: 8

---

1- (2). بوستان سعدی: دیباچه بوستان.

2- (3). نهج البلاغه، نامه 53. [1]

شکارش را غنیمت داند؛ چرا که آنان، دو دسته اند: دسته ای برادرِ دینی تو اند، و دسته ای دیگر، در آفرینش، همانندِ تو.

و نیز می فرماید:

أَبْلَغُ مَا تَسْتَدْرِبُهُ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمِرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةَ. (1)

بهترین راه جذب رحمت [و مهربانی] الهی این است که [در دل،] نیتِ رحمت [و مهربانی] به همه مردم داشته باشی.

باری، آفریدگار مهربان، نه تنها بزرگ ترین آموزگار دوستی است، بلکه همه مهرورزی ها ریشه در رحمت و محبت او دارند و بدون پیوند با او، هیچ محبتی نمی پاید و هیچ کینه و دشمنی ای از جهان رخت برنخواهد بست و آرزوی فراگیر شدن مهر و دوستی در جامعه بشری و حاکمیت صلح همه جانبه هرگز تحقق نخواهد یافت.

کتاب دوستی در قرآن و حدیث، شرح این اجمال است. انتشار این کتاب به زبان عربی مورد استقبال فرهیختگان جهان اسلام قرار گرفت تا آنجا که برخی از چهره های علمی حجاز ضمن تأکید بر نیاز همه مسلمانان به این نوشتار پیشنهاد انتشار آن را در سطح گسترده در جوامع اسلامی ارائه کردند.

به دنبال این پیشنهاد، کتاب «دوستی» توسط فاضل گرانمایه جناب آقای عبدالهادی مسعودی تلخیص گردید و اینک گزیده آنچه از این کتاب مربوط به مهرورزی انسان ها نسبت به خدای

ص: 9

مَنان است با عنوان «کیمیای عشق» در برابر شماسست. «کیمیای عشق» گزیده بخش دوم کتاب «دوستی در قرآن و حدیث» است که تقریباً همه عناوین اصلی و فرعی آن حفظ و تنها از تعداد احادیث آن کاسته شده است، بدیهی است مطالعه اصل کتاب برای آگاهی کامل تر از رهنمودهای اسلام در زمینه مهرورزی انسان ها به پروردگارش ضروری است.

به امید روزی که با بهره گیری از رهنمودهای سازنده اسلام قلب مردم جهان مالا مال از محبت و عشق به خدای سبحان شود، طبعاً چنین عشقی، الفت و سازگاری مردم با یکدیگر را نیز در کامل ترین شکل آن در پی خواهد داشت.

در اینجا از همه کسانی که در مرکز تحقیقات دار الحدیث به گونه ای در تهیه این مجموعه ارزنده سهم هستند صمیمانه سپاسگزاری می نمایم به ویژه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد تقدیری که متن اصلی کتاب با همکاری ایشان سامان یافت و نیز حجت الاسلام جناب آقای عبدالهادی مسعودی که گزیده آن را تهیه کردند، همچنین حجت الاسلام جناب آقای سید حسن اسلامی که زحمت ترجمه آن را پذیرا شدند، و برای همه آنان از خداوند منان پاداشی در خور فضل و کرامت خود مسئلت دارم.

در پایان، جالب است به رؤیایی شگفت انگیز درباره ترجمه این کتاب به زبان اردو، اشاره کنم:

گفتنی است که ترجمه کتاب دوستی به زبان اردو، اخیراً به وسیله «مؤسسه امام المنتظر» و با همت حجت الاسلام جناب آقای سید نیاز نقوی منتشر شد.

ایشان نقل کرده که: کار تایپ و تنظیم ترجمه کتاب به زبان اردو، به عهده دامادش آقای سید محمد رضا نقوی بود که مدتی پیش در سن بیست و هفت سالگی به رحمت ایزدی پیوست؛ رضوان الله تعالی علیه! دو روز پس از وفات وی، یکی از دوستانش آقای سید ظهیر الحسنین شیرازی که از نقش مرحوم سید محمد رضا در تنظیم ترجمه کتاب دوستی به زبان اردو، بی اطلاع بوده، به وی (آقای سید نیاز نقوی پدر خانم آن مرحوم) مراجعه می کند و می پرسد:

جریان کتاب محبت چیست؟ چون من او را در عالم رؤیا دیدم و گفتم: «مشکل من (در عالم برزخ) به خاطر مفاتیح الجنان و کتاب محبت حل شد»....

با توجه به این که بیننده خواب، از جریان کار آن مرحوم در مورد این کتاب بی اطلاع بوده، می توان اطمینان یافت که این رؤیا از رؤیاهای صادقانه است. لذا از آقای نقوی خواستم که آقای سید ظهیر، عین آنچه را در رؤیا دیده، برایم بنویسد. ایشان نوشت:

بنده چند سالی با مرحوم آقای سید محمد رضا نقوی-اعلی الله مقامه-آشنایی و رفاقت داشتم. او دو روز بعد از وفاتش به خواب من آمد (شب چهارشنبه نزدیک اذان صبح) و به من گفت: «حالم بسیار خوش است. زیاد به فکر من نباشید.

فقط در دعاها مرا فراموش نکنید. بعضی ها به من می گفتند:

همیشه مشغول کار تایپ و تنظیم کتاب ها هستی و داری وقت را ضایع می کنی؛ [اما] تایپ و تنظیم کتاب مفاتیح الجنان و المحبّة فی الكتاب والسنة (به اردو)، خیلی بدردم خورد و باعث نجاتم شد!

آری، آنچه بیش از هر چیز دیگر، برای انسان در این جهان و جهانِ پس از مرگ، کارساز است، کیمیای محبت است: یک جو ثمر نمی برد از خرمن کمال در دل، هر آن که تخم محبت نکشته است

إلهی! لم یکن لی حول فأنقل به عن معصیتک إلی فی وقت أیظنتی لمحبتک، فانهج لی إلی محبتک سبیلاً سهلة أكمل لی بها خیر الدنیا والآخرة.

محمد محمدی ری شهری

1382/9/10

ص: 12

درآمد

اشاره

ص: 13



دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی حافظ

اسلام که دین همه انبیای راستین و برنامه تکامل انسان است، ریشه در محبت خدا دارد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ... وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ.

این اسلام، دین خداوند است که آن را برای خود برگزیده است و ستون هایش را بر محبت خویش استوار ساخته است. (1)

و این، بدان معناست که خدا دوستی، اصلی ترین پایه های سازندگی فردی و اجتماعی و تکامل مادی و معنوی انسان است و همه آنچه

انبیای الهی برای هدایت جامعه بشر آورده اند، در صورتی به نتیجه مطلوب می رسد که بر این پایه استوار باشد و تا

ص: 15

---

1- (1). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 309 ح 954. [1]



انسان به کیمیای محبتِ خدا دست نیافته، به فلسفهٔ خلقت خود، دست نخواهد یافت. (1)

امام سجاد علیه السلام در دعای «مکارم الأخلاق» از صحیفهٔ سجادیه، به کیمیای محبت اشاره کرده است، آنجا که می فرماید:

وَأَنْهَجَ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَكْمِلُ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

به سوی محبت، راهی آسان برایم بگشا که بدان، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل کنی. (2)

بر این اساس، هر چه محبت انسان نسبت به آفریدگار جهان، بیشتر و قوی تر باشد، توفیق بیشتری برای رسیدن به راز آفرینش خود و کسب کمالات انسانی دارد. لذا در زیارت پیشوایان دین، اهل بیت رسول خدا که در اوج قلّهٔ انسانیت و امامت قرار دارند، با صفت «

التَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ (کاملان در دوستی خدا)» (3) مورد خطاب قرار می گیرند.

فصل اول از بخش دوم این کتاب، دربارهٔ آیات و احادیثی است که با بیانهای گوناگون، اهل ایمان را به تحصیل کیمیای محبت خدا دعوت می کنند.

ص: 16

---

1- (1). عاشق شو ار نه روزی، کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود، از کارگاه هستی

2- (2). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 321 ح 976. [1]

3- (3). ر.ک: بخش دوم، فصل اول، ص 47 (کاملان در خدا دوستی).

مسئله اصلی، چگونگی به دست آوردن محبت خداست.

رهنمودهای اهل بیت در این باره، در فصل دوم خواهد آمد.

خلاصه این رهنمودها این است که اصلی ترین مبادی محبت خدا پس از فضل و رحمتش، معرفت است. خداوند سبحان، به فضل و رحمت خود، عشق به خوبی ها و زیبایی ها را در سرشت انسان نهاد و از آنجا که خود، جامع همه کمالات و زیبایی هاست، ممکن نیست کسی حقیقتاً او را بشناسد و او را دوست نداشته باشد. از این رو، امام مجتبی علیه السلام تأکید می فرماید که:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ. (1)

هر که خدا را بشناسد، دوستش خواهد داشت.

### انواع معرفت خدا

دو نوع معرفت برای انسان نسبت به حضرت حق - جلّ و علا - امکان پذیر است: اول، معرفت از طریق برهان که تکیه گاه ایمان است و دوم، معرفت از طریق شهود که یقین نامیده می شود. لذا وقتی می گوییم: معرفت خدا، مبدأ محبت اوست، این سؤال پیش می آید که کدام معرفت؟ معرفت برهانی یا شهودی، و یا هر دو؟

پاسخ این است که: هر دو. هر قدر انسان نسبت به خداوند متعال معرفت پیدا کند، به همان میزان، با زیبایی ها و کمالات او آشنا می شود و نسبت به او علاقه پیدا می نماید. به همین جهت،

ص: 17

---

1- (1). تنبیه الخواطر: 52/1. [1]

معرفت برهانی هم می تواند مبدأ محبت خدا باشد و از این رو وقتی حضرت داوود علیه السلام از خداوند می پرسد:»

كَيْفَ احْبَبِكَ اِلٰى خَلْقِكَ؟ چه گونه محبت ترا بین مردم ایجاد کنم؟»، پاسخ می شنود:»

اَذْكُرْ اِيَادِيَّ عِنْدَهُمْ، فَإِنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَ لَهُمْ ذَلِكَ أَحَبُّونِي؛ دست احسانم به ایشان را یاد کن که اگر به یادشان بیاوری دوستم خواهند داشت.»  
(1)

با این همه، تردیدی نیست که محبت تام و کامل که از آن به عشق تعبیر می شود، جز از طریق معرفت شهودی حاصل نمی گردد. به گفته برخی از اهل معرفت:

تمام مطلب این است که تا انسان، معرفت شهودی نسبت به خدا پیدا نکند، عاشق نمی شود. اگر این گونه عارف شد، می بیند که همه خوبی ها در خدا جمع است: «اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ». (2) بنابراین این، محال است انسان به غیر خدا توجه کند. (3)

### بالاترین درجات محبت

بر این اساس، آنان که معرفتشان نسبت به خداوند متعال، معرفت شهودی است، بالاترین درجات عشق و محبت را نسبت به ذات مقدس او دارند، و آنان دو طایفه اند: یکی «ملائکه» و دیگری «أولوا العلم»؛ همان گونه که خداوند سبحان می فرماید:

ص: 18

---

1- (1) ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، بخش دوم، [1] فصل اول ص 301 ح 941.

2- (2) ر.ک: سوره نمل، آیه 59. [2]

3- (3) کیمیای محبت، فصل سوم: کیمیای سازندگی ص 158 مبادی محبت خدا.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ . (1)

خداوند گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و نیز فرشتگان [او] و دانشوران.

امام علی علیه السلام درباره شدت محبت طایفه اول، یعنی فرشتگان، نسبت به حضرت حق -عزوجل- چنین می فرماید:

... قَدْ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ وَوَصَلَتْ حَقَائِقُ الْإِيمَانِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَقَطَعَهُمُ الْإِيْقَانُ بِهِ إِلَى الْوَلِيِّ إِلَيْهِ، وَلَمْ تُجَاوِزِ رَغْبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ، قَدْ ذَاقُوا حَلَاوَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَشَرِبُوا بِالْكَأْسِ الرَّوِيَّةِ مِنْ مَحَبَّتِهِ.

اشتغال به عبادتش، آنان را از هر چیز دیگر بازداشته است و حقایق ایمان، آنان را به معرفت پروردگارشان پیوند داده است و یقین به او، آنان را از دیگران بریده و شیفته او ساخته است و خواسته هایشان از آنچه نزد اوست، به آنچه نزد دیگری است، در نمی گذرد. آنان، شیرینی معرفتش را چشیده و از جام لبریز محبتش نوشیده اند. (2)

و لذت طایفه دوم از معرفت خدا را امام صادق علیه السلام چنین توصیف می نماید:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ -عَزَّوَجَلَّ- مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَّعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا، وَكَانَتْ

ص: 19

1- (1). سورة آل عمران، آیه 18. [1]

2- (2). ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 91، ص 311 ح 959. [2]

دُنْيَاهُمْ أَقَلَّ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْوُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَلَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ -جَلَّ وَعَزَّ- وَتَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

اگر مردم از فضیلت شناخت خدای -عزوجل- باخبر می شدند، به نعمت ها و خوشی های زندگی دنیوی که خداوند دشمنان را از آن برخوردار ساخته است، چشم نمی دوختند و دنیایشان از آنچه با گام هایشان بر آن پای می نهند نیز کمتر می شد و با نعمت خدا متنعّم می شدند و از آن لذّت می بردند؛ لذّت بردن کسی که همواره در باغ های بهشت، در کنار اولیای خداست. (1)

### راه رسیدن به معرفت شهودی

راه رسیدن به معرفت شهودی، تخلیه و تجلیه قلب است. تخلیه قلب، به معنای پاکسازی آینه دل از کدورت ها و زنگار کارهای ناشایسته است. امام سجاد علیه السلام در دعایی که ابوحمزه ثمالی از آن حضرت نقل کرده است، خطاب به خداوند متعال می فرماید:

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ. (2)

آن که به سوی تو کوچ کرده است، راهش بس نزدیک است و تو از خلقت در حجاب نشده ای، جز آن که کردارشان، آنان

ص: 20

---

1- (1). کافی، ج 8، ص 247 ح 347 و ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 319 ح 968. [1]

2- (2). ر.ک: مصباح المتهجد: ص 583 ح 691. [2]

را از تو می پوشانند.

امام در این کلام، تصریح می کند که جمالِ جمیل حضرت حق - جلّ و علا - حجاب ندارد. حجاب، از ناحیه کارهای ناشایسته است، و اگر حجابِ زنگارهای اعمال ناشایسته از آینه دل زدوده شود، انسان به معرفت شهودی می رسد.

با عنایت به این مقدمه، به این نتایج می رسیم که:

اولاً تجلیه قلب، راه دوم برای معرفت شهودی محسوب نمی شود؛ بلکه تخلیه و پاکسازی دل از زنگارهای کارهای ناشایسته، برای رسیدن به معرفت شهودی کافی است و تجلیه دل، به وسیله کارهای شایسته، بر قوت این معرفت، خواهد افزود.

ثانیاً حجابهای معرفت خدا، با موانع محبت او یکی است؛ زیرا چنان که دانستیم، معرفت شهودی خداوند متعال، با محبت او همراه است. از این رو کسانی که با عنصر تقوا حجاب های معرفت شهودی را کنار زده اند، با کیمیای محبت خدا رشته محبت غیر او را گسسته اند. امام باقر علیه السلام آنها را چنین توصیف می فرماید:

... قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ... وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ -عَزَّوَجَلَّ- وَإِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ.

محبت خویش را [به دنیا] برای محبت پروردگارشان بریده اند... و با دل های خود، به خداوند عزوجل و محبتش نگریسته اند. (1)

ص: 21

---

1- (1) .ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، [1] اسباب خدا دوستی، تقوا: ص 323 ح 977.

ثالثاً برخی از عناوینی که در «اسباب خدا دوستی» (1) آمد و یا در «اسباب محبوبیت نزد خدا» (2) می آید؛ مانند: تقوا و توبه، اسباب تجلیه قلب و بیشتر آنها اسباب تحلیه قلب نیز محسوب می شوند.

تفکیک میان «اسباب خدا دوستی» و «اسباب محبوبیت»، به دلیل آن است که دسته اول، اسباب محبت بنده نسبت به خدای تعالی را توضیح می دهد و دسته دوم، اسباب محبت خداوند متعال نسبت به بنده را بیان می نماید؛ ولی به کار بردن اسباب هر یک از این دو طایفه در مورد هدف اسباب طایفه دیگر، بلا مانع است.

مثلاً در متن قرآن و حدیث، توبه، سبب محبت خدا به بنده شمرده شده است؛ لیکن با توضیحاتی که داده شد، سبب محبت بنده به خدا نیز هست؛ یا معرفت خدا، تقوا و دعا که جزء اسباب محبت بنده نسبت به خدا ذکر شده اند، در صورتی که موجب محبت خدا به بنده نیز هستند و در بعضی از اسباب (مانند «یاد خدا» (3)) به این نکته تصریح شده است که موجب محبت خدا به بنده و بنده به خداوند متعال است.

### خطرناک ترین آفات محبت خدا

دنیا دوستی، اصل هر گناه، ریشه هر حجاب و بذر هر یک از موانع خدا دوستی است. از این رو در باب اول از ابواب موانع محبت

ص: 22

---

1- (1) .ر.ک:ص 65. [1]

2- (2) .ر.ک:ص 81. [2]

3- (3) .ر.ک:ص 69.

خدا، آن را (خطرناک ترین مانع) (1) محبت خدا نامیده ایم. بر اساس نصوص این باب، محبت خدا به هیچ وجه قابل جمع با محبت دنیا نیست و تا ذره ای از غبار این محبت بر آینه دل نشسته باشد، معرفت و محبت حقیقی خدا برای انسان، امکان پذیر نیست.

در این جا این سؤال پیش می آید که: دنیا چیست؟ و چرا محبت آن، با محبت خدا قابل جمع نیست؟

دنیا در فرهنگ نصوص اسلامی عبارت است از هدف قرار دادن امکانات و لذایذ مادی و دنیوی. اگر برخورداری از لذایذ مادی و دنیوی، مقدمه معنویت و آخرت و رسیدن به قرب الهی باشد، در فرهنگ اسلام، دنیا محسوب نمی شود. لذا نه تنها مانع برای محبت خدا نیست؛ بلکه مقدمه آن است. اما اگر کامیابی های مادی هدف قرار گرفت، خطرناک ترین آفات معنویت و محبت است: «ما جعل الله لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ؛ خداوند در درون یک فرد دو دل قرار نداده است» (2). دلی که ظرف محبت دنیا و لبریز از تاریکی های معنوی است، چگونه می تواند عرش رحمان باشد و نور آسمان ها و زمین را در خود جای دهد؟ لذا امام العارفین می فرماید:

كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ. (3)

ص: 23

---

1- (1) ر.ک: ص 149. [1]

2- (2) سورة احزاب، آیه 4. [2]

3- (3) ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 411 ح 1186. [3]



همان گونه که خورشید و شب، جمع نمی شوند، خدا دوستی و دنیا دوستی نیز باید یکدیگر جمع نمی شوند.

در این باب، تفاوتی میان کامیابی های حلال و حرام نیست.

کامیابی های حلال هم اگر هدف باشد، تاریکی می آورد و مانع محبت حقیقی نور مطلق است. لذا پیامبر اکرم به ابوذر فرمود:

لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ. (1)

در هر چیز باید نیتی شایسته داشته باشی؛ حتی در خوردن و خواب.

البته تردیدی نیست که ظلمت کامیابی های حرام، بیشتر و بازدارندگی اش افزون تر است.

اجتناب از مطلق دنیا دوستی، بالاترین مراتب تقواست که اگر انسان بدان دست یابد، به کیمیای محبت و بالاترین درجات کمالات معنوی دست یافته است. امام باقر علیه السلام درباره این گروه از متقین و کسانی که به این مرتبه رسیده اند می فرماید:

قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ... وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ... (2)

محبت خویش را [به دنیا] به خاطر دوستی خدا بُریدند و چشم به خدا دوختند...

## درمان دنیا دوستی

دنیا دوستی، ریشه در بیماری های دل دارد. قلب سلیم، از محبت

ص: 24

1- (1). میزان الحکمة، ش 20999، [1] مکارم الاخلاق: 2/2661/370. [2]

2- (2). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 323 ( [3] تقوا).

دنیا خالی است. امام صادق علیه السلام در تبیین آیه شریف «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ جز آن که با دلی سلیم در پیشگاه الهی حاضر شود» (1) می فرماید:

هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا. (2)

آن دلی است که از محبت دنیا فارغ است.

در این جا این سؤال پیش می آید: ریشه بیماری های دل که سبب محبت دنیا نیز هست، چیست؟

پاسخ این است که ریشه بیماری های قلب و سبب همه رذایل اخلاقی، خودخواهی است. بنابراین، برای درمان اساسی دنیادوستی، راهی جز مبارزه با خودخواهی وجود ندارد.

امام خمینی رحمه الله در این باره، خطاب به فرزندش چنین می فرماید:

فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به در آی که این، ارث شیطان است که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او- جلّ و علا- سر باز زد؛ و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است و شاید آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» 3 در بعضی مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که

ص: 25

---

1- (1). سورة شعرا، آیه 89. [1]

2- (2). تفسیر مجمع البیان: 305/7.

شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد؛ و هرکس، برای رفع فتنه از درون و برون خویش، باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می شود. (1)

## رمز خودسازی

در این جا، فرصت نقد و بررسی روش علمای اخلاق در مبارزه با خودخواهی و معالجه رذایل اخلاقی و سالم سازی دل از طریق ممارست بر ضد آنها نیست. لذا تنها به بحث و بررسی درباره رهنمود مهم امام علی علیه السلام بسنده می کنیم. ایشان درباره اساسی ترین کاری که به سالم سازی قلب می انجامد، چنین می فرماید:

أَصْلُ صَالِحِ الْقَلْبِ اشْتِغَالُهُ بِذِكْرِ اللَّهِ. (2)

اصل صلاح دل، مشغول داشتن آن به یاد خداست.

این سخن، از سخنان درخشان و برجسته امام علی علیه السلام است؛ بلکه از معجزات علمی آن بزرگوار محسوب می شود. در این کلام، امام، دقیق ترین درس های سالم سازی دل و سیر و سلوک الی الله را به کسانی که طالب این راه هستند، داده است.

بر اساس این رهنمود، یاد خدا رمز خودسازی است. یاد خدا، در واقع انسان را از خود حیوانی تهی می کند و بدین وسیله، انسان می تواند خویشتن را از رذایل اخلاقی پاک نماید و خود انسانی

ص: 26

---

1- (1). صحیفه نور: 371/22 و 372.

2- (2). غرر الحکم: 3083. [1]

خویش را بیابد و با این دریافت، به معرفت و محبت خدا برسد که «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ (1) هرکس خود را شناخت، پروردگارش را شناخته است».

## نقش یاد خدا در سازندگی انسان

در نصوص اسلامی، نقش یاد خدا در سازندگی انسان، به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است که برای نمونه، به سه دسته از آنها اشاره می‌کنیم:

دسته اول، روایاتی که در آنها نقش یاد خدا در آفت زدایی و سالم سازی قلب، مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند این روایات که از امام علی علیه السلام نقل شده است:

ذِكْرُ اللَّهِ، مَطْرَدَةٌ الشَّيْطَانِ. (2)

یاد خدا، دور کننده شیطان است.

ذِكْرُ اللَّهِ، رَأْسُ مَالٍ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَرِيحُ السَّلَامَةِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (3)

یاد خدا، سرمایه هر مؤمن و سود آن، سلامتی در برابر شیطان است.

ذِكْرُ اللَّهِ، دَوَاءُ أَعْلَالِ النَّفُوسِ. (4)

ص: 27

---

1- (1). غرر الحکم: 5162، [1] مناقب خوارزمی: ص 375 ح 395 نقل از مائة کلمه جاحظ عن امام علی علیه السلام، شرح نهج البلاغه: ج 20 ص 292 ح 239، صراط المستقیم: ج 1 ص 156، عوالی اللالی: ج 4 ص 102 ح 149. [2]

2- (2). بداية والنهاية: ج 1 ص 64، غرر الحکم: 5162. [3]

3- (3). غرر الحکم: 5169، 5171. [4]

4- (4). غرر الحکم: 5169، 5171. [5]

یاد خدا، داروی دردهای جانها است.

یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ. (1)

ای آن که نامش دوا و یادش شفا است.

دسته دوم، متونی که بیان کننده نقش یاد خدا در آرامش دل و شرح صدر، و نورانیت قلب و فکر، و ایجاد حیات و حواس باطنی، و رشد و تکامل معنوی است؛ مانند گفتار خداوند متعال:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. (2)

آگاه باش؛ به یاد خدا دلها استوار می گردد.

و آنچه از امیر مؤمنان نقل شده است:

الذُّكْرُ، يَشْرَحُ الصَّدْرَ. (3)

یاد خدا دل را گشایش می دهد.

دَوَامُ الذُّكْرِ، يُنِيرُ الْقَلْبَ وَالْفِكْرَ. (4)

یاد مداوم خدا دل و خرد را درخشان می کند.

مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ، أَحْيَا قَلْبَهُ وَ نَوَّرَ عَقْلَهُ وَ لُبَّهُ. (5)

آن که یاد خدا کند دلش را زنده بدارد و عقلش را درخشان کند.

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الذُّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ،

ص: 28

1- (1). مصباح المتعجب: 361. [1]

2- (2). سورة رعد، آیه 28. [2]

3- (3). غرر الحکم: 835، 5144، 8876. [3]

4- (4). غرر الحکم: 835، 5144، 8876. [4]

5- (5). غرر الحکم: 835، 5144، 8876. [5]

وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ. (1)

خداوند سبحان یاد خود را مایه صفای دلها قرار داده است، که پس از ناشنیدن، بدان می شنود، و در پی نادیدن، بدان می بیند و پس از سرپیچی، بدان پیروی او می کند.

مُدَاوِمَةُ الذِّكْرِ، قُوَّةُ الْأَرْوَاحِ وَمِفْتَاحُ الْفَلَاحِ. (2)

تداوم یاد خدا، نیروی جان ها و کلید رستگاری است.

دسته سوم، متونی که انس با خدا، همنشینی با او و عشق و محبت او را ثمره یاد خدا می دانند. مانند آنچه از پیامبر اسلام نقل شده است:

مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ، أَحَبَّهُ. (3)

آن که فراوان یاد خدا کند، او را دوست خواهد داشت.

و آنچه از امیر مؤمنان نقل شده است:

الذِّكْرُ مِفْتَاحُ الْأَنْسِ. (4)

یاد الهی، کلید انس است.

ذِكْرُ اللَّهِ قُوَّةُ النَّفْسِ وَمُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ. (5)

یاد خدا، نیروی جان ها و همنشینی با محبوب است.

بر اساس این نصوص، یاد خدا در نخستین گام سلوک به سوی او، آینه دل را از زنگار اخلاق و اعمال ناشایسته پاک می کند و در

ص: 29

1- (1). نهج البلاغه: خطبة 222. [1]

2- (2). غرر الحکم: 9832. [2]

3- (3). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 321 ح 969 و 974 و [3] 975.

4- (4). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 321 ح 969 و 974 و [4] 975.

5- (5). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 321 ح 969 و 974 و [5] 975.

گام دوم، آمادگی آن را برای انعکاس معارف شهودی تقویت می نماید و در گام سوم، کیمیای عشق و محبتِ دادار یگانه هستی را به سالک، اهدا می نماید.

با عنایت به این آثار و برکات عظیم و نقش کلیدی یاد خدا در سازندگی انسان و جامعه توحیدی است که قرآن کریم و احادیث اسلامی، مکرر بر کثرت ذکر، بلکه تداوم آن، تأکید دارند. خداوند سبحان می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا». (1)

ای آنان که ایمان آورده اید خدا را فراوان یاد کنید و او را سحرگاهان و شامگاهان تسبیح کنید.

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ». 2

آن گاه که نماز را به پایان رسانیدید ایستاده، نشسته و بر پهلو یاد خدا کنید.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا لَهُ حَدٌّ يَنْتَهَىٰ إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهَىٰ إِلَيْهِ». (2)

هر چیزی را حدی است که بدان پایان می یابد، جز ذکر که

ص: 30

---

1- (1). احزاب: 41-42. [1]

2- (3). الکافی: 1/498/2. [2]

آن را حدّ و انتهای پایان پذیر نیست.

سپس حضرت این آیه را برخواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا». 1

ای آنانی که ایمان آوردید، خداوند را بسیار یاد کنید.

## دو نکته مهم

در این جا توجه به دو نکته مهم، ضروری است:

1- آنچه موجب بروز و ظهور آثار ذکر در تخلیه و تجلیه قلب و رسیدن به معرفت شهودی و محبت خداست، تداوم ذکر است؛ چنان که در بسیاری از نصوصی که گذشت، بدان تصریح شده است. بنابراین، ذکری که تداوم ندارد و بر قلب غلبه نمی کند، نمی تواند موجب حرکت انسان به سوی کمال مطلق باشد.

فقیه و محدث بزرگ، فیض کاشانی رحمه الله، در هجدهمین رهنمود از بیست و پنج رهنمودی که رساله زاد السالک در پاسخ نامه یکی از روحانیان درباره کیفیت سلوک راه حق ارائه کرده است می فرماید:

قدری از اذکار و دعوات ورد خود ساختن در اوقات معینه، خصوصاً بعد از نمازهای فریضه، و اگر تواند که اکثر اوقات زبان را مشغول ذکر حق دارد؛ و اگر چه جوارح در کارهای دیگر مصروف باشد، زهی سعادت.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زبان مبارک





فِي كُلِّ مَوْطِنٍ. أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَإِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَاكَ، وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمَتْ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ». (1)

«آیا از سخت ترین چیزی که خداوند آن را واجب کرده، آگاهی نسازم؟» گفتیم: «چرا». فرمود: «انصاف تو با دیگران و سهیم کردن با برادران و یاد خدا در همه جا. بدان که منظورم سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله والله اكبر گفتن نیست، گرچه این نیز یاد خدا است بلکه یاد خدا در هر جا که بر اطاعت و یا معصیت او تصمیم می گیری».

## کامل ترین مصداق ذکر

### اشاره

نماز، کامل ترین مصداق ذکر است و آیه شریف «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (2) به همین نکته ظریف، اشارت دارد. نماز اگر با آداب و شرایط آن بویژه حضور قلب، انجام شود، در گام اول، دل را از همه زشتی ها و آلودگی ها پاک می کند؛ همان طور که خداوند سبحان می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» 3 و با پاکی از آلودگی ها، انسان به صفت تقوا متصف می گردد و در گام دوم، انسان را به بساط قرب و انس و محبت خداوند متعال می رساند؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

ص: 33

---

1- (1). کافی: ج 2 ص 145 ح 8.

2- (2). سوره طه، آیه 14. [1]

الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ. (1)

نماز نردبان هر پرهیزگار است.

بنابراین، نماز، بهترین وسیله برای خودسازی و سازندگی و ساختن جامعه توحیدی و مبتنی بر محبت خداست. به همین جهت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان «

خَيْرُ مَوْضُوعٍ» (2) یاد می کند و امام صادق علیه السلام درباره ارزش نماز و نقش آن در سازندگی انسان می فرماید:

مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ تَعَدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةُ. (3)

پس از شناخت [خدا] هیچ چیزی همپایه نماز نیست.

از این رو، امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه اخلاقی خود، پس از آن که خودخواهی و خودبینی را ریشه همه فتنه ها و گرفتاری های بنی آدم می خواند و جهاد برای قطع این ریشه را جهاد اکبر می نامد و پیروزی در این جهاد را مایه اصلاح همه چیز و همه کس تعریف می کند، تأکید می فرماید که راه رسیدن به این پیروزی-پس از استمداد از خداوند متعال-نماز است. متن نوشته امام، خطاب به فرزندش چنین است:

پسر! سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست کم به

ص: 34

---

1- (1). خصال، ج 2 ص 620 ح 10، نهج البلاغه: حکمت 136.

2- (2). معانی الأخبار، ص 333 ح 1 و مسند ابن حنبل: ج 8 ص 132 ح 21608.

3- (3). الکافی، ج 3، ص 264 ح 1 و [1] امالی طوسی: 147/694 [2] از زرعه، ارشاد القلوب ص 145، [3] بحار الانوار: ج 27 ص 202 ح 71.

بعض مراحل آن. همّت کن و از هواهای نفسانیه که حدّ و حصر ندارد، بکاه و از خدای متعال -جلّ و علا- استمداد کن که بی مدد او، کسی به جایی نرسد و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقّق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم و دورنمایی از صلاة معراج سید انبیای عرفا-علیه وعلیهم وعلی آله الصلاة والسلام- را مشاهده کردیم که خداوند متّان، ما و شما را به این نعمت بزرگ، منّت نهد. (1)

نکته قابل توجّه این که بهره گیری کامل از آثار و برکات نماز در سیر و سلوک إلى الله، دو شرط اصلی دارد:

### الف- تمسک و توسّل به اهل بیت

راه توحید و معرفت و محبّت خداوند متعال، راهی است بس دشوار و صعب العبور که طی کردن آن بدون چراغ و راهنما و تمسک به ولایت و بهره گیری از شفاعت و سالیلی که خداوند متعال برای تقرّب (2) به خود معین فرموده است و ورود از دری که خداوند متعال برای گام نهادن بر بساط قرب خود مشخص کرده است، (3)

ص: 35

1- (1). صحیفه نور، ج 22، ص 372.

2- (2). يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: سورة مائده، آیه 35.

3- (3). اهل بیت در قرآن و حدیث، ویژگی های اهل بیت (12/1).

امکان پذیر نیست. لذا در زیارت ائمه اهل بیت می خوانیم:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. (1)

هرکه خواهد را بخواهد، از شما می آغازد و هر که او را به یگانگی بشناسد، از شما پذیرفته است و هرکه قصد او کند، به شما روی می آورد.

لذا امام صادق علیه السلام برای دستیابی به حقیقت نماز و بهره گیری کامل از این بهترین وسیله سلوک إلى الله، می فرماید:

إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ! إِنِّي أَقْدَمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِي وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا، وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَابًا إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (2)

هرگاه به نماز ایستادی، بگو: بارالها! من محمد صلی الله علیه و آله را برای برآوردن حاجتم به درگاہت می آورم و به وسیله او به توری می آورم. پس به سبب او مرا در دنیا و آخرت، نزدت آبرومند و از مقربان قرار ده. نمازم را به سبب او مقبول، گناهم را آمرزیده و دعایم را مستجاب کن که تویی بخشاینده مهربان.

## ب- احسان به خلق

یکی از شرایط مهم پذیرفته شدن نماز و بهره گیری از آثار و انوار و

ص: 36

1- (1). من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 615، زیارت جامعۀ کبیره.

2- (2). کافی، ج 3، ص 309 ح 3.

برکات آن که در متون اسلامی بر آن تأکید شده، زکات است. قرآن کریم در کنار نماز، مردم را به پرداختن زکات دعوت کرده است.

امام رضا علیه السلام درباره راز این اقتران می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَّقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى: أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ.... (1)

خداوند عزوجل، سه چیز را قرین سه چیز دیگر قرار داد: به نماز و زکات فرمان داد. پس هرکه نماز بخواند، اما زکات نپردازد، نمازش پذیرفته نمی شود....

نقش پرداخت زکات در بهره گیری از آثار نماز تا آنجا است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ. (2)

هرکه زکات نپردازد، نمازی ندارد.

زکات در مفهوم عام خود، شامل مطلق حقوق مالی، اعم از واجب و مستحب است. لذا هنگامی که شخصی از امام صادق علیه السلام می پرسد:

فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ؛ حَدِّ نَصَابٍ مَالِيٍّ فِي زَكَاةٍ چيست؟». امام می فرماید:

«الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟»، قَالَ: «أُرِيدُهُمَا جَمِيعاً».

فَقَالَ: «أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ دِرْهَمًا، وَأَمَّا

ص: 37

---

1- (1). بحار الأنوار، ج 96، ص 12 ح 17 [1] به نقل از خصال.

2- (2). مشكاة الأنوار، ص 46 ح 212. [2]

الباطنةُ فلا تستأثر على أخيك بما هو أحوَجُ إليك منك. (1)

[امام فرمود: «مقصودت، زکات ظاهری است یا باطنی؟»].

پرسنده گفت: «هر دو را می‌پرسم». حضرت فرمود: «اما نصاب زکات ظاهری، در هر هزار درهمی، بیست و پنج درهم است؛ اما زکات باطنی، آن است که آنچه را برادرت بدان نیازمندتر است، ویژه خود نکنی.

بر این اساس، می‌توان گفت که همه‌گونه احسان به خلق، برای خدا، شرط کمال بهره‌گیری از برکات هر نوع ذکر و در رأس آن، نماز است.

خدمت به مردم، تا آنجا در تکامل انسان نقش دارد که پیغمبر اسلام خدمتگزاران مردم را بهترین مردم می‌نامد و در این باره می‌فرماید:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ. (2)

بهترین مردم، کسی است که مردم از او بهره‌برند.

و امام علی علیه السلام احسان را در کنار اطاعت خداوند متعال به عنوان فلسفه خلقت انسان مطرح می‌کند و می‌فرماید:

بِتَقْوَى اللَّهِ امِرْتُمْ وَلِلْإِحْسَانِ وَالطَّاعَةِ خُلِقْتُمْ. (3)

به تقوای خدا فرمان یافتید و برای احسان [به خلق] و

ص: 38

---

1- (1). معانی الأخبار، ص 153، (ح 1).

2- (2). اختصاص، ص 243.

3- (3). بحار الانوار: ج 32 ص 356 ح 337 [1] به نقل از شرح نهج البلاغه.

اطاعت [ از خدا]، آفریده شدید.

اصولاً همان طور که امام خمینی فرموده، (1) خدمت به خلق، در واقع، خدمت به خدا و عبادت اجتماعی است و هر چه انسان به خلق، خصوصاً مردم محروم، بیشتر خدمت کند، به خالق نزدیک تر می شود و به بساط انس و قرب و محبت او بهتر راه می یابد؛ چنان که در حدیث قدسی آمده است:

یا أَحْمَدُ! مَحَبَّتِي، مَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ. (2)

دوستی من، دوست داشتن فقیران است.

باری! آنچه درباره راه رسیدن به معرفت شهودی و محبت خدا گفتیم در پنج نکته خلاصه می شود:

1. حضور دایم در محضر حق تعالی؛

2. اهتمام به حضور قلب در نماز؛

3. استمداد از خداوند متعال؛

4. تمسک و توسل به اهل بیت علیهم السلام؛

5. خدمت به خلق برای خدا.

ر.ک: ص 65 (اسباب خدا دوستی).

ص: 39

---

1- (1). در وصیّت نامه اخلاقی امام (ره) به فرزندش آمده است: «پسرم! زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است، شانه خالی مکن... (صحیفه نور، ج 22، ص 359).

2- (2). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 199 ح 648. [1]





فصل یکم: تشویق به خدا دوستی

فصل دوم: اسباب خدا دوستی

فصل سوم: اسباب محبوبیت نزد خدا

فصل چهارم: موانع خدا دوستی

فصل پنجم: نشانه های دوستاناران خدا

فصل ششم: ویژگی محبوبان خدا

فصل هفتم: آثار خدا دوستی

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» . (1)

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» . (2)

---

1- (1). البقرة: 165. [1]

2- (2). التوبة: 24. [2]

## فصل اول: تشویق به خدا دوستی

### 1/1- فضیلت خدا دوستی

قرآن

«برخی از مردم، در برابر خدا شریکانی برمی‌گزینند و آنان را چنان دوست می‌دارند که خدا را، اما کسانی که ایمان آورده‌اند، محبتشان به خدا شدیدتر است».

«بگو: اگر پدرانتان، فرزندانان، برادرانتان، همسرانتان، خویشاوندانتان و اموالی که اندوخته‌اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و خانه‌هایی که بدان دلخوش هستید، برایتان از خدا و فرستاده‌اش و جهاد در راهش دوست داشتنی‌تر است، منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد، و خدا مردم فاسق را هدایت نخواهد کرد».

ص: 43

1. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحِبُّوا اللَّهَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكُمْ. (1)

2. إرشاد القلوب: رُوِيَ أَنَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَّمَ عَلَيْهِ غُلَامٌ دُونَ الْبُلُوغِ وَيَسَّرَ لَهُ وَتَبَسَّمَ فَرَحاً بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ: أَتُحِبُّنِي يَا فَتَى؟

فَقَالَ: إِي وَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ لَهُ: مِثْلَ عَيْنَيْكَ؟

فَقَالَ: أَكْثَرَ.

فَقَالَ: مِثْلَ أَبِيكَ؟

فَقَالَ: أَكْثَرَ.

فَقَالَ: مِثْلَ أُمَّكَ؟

فَقَالَ: أَكْثَرَ.

فَقَالَ: مِثْلَ نَفْسِكَ؟

فَقَالَ: أَكْثَرَ وَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ: أَمِثْلَ رَبِّكَ،

فَقَالَ: اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ هَذَا لَكَ وَ لَا لِأَحَدٍ فَإِنَّمَا أَحَبَبْتُكَ لِحُبِّ اللَّهِ.

فَالْتَمَتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى مَنْ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ: هَكَذَا كُونُوا، أَحِبُّوا اللَّهَ لِإِحْسَانِهِ إِلَيْكُمْ وَ إِنْعَامِهِ عَلَيْكُمْ، وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ. (2)

ص: 44

1- (1). كنز العمال: 44147/124/16 نقلاً عن هناد عن أبي سلمة بن عبد الرحمن.

2- (2). إرشاد القلوب: 161. [1]

1. رسول خدا صلی الله علیه و آله: با همه دل، خدا را دوست بدارید.

2. إرشاد القلوب: منقول است که نوجوانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کرد و از خوشحالی دیدن ایشان، چهره اش گشاده گشت و لبخند زد.

حضرت به او فرمود: «ای جوان! مرا دوست داری؟».

گفت: «ای رسول خدا! به خدا قسم، آری».

فرمود: «همچون چشمانت؟»

گفت: «بیشتر».

فرمود: «همچون پدرت؟».

گفت: «بیشتر».

فرمود: «همچون مادرت؟»

گفت: «بیشتر».

فرمود: «همچون خودت؟».

گفت: «ای رسول خدا! به خدا قسم، بیشتر».

فرمود: «همچون پروردگارت؟».

گفت: «خدا را، خدا را، خدا را، ای رسول خدا، که این مقام، نه برای توست و نه دیگری! در حقیقت، تو را برای دوستی خدا، دوست می دارم».

در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله به همراهان خود روی کرد و فرمود: «این گونه باشید. خدا را به سبب احسان و نیکی اش به شما دوست بدارید و مرا برای دوستی خدا، دوست بدارید».

3. الإمام الصادق عليه السلام: الحُبُّ أَفْضَلُ مِنَ الْخَوْفِ. (1)

4. عنه عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دَاوُدُ، بِي فَافْرَحْ، وَبِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ، وَبِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَّمْ، فَعَن قَرِيبٍ اِخْلَى الدَّارَ مِنَ الْفَاسِقِينَ، وَأَجْعَلْ لِعَنَّتِي عَلَى الظَّالِمِينَ. (2)

5. عنه عليه السلام -في دعائه-: إلهي فَتَدَارِكْنِي بِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا تَجْمَعُ الْخَيْرَاتِ لِأَوْلِيَائِكَ، وَبِهَا تَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ عَن أَجْبَائِكَ. (3)

6. عنه عليه السلام: لَا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ (4) مِنْ نَفْسِهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَ (5) مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ. (6)

2/1- التَّامُونَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ

7. رسول الله صلى الله عليه وآله -في دعائه-: اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ خَشْيَتَكَ أَخَوْفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي، وَاقْطَعْ عَنِّي حَاجَاتِ الدُّنْيَا

ص: 46

1- (1). الكافي: 98/129/8 [1] عن حفص بن غياث، تحف العقول: 357، بحار الأنوار: 95/226/78 و ص 109/270. [2]

2- (2). الأمالي للصدوق: 280/263، [3] قصص الأنبياء: 254/199 [4] كلاهما عن يونس بن ظبيان وليس فيه «وأجعل لعنتي...»، روضة الواعظين: 505، [5] بحار الأنوار: 3/34/14. [6]

3- (3). مهج الدعوات: 263، [7] بحار الأنوار: 3/381/94. [8]

4- (4). في المصدر: «أحبَّ الله»، والصحيح ما أثبتناه من بحار الأنوار.

5- (5). سقطت الواو من المصدر وأضفناها من بحار الأنوار.

6- (6). فلاح السائل: 101 [9] عن الحسين بن سيف، بحار الأنوار: 25/24/70. [10]

3. امام صادق علیه السلام: دوستی [خدا] برتر از ترس [از خدا] است.

4. امام صادق علیه السلام: خداوند-عزّ وجلّ- به داوود علیه السلام وحی کرد:

«ای داوود! به من شادمان باش و از یادم لذّت ببر و با مناجات من متنعم شو که به زودی، خانه را از فاسقان خواهم پرداخت و لعنت خود را بر ظالمان قرار خواهم داد».

5. امام صادق علیه السلام- در دعایش-: بارالها! با رحمت خود که با آن، همه نیکی ها را برای اولیای گرد آورده ای و با آن، بدی ها را از دوستان دور ساخته ای، مرا دریاب.

6. امام صادق علیه السلام: ایمان کسی برای خدا خالص نمی شود، تا آن که خداوند، نزدش از خودش، پدرش، مادرش، فرزندانش، خانواده اش و هر آنچه از مردم دارد، محبوب تر باشد.

### 2/1- کاملان در خدا دوستی

7. رسول خدا صلی الله علیه و آله- در دعایش-: بارالها! دوستی ات را محبوب ترین چیزها برایم قرار ده، ترس از خودت را ترس آورترین چیزها نزدم قرار ده و با شوق به دیدارت،



8. الإمام عليّ عليه السلام - في مناجاته -: إلهي، وعزّتكَ وجلالِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتِكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ حَلَاوَتُهَا فِي قَلْبِي، وَمَا تَنَعَّدُ ضَمَائِرُ مُوَحِّدِكَ عَلَى أَنْكَ تَبْغِضُ مُجِيبِكَ. (2)

9. الإمام الحسين عليه السلام - في دُعائه -: أَنْتَ الَّذِي أزلتَ الأَغْيَارَ عَن قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟! وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟! لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا. (3)

10. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعائه -: إلهي وسَيِّدِي، هَدَأَتِ العُيُونَ، وَغَارَتِ النُّجُومُ، وَسَكَنَتِ الحَرَكَاتُ مِنَ الطَّيْرِ فِي الوُكُورِ وَالحِيتَانِ فِي البُحُورِ، وَأَنْتَ العَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالقِسْطُ الَّذِي لَا تَمِيلُ، وَالدَّائِمُ الَّذِي لَا يَزُولُ، أَغْلَقْتَ المُلُوكُ أَبْوَابَهَا، وَدَارَتْ عَلَيْهَا حُرَّاسُهَا، وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَاكَ يَا سَيِّدِي، وَخَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ، وَأَنْتَ المَحْبُوبُ إِلَيَّ. (4)

11. عنه عليه السلام - أيضاً -: إلهي، لَوْ قَرَنْتَنِي بِالأَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ مِنَ بَيْنِ الأَشْهَادِ... مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ، وَلَا صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي

ص: 48

1- (1). كنز العمال: 3648/182/2 نقلاً عن حليّة الأولياء عن الهيثم بن مالك الطائفي.

2- (2). البلد الأمين: 318 [1] عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: 14/108/94. [2]

3- (3). بحار الأنوار: 3/226/98. [3]

4- (4). بحار الأنوار: 86/308/87 [4] نقلاً عن صحيفة قديمة مصحّحة عن عمير بن المتوكل عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام.

8. امام علی علیه السلام - در نیایشش - بارالها! به عزّت و جلالت سوگند، چنان تو را دوست دارم که شیرینی آن، در دلم استوار گشته است. هرگز جان های کسانی که تو را به یگانگی می پرستند، به این باور نمی رسند که تو دوستانت را دشمن می داری.

9. امام حسین علیه السلام - در دعایش - این تویی که اغیار را از دل های دوستانت زدودی تا آن که جز تو را دوست نداشتند...

آن که تو را از دست داد، چه به دست آورد؟ و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟ آن که جز تو را به عنوان عوض پذیرفت، زیان کرد.

10. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها! سرورا! چشم ها آرام گرفت، ستاره ها فرو رفت، جنبش پرندگان در آشیانه ها و ماهی ها در دریاها آرام گرفت، و تو دادگری هستی که ستم نمی کند و عادل هستی که [از حق] منحرف نمی شود و پایداری هستی که زایل نمی شود. پادشاهان، درهای خود را بسته اند و نگهبانان، بر آنها در گردش اند؛ اما در [رحمت] تو، ای سرورم! برای آن که تو را بخواند، گشوده است. هر دوستی با محبوبش خلوت کرده است و تو محبوب منی.

11. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها! اگر مرا به زنجیر کشی و عطای خود را در میان شاهدان از من بازداری،... امیدم را از

لِلْعَفْوِ عَنكَ، وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي. (1)

12. عنه عليه السلام - في زيارة أمين الله - :اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْهَةَ، وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ. (2)

13. عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِهِ -: سَدِّدْ يَدِي، أَنْتَ دَلِيلٌ مَنْ انْقَطَعَ دَلِيلُهُ، وَأَمَلٌ مَنْ امْتَنَعَ تَأْمِيلُهُ، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي حَالَتْ بَيْنَ دُعَائِي وَإِجَابَتِكَ فَلَمْ يَحُلْ كَرْمُكَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ، وَإِنَّكَ لَا تُضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ، وَلَا تُدِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ أَغْنَيْتَ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ أَشَقَيْتَ، وَعَزَّتْكَ لَقَدْ أَحْبَبْتِكَ مَحَبَّةً اسْتَفْرَّتْ فِي قَلْبِي حَلَاوَتُهَا، وَأَنْسَتْ نَفْسِي بِيَشَارَتِهَا، وَمُحَالٌ فِي عَدْلِ أَفْضِيَّتِكَ أَنْ تُسَدَّ أَسْبَابَ رَحْمَتِكَ عَن مُعْتَمِدِي مَحَبَّتِكَ. (3)

14. عنه عليه السلام - أيضاً -: إلهي، كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَحَنَانُكَ، ..

وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبْلُغُهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ. (4)

15. الإمام الصادق عليه السلام - في دُعَائِهِ -: اللَّهُمَّ هَدَاتِ الْأَصْوَاتِ، وَسَكَنَتِ الْحَرَكَاتِ، وَخَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ وَخَلَوْتُ بِكَ، أَنْتَ

ص: 50

1- (1). إقبال الأعمال: 1/167 [1] عن أبي حمزة الثمالي.

2- (2). كامل الزيارات: 93/93 [2] عن مهدي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهم السلام.

3- (3). بحار الأنوار: 22/169/94 [3] نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

4- (4). بحار الأنوار: 149/94 [4] و ص 150 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب من المناجاة الحادية عشر (مناجاة المفتقرين).

تو نخواهم بُرید و چهره امیدوار به گذشتت را از تو نخواهم گرداند و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت.

12. امام سجّاد علیه السلام - در زیارت امین الله - بارالها! دل های خاشعان، شیفته تو، و راه های راغبان به سوی تو، هموار است.

13. امام سجّاد علیه السلام - در نیایشش - سرورا! تو راهنمای کسی هستی که بی راهنما شده و امید کسی هستی که امیدش ناامید گشته است. پس اگر گناهانم میان دعایم و اجابت تو حایل شده است، گرم تو میان من و بخشش حایل نشده است. تو آن را که هدایت کرده ای، گمراه نمی سازی و آن را که با او دوستی کرده ای، خوار نمی کنی. آن که بی نیازش ساخته ای، محتاج و نیازمند نمی شود و آن که شوربخش کرده ای، نیک بخت نمی شود. سوگند به عزتت که چنان دوستت می دارم که شیرینی آن، در قلبم جایگیر شده و جانم به مژده آن، انس گرفته است. از داوری های عادلانه تو محال است که دل بستگان به محبتت را از اسباب رحمت محروم فرمایی.

14. امام سجّاد علیه السلام - در نیایشش - بارالها! شکستگی ام را جز لطف و مهر تو درمان نمی کند... آتش درونم را جز دیدارت خاموش نمی سازد و درد اشتیاقم به تو را جز نگریستن به چهره ات، بهبود نمی بخشد.

15. امام صادق علیه السلام - در دعایش - بارالها! صداها فرو نشست و جنبش ها آرام گرفت و هر دوستی، با محبوب خود خلوت

المحِبُّ إِلَيَّ، فَاجْعَلْ خَلَوَتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِتَقَ مِنَ النَّارِ. (1)

16. عنه عليه السلام -أيضاً-: سَدَّ يَدِي، أَنَا مِنْ حُبِّكَ جَائِعٌ لَا أَشْبَعُ، أَنَا مِنْ حُبِّكَ ظَمَانٌ لَا أُرْوَى، وَاشْفَاةٌ إِلَى مَنْ يَرَانِي وَلَا أَرَاهُ! يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْهِ، يَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذْبَهُ وَانْقَطَعَ إِلَيْهِ، قَدْ تَرَى وَحَدَّتِي مِنَ الْأَدْمِيِّينَ وَوَحَشْتِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَأَنْسَ وَحَشْتِي وَارْحَمْ وَحَدَّتِي وَغُرْبَتِي. (2)

17. الإمام الهادي عليه السلام -في الزيارة الجامعة-: السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ، الْمُسْتَعْرَبِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ (3). (4)

3/1-عِبَادَةُ الْمُحِبِّينَ

18. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَعْْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ

ص: 52

---

1- (1). الكافي: 33/594/2 [1] عن أبي بصير، مصباح المتهجد: 278، [2] جمال الأسبوع: 144 [3] وفيهما «يا إلهي» بدل «أنت المحبوب إلى»، بحار الأنوار: 10/303/89. [4]

2- (2). إقبال الأعمال: 1/135، [5] بحار الأنوار: 1/338/97. [6]

3- (3). في تهذيب الأحكام «حجة الله» بدل «محبة الله» وهو تصحيف والشاهد عليه مع المصادر الأخرى: الطبعة الجديدة المحققة من تهذيب الأحكام: 108/6.

4- (4). تهذيب الأحكام: 6/96/177، الفقيه: 2/610/3213 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي، عيون أخبار الرضا عليه السلام: 1/273/2 [7] عن موسى بن عمران النخعي وفيه «أمر الله ونهيه»، بحار الأنوار: 4/128/102. [8]

کرد. من نیز با تو خلوت کرده ام. تو محبوب منی. پس (تحفة) خلوت امشب مرا با خود، [سبب] رهایی از دوزخ قرار ده.

16. امام صادق علیه السلام - در دعایش - سرورم! من گرسنه دوستی توام و سیر نمی شوم. من تشنه دوستی توام و سیراب نمی شوم.

آه، چه اشتیاقی دارم به آن که مرا می بیند و من او را نمی بینم! ای محبوب آن که او را دوست بدارد! ای روشنی چشم آن که به او پناه ببرد و یکسره به او بپیوندد! تو تنهایی و بی کسی مرا در میان آدمیزادگان می بینی. پس بر محمد و آل محمد، درود بفرست و مرا بیامرز و وحشتم را به انس بدل کن، و به تنهایی و غربتم، رحم نما.

17. امام هادی علیه السلام - در زیارت جامعه برای همه امامان علیهم السلام -:

سلام بر دعوتگران به سوی خدا و راهنمایان به سوی خشنودی خدا! آنان که به فرمان خدا پایدارند و در دوستی خدا، به کمال رسیده اند.

### 3/1- پرستی دوستداران

18. امام صادق علیه السلام: مردم، خداوند - عزّ وجلّ - را سه گونه

ص: 53

أَوْجِهَ: فَطَبَّعَهُ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةَ الْحَرِصَاءِ وَهُوَ الطَّمَعُ، وَآخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ فَرَقًا مِنَ النَّارِ فِتْلِكَ عِبَادَةَ الْعَمِيدِ وَهِيَ الرَّهْبَةُ، وَلَكِنِّي  
أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّوَجَلَّ فِتْلِكَ عِبَادَةَ الْكِرَامِ وَهُوَ الْأَمْنُ؛ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمِنِذِ آمِنُونَ» 1

، وَلِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» 2

، فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كَانَ مِنَ الْآمِنِينَ. (1)

19. رسول الله صلى الله عليه وآله: بكى شُعَيْبٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حُبِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، ثُمَّ بَكَى حَتَّى  
عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، ثُمَّ بَكَى حَتَّى عَمِيَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، فَلَمَّا كَانَتْ الرَّابِعَةَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا شُعَيْبُ، إِلَى مَتَى يَكُونُ هَذَا أَبَدًا مِنْكَ؟!  
إِنْ يَكُنْ هَذَا خَوْفًا مِنَ النَّارِ فَقَدْ أُجْرَتِكَ، وَإِنْ يَكُنْ شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ فَقَدْ أَبْحَثِكَ.

قال: إلهي وسَيِّدِي، أَنْتَ تَعَلَّمْتُ أَنِّي مَا بَكَيتُ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ، وَلَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ، وَلَكِنْ عَقَدْتُ حُبَّكَ عَلَى قَلْبِي، فَلَسْتُ أَصْبِرُ

ص: 54

---

1- (3). الخصال: 259/188، علل الشرايع: 8/12، [1] الأُمالي للصدوق: 65/91 [2] كلُّها عن يونس بن ظبيان، روضة الواعظين: 456،  
[3] مشكاة الأنوار: 123، [4] بحار الأنوار: 9/18/70. [5]

می پرستند: طبقه ای خدا را به امید پاداشش می پرستند که این، پرستش آزمندان است و [انگیزه] آن، آزمندی است. دیگرانی، خدا را از ترس دوزخ می پرستند که این، پرستش بندگان است و [انگیزه] آن، ترس. لیکن من، خداوند-عزّ وجلّ-را از سرِ دوستی اش می پرستم که این، پرستش بزرگواران است و اینگونه عبادت [سبب] ایمنی است؛ چون که خداوند-عزّ وجلّ- می فرماید: «آنان در آن روز، از هراس ایمن اند». و نیز به سبب این گفته خدای-عزّ وجلّ-: «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا دوستان بدانید و گناهان شما را بپامزد». پس هرکه خدا را دوست بدارد، خداوند-عزّ وجلّ-، دوستش خواهد داشت، و هرکه خداوند-عزّ وجلّ- دوستش بدارد، از آن افراد ایمن، به شمار خواهد رفت.

19. رسول خدا صلی الله علیه و آله: شعیب علیه السلام از دوستی خداوند-عزّ وجلّ-، چندان گریست که نابینا شد. پس خداوند، بینایی اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست تا آن که نابینا شد. پس خداوند، بینایی اش را به او بازگرداند. باز چندان گریست که نابینا شد.

پس خداوند، بینایی اش را به او بازگرداند. در مرتبه چهارم، خداوند به او وحی کرد: «ای شعیب! این کار را تا کی می خواهی همچنان تکرار کنی؟ اگر این کارت از ترس دوزخ باشد، آن را از تو باز دارم و اگر از اشتیاق به بهشت باشد، آن را بر تو روا ساختم».

شعیب گفت: «بارالها و سرورا! تو خود می دانی که از ترس دوزخت و یا از سرِ اشتیاق به بهشت گریه نمی کنم؛ لیکن



أَوْ أَرَاكَ. فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ: أَمَا إِذَا كَانَ هَذَا هَكَذَا فَمِنْ أَجْلِ هَذَا سَأُخِذُكَ كَلِمَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ. (1)

4/1- إني أجبتك فكن لي محباً

20. مسكن الفؤاد - في أخبار داود عليه السلام -: يا داود، أبلغ أهل أرضي أتى حبيب من أحببني، وجلس من جالسني، ومؤنس لمن أنس بذكري، وصاحب لمن صاحبتني، ومختار لمن اختارني، ومطيع لمن أطاعني.

ما أحببني أحد أعلم ذلك يقيناً من قلبه إلا قبلته لنفسي، وأحببته حباً لا يتقدمه أحد من خلقي. من طلبني بالحق وجدني، ومن طلب غيري لم يجدني. فافضوا - يا أهل الأرض - ما أنتم عليه من غرورها، وهلموا إلى كرامتي ومصاحبتني ومجالستي ومؤانستي، وأنسوا بي أو أنسكم وأسارع إلى محبتكم. (2)

21. إرشاد القلوب: إن الله تعالى أنزل في بعض كتبه: عبدي، أنا وحقى لك محب، فبحقى عليك كن لي محباً. (3)

ص: 56

1- (1). علل الشرايع: 1/57 [1] عن أنس، إرشاد القلوب: 171 [2] نحوه؛ تاريخ بغداد: 6/315، [3] كنز العمال: 11/498/32339 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن شداد بن أوس نحوه.

2- (2). مسكن الفؤاد: 27، المحجّة البيضاء: 58/8، بحار الأنوار: 28/26/70. [4]

3- (3). إرشاد القلوب: 171. [5]

دوستی تو با قلبم پیوند خورده است. از این رو، تاب صبوری ندارم تا تو را ببینم». پس خداوند -جلّ جلاله- به او وحی کرد:

«هان! حال که کارت اینچنین است، به زودی موسی بن عمران، هم سخن خود را به خدمت تو درخواهم آورد».

#### 1/4- من دوست دارم، پس دوستدارم باش

20. مسکن الفؤاد - در اخبار داوود علیه السلام آمده-: ای داوود! به اهل زمین من خبر ده که من، دوستدار کسی هستم که دوستم بدارد، و همنشین کسی هستم که با من، همنشینی کند، و مونس کسی هستم که با یاد من، انس گیرد، و همراه کسی هستم که با من، همراهی کند. برگزیننده کسی هستم که مرا برگزیند، و مطیع کسی هستم که از من، اطاعت کند.

هر که به یقین بدانم که دوستم می دارد، او را می پذیرم و چنان دوستش خواهم داشت که هیچ یک از خلقم بر او پیشی نخواهند گرفت. هر که مرا به حق بجوید، مرا خواهد یافت و هر که جز مرا بجوید، مرا نخواهد یافت. ای زمینیان! این غروری را که برآید ترک کنید و به سوی کرامت، مصاحبت، همنشینی و همدمی من بشتابید و با من انس گیرید، تا با شما انس گیرم و به دوستی شما بشتابم.

21. إرشاد القلوب: خداوند متعال در یکی از کتاب هایش چنین نازل کرده است: «بنده ام! به حقّ خودم سوگند که من تو را دوست دارم. پس به حقّ خودم بر تو، سوگندت می دهم که مرا دوست بدار».

22. رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: قالَ اللهُ عزَّ و جَلَّ لِدَاوَدَ عليه السلام: أحبِّبني وحبِّبني إلى خَلْقِي.

قالَ: يا رَبِّ، نَعَم أنا احبُّكَ، فكيفَ احبِّبكَ إلى خَلْقِكَ؟

قالَ: أذكرُ أياديَّ عندهم، فإنَّكَ إذا ذَكَرْتَ لَهُم ذلكَ احبُّوني (1).

23. الإمامُ الباقر عليه السلام: أوحى اللهُ تعالى إلى موسى عليه السلام: أحبِّبني وحبِّبني إلى خَلْقِي. قالَ موسى: يا رَبِّ، إنَّكَ لتَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ، فكيفَ لى رَبِّي بِقُلُوبِ العِبَادِ؟ فأوحى اللهُ تعالى إليه: فذَكَرْهُمْ نِعْمَتِي وآلائِي، فإنَّهُمْ لا يذكرونَ مِنِّي إلا خيراً (2).

24. فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله - فى دعائها-: يا أكرمَ الأكرمينَ، ومُنْتَهى امْنِيَّةِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، فَتَحَتْ لى بابَ الدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ، فَلَا تُعَلِّقْ عَنِّي بابَ القَبُولِ وَالْإِجَابَةِ. (3)

ص: 58

1- (1). قصص الأنبياء: 266/205. [1]

2- (2). قصص الأنبياء: 179/161. [2]

3- (3). فلاح السائل: 175. [3]

## 5/1- خدا را دوست بدارید و محبوبش کنید

22. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خدای عزوجل به داود علیه السلام فرمود: مرا دوست مدار و نزد خلقم نیز محبوب گردان.

عرض کرد: پروردگارا! من که دوستت دارم اما چگونه تو را نزد بندگان محبوب گردانم؟

فرمود: نعمت هایی را که به آنان داده ام یادآور شو، زیرا اگر خوبیهایم را یادآورشان شوی، مرا دوست خواهند داشت.

فرمود: «آیات، نعمت ها و عطای مرا به آنان یادآوری کن».

23. امام باقر علیه السلام: خدای تعالی به موسی علیه السلام وحی فرمود: مرا دوست مدار و محبوب بندگانم گردان. موسی عرض کرد:

پروردگارا! تو می دانی که احدی را بیشتر از تو دوست نمی دارم، اما پروردگارا! بادلهای بندگان چه کنم؟ خدای تعالی به او وحی

فرمود: نعمتها و نیکیهایم را به آنان یادآور شو؛ زیرا که آنان جز خوبی از من ندیده و به یاد ندارند.

## 6/1- غایت آرزوی دوستداران

24. فاطمه علیها السلام - در دعایش - ای گرامی ترین گرامیان و نهایت آرزوی خواستاران! تو سرور منی که در دعا و توبه را برای من

گشودی. پس در قبول و اجابت دعا را بر من مبند.

25. الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُناجاةِه -: إلهي... يا مُنتَهَى أَمَلِ الأَمَلِينَ، ويا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، ويا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، ويا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ... لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَصَرُّعِي وَابْتِهَالِي. (1)

26. عنه عليه السلام:

أُتَحَرِّقُنِي بِالنَّارِ يَا غَايَةَ المُنَى؟! فَأَيْنَ رَجَائِي! ثُمَّ أَيْنَ مَحَبَّتِي! (2)

7/1- أَطِيبُ شَيْءٍ فِي الجَنَّةِ

الكتاب

«وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الفُوزُ العَظِيمُ». (3)

الحديث

27. تفسير العياشي عن ثوير عن الإمام زين العابدين عليه السلام: إِذَا صَارَ أَهْلُ الجَنَّةِ فِي الجَنَّةِ، وَدَخَلَ وَلِيُّ اللَّهِ إِلَى جَنَّتِهِ وَمَسَاكِينِهِ... ثُمَّ إِنَّ الجَبَّارَ يُشْرِفُ عَلَيْهِمْ فيَقُولُ لَهُم: أَوْلِيائِي وَأَهْلَ طَاعَتِي وَسُكَّانَ جَنَّتِي فِي جِوَارِي، أَلَا هَلْ ابْتِئْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فيَقُولُونَ:

ص: 60

1- (1). بحار الأنوار: 150/94. [1]

2- (2). المناقب لابن شهر آشوب: 151/4 [2] عن طاووس الفقيه.

3- (3). التوبة: 72. [3]

25. امام سجّاد علیه السلام - در نیایشش - بارالها!... ای نهایت آرزوی آرزومندان! ای نهایت درخواستِ درخواست کنندگان! ای غایت خواستهٔ خواستاران! ای والاترین امیدِ امیدواران!... فروتنی ام برای تو و درخواستم از توست و مویه و زاری ام به سوی توست.

26. امام سجّاد علیه السلام:

ای منتهای آرزو! آیا مرا به آتش می سوزانی؟

پس امیدم چه می شود؟ پس آن گاه دوستی ام چه می شود؟

ر.ک: ص 47 (کاملان در خدا دوستی)؛ ص 213 (دیدار خدا).

### 7/1- بهترین لذت در بهشت

قرآن

«خشنودی خدا بزرگ تر [از سایر لذت های بهشت] است. این، همان رستگاری بزرگ است.»

حدیث

27. تفسیر عیاشی به نقل از ثویر به نقل از امام سجّاد علیه السلام:

چون بهشتیان به بهشت درآیند و دوست خدا به بهشت ها و مسکن های خود درآید... آن گاه، خدای جبار بر آنان می نگرد و به آنان می گوید: «ای دوستانم و اهل طاعتم و ساکنان بهشتم در جوار من، هان! شما را از چیزی باخبر کنم که از آنچه که در آنید بهتر است؟».

ص: 61

رَبَّنَا وَأَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ مِّمَّا نَحْنُ فِيهِ! [نَحْنُ] فِيمَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُنَا وَلَذَّتْ أَعْيُنُنَا مِنَ النَّعْمِ، فِي جِوَارِ الْكَرِيمِ.

قَالَ: فَيَعُودُ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ، فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا نَعْمَ، فَأَتْنَا بِخَيْرٍ مِّمَّا نَحْنُ فِيهِ. فَيَقُولُ لَهُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: رِضَايَ عَنْكُمْ وَمَحَبَّتِي لَكُمْ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ.

قَالَ: فَيَقُولُونَ: نَعْمَ يَا رَبَّنَا، رِضَاكَ عَنَّا وَمَحَبَّتُكَ لَنَا خَيْرٌ لَنَا وَأَطْيَبُ لِأَنْفُسِنَا.

ثُمَّ قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (1). 1.

ص: 62

---

1- (2). تفسير العياشي: 88/96/2 [1] عن ثوير، بحار الأنوار: 8/140/57. [2]

پس آنان می گویند: «پروردگارا! چه چیز از آنچه ما در آنیم، بهتر است، حال آن که ما در جایی هستیم که هرچه جان هایمان از نعمت ها بخواهد و چشمانتان لذت ببرد، در جوار خدای کریم، فراهم است؟».

خداوند، پرسش خود را تکرار می کند و آنان می گویند:

«آری، به ما بهتر از آنچه در آن هستیم را بنما».

پس خداوند-تبارک و تعالی- می گوید: «خشنودی ام از شما و دوستی ام نسبت به شما، بهتر و بزرگ تر از چیزی است که در آنید».

پس می گویند: «پروردگارا! آری، خشنودی ات از ما و دوستی ات نسبت به ما برای ما بهتر و شیرین تر است».

آن گاه، امام سجّاد علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«خداوند به مردان و زنان مؤمن، باغ هایی وعده داده است که از زیر آن، نهرها جاری است که در آن، جاودانه خواهند بود و سراهایی پاکیزه در بهشت هایی جاودان، و خشنودی خدا بزرگ تر است. این، همان رستگاری بزرگ است».



«وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» . (1)

28. الإمام علي عليه السلام: إذا أكرم الله عبداً شغلته بمحبتته. (2)

29. الإمام زين العابدين عليه السلام - من دُعائه في التَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ -:

ابتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعاً، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَيَعْتَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ. (3)

1- (1). الحجرات: 7. [1]

2- (2). غرر الحكم: 4080. [2]

3- (3). الصحيفة السجادية: 19 الدعاء 1. [3]

## فصل دوم: اسباب خدا دوستی

### 1/2- رحمت خدا

قرآن

«ولیکن خدا ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل هایتان بیاراست و کفر و فسق و گناه را ناخوشایندتان گرداند. کسانی که دارای این ویژگی هایند راه یافتگان اند».

حدیث

28. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را گرامی بدارد، او را به دوستی خود مشغول می سازد.

29. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش در ستایش خداوند، عزّ وجلّ -:

خلق را با قدرت خود، بی هیچ سابقه ای بیافرید و آنان را مطابق خواست خود ایجاد نمود. سپس آنان را در راه اراده اش پیش برد و در راه دوستی اش برانگیخت.

ص: 65

30. الإمام عليّ عليه السلام -في صِفَةِ الْمَلَائِكَةِ-: ثُمَّ خَلَقَ سَبْحَانَهُ لِإِسْكَانِ سَمَاوَاتِهِ وَعِمَارَةِ الصَّفِيحِ الْأَعْلَى مِنْ مَلَكُوتِهِ خَلْقًا بَدِيعًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ... قَدْ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ، وَوَصَلَتْ حَقَائِقُ الْإِيمَانِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ، وَقَطَعَهُمُ الْإِيقَانُ بِهِ إِلَى الْوَلَهِ إِلَيْهِ، وَلَمْ تُجَاوِزِ رَغْبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ، قَدْ ذَاقُوا حَلَاوَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَشَرَبُوا بِالْكَأْسِ الرَّوِيَّةِ مِنْ مَحَبَّتِهِ. (1)

31. عنه عليه السلام: الشُّوقُ شِيْمَةُ الْمُوقِنِينَ. (2)

32. عنه عليه السلام -في دُعَائِهِ-: يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ. (3)

33. الإمام زين العابدين عليه السلام -في مُنَاجَاتِهِ-: يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطَوْلِ مُنَاجَاتِهِ، وَأَلْبَسَ الْخَائِفِينَ ثَوْبَ مُوَالَاتِهِ. (4)

34. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا مَدَّوْا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَّعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

ص: 66

1- (1). نهج البلاغة: الخطبة 91، [1] بحار الأنوار: 90/109/57 وج 17/320/77. [2]

2- (2). غرر الحكم: 663. [3]

3- (3). مصباح المتهجد: 847، [4] إقبال الأعمال: 335/3 [5] كلاهما عن كميل بن زياد النخعي، البلد الأمين: 190. [6]

4- (4). الصحيفة السجادية (الجامعة): 199/441.

30. امام علی علیه السلام -در وصف ملائکه-: آن گاه خداوند سبحان، برای جای دادن در آسمان هایش و آباد کردن برترین آسمان، از ملکوت اعلا، آفریدگانی نوپدید از ملائکه اش بیافرید...

اشتغال به عبادتش، آنان را از هر چیز دیگر بازداشته است و حقایق ایمان، آنان را به معرفت پروردگارشان پیوند داده است و یقین به او، آنان را از دیگران بریده و شیفته او ساخته است و خواسته هایشان از آنچه نزد اوست، به آنچه نزد دیگری است، در نمی گذرد. آنان، شیرینی معرفتش را چشیده و از جام لبریز محبتش نوشیده اند.

31. امام علی علیه السلام: شوق، خوی صاحبان یقین است.

32. امام علی علیه السلام -در دعایش-: ای غایت آرزوی عارفان! ای فریادرس کمک خواهان و ای محبوب دل های صادقان!

33. امام سجّاد علیه السلام -در نیایشش-: ای آن که عارفان را با رازگویی طولانی اش، مأنوس ساخت و بر خائفان، لباس دوستی خود پوشاند!

34. امام صادق علیه السلام: اگر مردم از فضیلت شناخت خداوند -عزّ وجلّ- باخبر می شدند، به نعمت ها و خوشی های زندگی دنیوی که خداوند، دشمنان را از آن برخوردار ساخته است،

وَنَعِيمِهَا، وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقَلَّ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطَّوُّونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ، وَلَنَعَمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَتَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّدًا مَن لَّمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ آتِسٌ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ، وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ. (1)

3/2-ذِكْرُ اللَّهِ

35. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ: بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ.

(2)

36. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِي: يَا مُحَمَّدُ، لَوْ أَنَّ الْخَلَائِقَ نَظَرُوا إِلَى عَجَائِبِ صُنْعِي مَا عَبَدُوا غَيْرِي، وَلَوْ أَنَّهُمْ وَجَدُوا حَلَاوَةَ ذِكْرِي فِي قُلُوبِهِمْ لَزَمُوا بَابِي، وَلَوْ أَنَّهُمْ نَظَرُوا إِلَى لَطَائِفِ بَرِّي مَا اسْتَعَلُّوا بِشَيْءٍ سِوَايَ. (3)

ص: 68

1- (1). الكافي: 347/247/8 [1] عن جميل بن درّاج.

2- (2). الكافي: 3/500/2 [2] عن داود بن سرحان، الزهد للحسين بن سعيد: 148/55 [3] وفيه صدره عن عبدالرحمن بن الحجاج وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 39/160/93؛ [4] كنز العمال: 1828/425/1 نقلاً عن سنن الدارقطني عن عائشة.

3- (3). مصابيح القلوب: 559.

چشم نمی دوختند و دنیایشان از آنچه با گام هایشان بر آن پای می نهند نیز کمتر می شد و با نعمت معرفت خدا عزّ و جلّ متنعّم می شدند و از آن، لذّت می بردند؛ لذّت بردن کسی که همواره در باغ های بهشت، در کنار اولیای خداست!

در حقیقت شناخت خدا، مونسی در برابر هر بی کسی، همدمی در برابر هر تنهایی، نوری در برابر هر تاریکی، نیرویی در برابر هر ناتوانی، و درمان برای هر بیماری است!

## 3/2- یاد خدا

35. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هر که بسیار یاد خداوند-عزّ و جلّ- کند، خداوند، دوستش خواهد داشت، و هر که بسیار یاد خدا کند، برایش دو برات نامه نوشته خواهد شد: براتی از دوزخ و براتی از نفاق.

36. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-عزّ و جلّ- می فرماید: «ای محمّد! اگر آفریدگان به ساخته های شگفت من می نگرستند، جز مرا نمی پرستیدند و اگر شیرینی یاد مرا در دل هایشان می چشیدند، ملازم درگاه من می شدند و اگر به ظرائف نیکی های من می نگرستند، به چیزی جز من نمی پرداختند».

ص: 69

37. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْأَشْتِغَالَ بِي جَعَلْتُ بُعِيَّتَهُ وَلَدَّتَّهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ بُعِيَّتَهُ وَلَدَّتَّهُ فِي ذِكْرِي عَشِدَّ قَنِي وَعَشِدَّ قَمْتُهُ، فَإِذَا عَشِدَّ قَنِي وَعَشِدَّ قَمْتُهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَصَدَّيْتُ ذَلِكَ تَغَالِبًا عَلَيْهِ، لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ، أَوْلَيْكَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ، أَوْلَيْكَ الْأَبْطَالُ حَقًّا. (1)

38. الإمام عليّ عليه السلام: الذِّكْرُ مِفْتَاحُ الْأَنْسِ. (2)

39. عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللَّهِ قُوَّةُ النَّفْسِ وَمُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ. (3)

40. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَهِّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (4)

4/2-التَّقْوَى

41. الإمام الباقر عليه السلام - لِجَابِرٍ -: إَعْلَمْ يَا جَابِرُ، أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مَوْوَنَةً، وَأَكْثَرُهُمْ لَكَ مَعُونَةً، تَذُكُرُ فَيُعِينُونَكَ، وَإِنْ

ص: 70

1- (1). كنز العمال: 1872/433/1 نقلاً عن حلية الأولياء.

2- (2). غرر الحكم: 541.

3- (3). غرر الحكم: 5166. [1]

4- (4). الصحيفة السجّادية: 87 الدعاء 20. [2]

37. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند -عزّ و جلّ- می فرماید: «هرگاه اشتغال به من بر بنده ام چیره گردد، خواسته و لذّتش را در یاد خود قرار خواهم داد. پس چون خواسته و لذّتش را در یاد خود قرار دادم، عاشق من می شود و من عاشق او می شوم. پس چون عاشق من شد و من عاشق او شدم، پردهٔ میان خود و او را برخواهم داشت و این حالت را بر او مسلّط خواهم کرد، تا آن که چون مردم غافل شدند، او غافل نشود» این کسان، سخنان سخن پیامبران است. آنان، قهرمانان حقیقی هستند».

38. امام علی علیه السلام: یاد خدا، کلید انس گرفتن است.

39. امام علی علیه السلام: یاد خدا، قوت جان ها و همنشینی با محبوب است.

40. امام سجّاد علیه السلام -در دعایش-: بارالها! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و به هنگام غفلت، مرا به یاد خود هشیار ساز. به روزگار مهلت، مرا در راه طاعت خود به کار گیر و راه آسانی به سوی دوستی ات برایم بگشا که با آن، خیر دنیا و آخرت را بر من کامل گردانی.

ر.ک: ص 195 (انس با خدا)؛ ص 213 (دیدار خدا).

## 2/4- تقوا

41. امام باقر علیه السلام -خطاب به جابر-: ای جابر! بدان که باتقویان، برای کم هزینه ترین مردم دنیا و بیشترین یاری رسان هستند.

ص: 71



نَسِيَتْ ذَكَرُوكَ، قَوَّالُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ، قَوَّامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ، وَوَحَشُوا الدُّنْيَا لِبَطَاعَةِ مَلِيكِهِمْ، وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ  
وَالِى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ، وَعَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِعَظِيمِ شَأْنِهِ. (1)

5/2-العزم

42. الإمام الصادق عليه السلام - فى دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَى الْمَنْصُورِ:-

اللَّهُمَّ... أَعْلَمُ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ الْإِرَادَةِ، وَخُضُوعُ الْإِسْتِغَاثَةِ، وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ وَخُضُوعِ الْإِسْتِكَانَةِ قَلْبِي. (2)

43. الإمام الكاظم عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا حَمَلَ إِلَى بَغْدَادِ:-

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ الزَّادِ لِلرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ يَخْتَارُكَ بِهَا وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي. (3)

6/2-الطَّلَب

44. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَبِرَكَّةِ الْمَوْتِ

ص: 72

1- (1). الكافي: 16/133/2 [1] عن جابر، بحار الأنوار: 17/36/73. [2]

2- (2). بحار الأنوار: 2/310/94. [3]

3- (3). اقبال الأعمال: 276/3، [4] مصباح المتهجد: 814، [5] مصباح الزائر: 187. [6]

[خدا را] یاد می کنی و آنان، یاری ات می کنند و اگر فراموش کنی، به یادت می آورند؛ فرمان خدا را همواره بر زبان می آورند و پایبند و اجرا کننده فرمان خدا هستند؛ محبت خود [به غیر خدا] را برای دوستی پروردگارشان بریده اند و از دنیا برای پیروی از فرمانروایشان، روی گردانده اند و با دل های خود، به خداوند-عزّوجلّ- و دوستی اش نگریسته اند و دانسته اند که همو به سبب جایگاه بزرگش شایسته نگریستن است.

## 5/2-عزم

42. امام صادق علیه السلام - در دعایش هنگام رفتن نزد منصور، خلیفه عباسی - : بارالها! ... می دانم برترین توشه رهرو به سوی تو، اراده استوار و فروتنی یاری خواهانه است و اینک، قلبم با اراده ای استوار و فروتنی متواضعانه با تو رازگویی می کند.

43. امام کاظم علیه السلام - در دعایش زمانی که او را به سوی بغداد می بردند - : می دانم که برترین توشه رهرو به سوی تو، اراده استواری است که با آن تو را برمی گزیند و اینک، قلبم با اراده ای استوار با تو رازگویی می کند.

## 6/2-نیایش

44. رسول خدا صلی الله علیه و آله: بارالها! من از تو خشنودی به قضایت، برکت

بَعْدَ الْعَيْشِ، وَبَرَدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَلَذَّةَ الْمَنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَشَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْكَ وَلِقَائِكَ، مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ. (1)

45. عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ خَشْيَتَكَ أَخْوَفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي، وَقَاطِعَ عَنِّي حَاجَاتِ الدُّنْيَا بِالشَّوْقِ إِلَى لِقَائِكَ، وَإِذَا أَقْرَبْتَ أَعْيُنَ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ دُنْيَاهُمْ فَأَقْرِ عَيْنِي مِنْ عِبَادَتِكَ. (2)

46. عنه صلى الله عليه وآله: كَانَ مِنْ دُعَاءِ دَاوُدَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَالْعَمَلَ الَّذِي يُبَلِّغُنِي حُبَّكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمِنْ الْمَاءِ الْبَارِدِ. (3)

47. عنه صلى الله عليه وآله - في دُعَائِهِ -: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ، آمِنِينَ بِوَعْدِكَ، آسِينَ مِنْ خَلْقِكَ، آسِينَ بِكَ، مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ، رَاضِينَ بِقَضَائِكَ، صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ، شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ، مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ، فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ، مُنَاجِينَ إِيَّاكَ أَنَاءَ اللَّيْلِ

ص: 74

---

1- (1) .الكافي: 6/548/2، [1] الفقيه: 1/328/960 نحوه وكلاهما عن محمد بن الفرج عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: 2/2/86؛ [2] سنن النسائي: 3/55 عن عمارة بن ياسر، مسند ابن حنبل: 8/156/21724 [3] عن زيد بن ثابت نحوه، كنز العمال: 2/174/3611.

2- (2) .كنز العمال: 2/3648/182/2 نقلًا عن حلية الأولياء عن الهيثم بن مالك الطائي؛ وراجع مصباح الزائر: 529، [4] بحار الأنوار: 2/287/101. [5]

3- (3) .سنن الترمذي: 5/522/3490، المستدرک علی الصحیحین: 2/470/3621، حلية الأولياء: 1/226 [6] كلها عن أبي الدرداء، كنز العمال: 2/195/3718.

مرگ پس از زندگی، خوشی زندگی پس از مرگ، لذت نگرستن به رخسارت، شوق دیدار و دیدنت بی تنگنایی زیانبار و یا فتنه ای گمراه کننده را خواستارم.

45. رسول خدا صلی الله علیه و آله: بارالها! دوستی ات را محبوب ترین چیزها نزدم گردان. ترس از خودت را ترسبارترین چیزها برایم قرار ده و با شوق دیدارت، نیازهای دنیا را از من بپر و هر گاه چشم روشنی اهل دنیا را از دنیایشان قرار دادی، چشمم را با عبادتت روشن کن.

46. رسول خدا صلی الله علیه و آله: داوود در دعاهای خود می گفت: «بارالها! من دوستی تو و دوستی آن که دوستت دارد و کرداری که مرا به دوستی ات می رساند، از تو درخواست می کنم. بارالها! دوستی ات را نزدم محبوب تر از خودم، خانواده ام و آب خنک قرار ده».

47. رسول خدا صلی الله علیه و آله - در دعایش - بارالها! ما را به فرمانت مشغول، به وعده ات مطمئن، از آفریده ات نومید، به خود مأنوس، از غیر از خود ترسان، به قضایات خشنود، در بلایت شکیبیا، بر نعمتت سپاسگزار، به یادت کامروا، به کتابت شادمان، با خودت در شبانه روز رازگو، برای مرگ، آماده،

وأطراف النَّهارِ، مُسْتَعِدِّينَ لِلْمَوْتِ، مُشْتاقِينَ إِلَى لِقَائِكَ. (1)

48. فاطمة عليها السلام -أيضاً-: اللَّهُمَّ... أَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ، وَالشُّوقَ إِلَى لِقَائِكَ. (2)

49. الإمام زين العابدين عليه السلام -أيضاً-: اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَن مَحَبَّتِكَ؛ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَلِحَظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي. (3)

50. عنه عليه السلام -في مُنَاجَاتِهِ-: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ جَدَّوْا فِي قَصْدِكَ فَلَمْ يَنْكَلُوا، وَسَلَكُوا الطَّرِيقَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَعْذِلُوا، وَاعْتَمَدُوا عَلَيْكَ فِي الْوُصُولِ حَتَّى وَصَلُوا، فَرَوَيْتَ قُلُوبَهُمْ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْسَتَ نَفْسَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ. (4)

51. عنه عليه السلام -في دُعَائِهِ-: اللَّهُمَّ... وَاعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ. (5)

52. عنه عليه السلام -أيضاً-: اللَّهُمَّ... لَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَن عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَن سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ. (6)

ص: 76

1- (1). جامع الأخبار: 1013/364، [1] بحار الأنوار: 16/360/95. [2]

2- (2). بحار الأنوار: 1/225/94 [3] نقلاً عن اختيار ابن الباقي.

3- (3). الصحيفة السجادية: 126 الدعاء 31. [4]

4- (4). بحار الأنوار: 22/156/94 [5] نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.

5- (5). الصحيفة السجادية: 47 الدعاء 9. [6]

6- (6). الصحيفة السجادية: 84 الدعاء 20. [7]

48. فاطمه علیها السلام - در دعایش - بارالها! نگریستن به رخسارت و شوق دیدارت را از تو درخواست می کنم.

49. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها! من از هرچه با اراده تو مخالفت دارد و یا از محبّت تو به دور است، به سویت توبه می کنم؛ از آنچه در دلم می گذرد، نگاه های چشمم و گفته های زبانم.

50. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها! مرا از کسانی قرار ده که برای دیدنت جدّیت به خرج دادند و باز نماندند و راه به سوی تو را پیمودند و از آن، منحرف نشدند و برای رسیدن، به تو اعتماد کردند، تا آن که رسیدند. پس دل هایشان را از محبّت خود سیراب ساختی و جان هایشان را به معرفت خویش، مأنوس کردی.

51. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها!... دیده دل هایمان را از آنچه مخالف دوستی توست، کور گردان.

52. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها!... مرا به کسالت در عبادت، کوری از راحت و بیرون شدن از طریق محبّت، مبتلا مکن.

53. عنه عليه السلام -مُنَاجَاتِهِ-:إِلَهِي،فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ،وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ،فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ،وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ،وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَأْسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ،وَشَرَائِعِ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ. (1)

54. الإمام الصادق عليه السلام -كَانَ يَقُولُ-:اللَّهُمَّ اَمَلًا قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصَدِيقًا وَإِيمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (2)

55. عنه عليه السلام: تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي دُبْرِ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ، تَقُولُ بَعْدَ التَّسْبِيحِ:اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ وَطَوَاعِيَّتِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أُنْعَدِّي حُدُودَكَ،وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. (3)

ص:78

1- (1). بحار الأنوار: 150/94 [1] نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.

2- (2). الكافي: 24/586/2 [2] عن ابن أبي يعفور، مصباح المتهجد: 601، [3] إقبال الأعمال: 173/1 [4] كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: 57/249/87.

3- (3). تهذيب الأحكام: 475/143/5 عن معاوية بن عمّار.

53. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق به تو در بوستان سینه هایشان آراسته شد و آتش محبّت، دل هایشان را بی قرار ساخت. پس آنان در آشیانه های اندیشه ها جای گرفته اند و در باغ های قرب و مکاشفه می خرامند و از حوض های محبّت، با جام های ملاطفت می نوشند و به سرچشمه های صفا و یکرنگی وارد می شوند.

54- امام صادق علیه السلام: بارالها! قلبم را از محبّت نسبت به خودت، ترس از خودت، تصدیق و ایمان به خودت، هراس از خودت و شوق به خودت، لبریز ساز، ای صاحب جلال و کرامت!

55. امام صادق علیه السلام: پس از تشهد و پایان دادن دو رکعت نماز طواف واجب، این دعا را بخوان: «بارالها! به سبب فرمانبری ام از تو و فرمانبری ام از پیامبرت به من رحم کن.

بارالها! مرا از تجاوز به حدودت بازدار و مرا از کسانی قرار ده که دوستت دارند و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان صالحت را نیز دوست دارند.

ر.ک: ص 15 (درآمد/شاهراه تکامل).

ص: 79



«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» . (1)

56.رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ. (2)

57.الإمام عليّ عليه السلام: توبوا إلى الله عزَّ وجلَّ، وادخلوا في محبته؛ فإنَّ الله يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَالْمُؤْمِنُ تَوَّابٌ. (3)

58.الكافي عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا

---

1- (1). البقرة:222. [1]

2- (2). كنز العمال:10185/209/4 نقلاً عن أبي الشيخ عن أنس.

3- (3). الخصال:10/623 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول:113 وفيه «منيب و

تَوَّابٌ» بدل «تَوَّابٍ»، بحار الأنوار:14/21/6. [2]

قرآن

«خداوند، توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد».

حدیث

56. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، جوان توبه کار را دوست دارد.

57. امام علی علیه السلام: به سوی خداوند-عزّ وجلّ- توبه کنید و به دوستی اش درآیید؛ که خداوند، توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد، و مؤمن توبه کار است.

58. الکافی به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا خالصانه توبه کنید»، پرسیدم؟

ص: 81

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» 1

قَالَ: هُوَ الذَّنْبُ الَّذِي لَا يَعُودُ فِيهِ أَبَدًا.

قُلْتُ: وَأَيْنَا لَمْ يَعُدْ؟!!

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُفْتَنِّ التَّوَابَ. (1)

59. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ -: قَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَتُحِبُّ التَّوَّابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ، وَاعْفُ عَن سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ، وَأَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ. (2)

60. عنه عليه السلام - أيضاً -: أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نِدَامَتِي عَلَيَّ مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ وَعَزَمِي عَلَيَّ تَرَكَ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ. (3)

61. عنه عليه السلام - أيضاً -: اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ... وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ، وَقَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ. (4)

ص: 82

---

1- (2). الكافي: 4/432/2 وح 3 [1] عن محمد بن الفضيل عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه، الزهد للحسين بن سعيد: 191/72، [2] الأصول الستة عشر: 37 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: 69/39/6، [3] جامع الأحاديث للقمي: 198، وراجع: ص 132 (أحب الناس إلى الله).

2- (3). الصحيفة السجادية: 125 الدعاء 31 وص 147 الدعاء 38. [4]

3- (4). الصحيفة السجادية: 125 الدعاء 31 وص 147 الدعاء 38. [5]

4- (5). الصحيفة السجادية: 179 الدعاء 45، [6] مصباح المتهجد: 647، [7] إقبال الأعمال: 429/1 [8] وفيه «غم» بدل «عقاب»، بحار الأنوار: 1/176/98. [9]

فرمود: «مقصود، گناهی است که پس از توبه، دیگر هرگز به آن باز نگردند».

گفتم: «کدام یک از ما [چنین است و] دیگر به گناه باز نمی‌گردد؟».

فرمود: «ای ابومحمّد! خداوند از میان بندگانش، بنده‌آزموده شده [به گناه] بسیار توبه‌کار را دوست دارد».

59. امام سجّاد علیه السلام - در دعا-: بارالها! در کتاب استوارت فرمودی که از بندگانت توبه را می‌پذیری و از گناهان درمی‌گذری و توبه‌کاران را دوست می‌داری. پس همان‌گونه که وعده داده‌ای، توبه‌ام را بپذیر و همان‌گونه که تضمین کرده‌ای، از گناهانم درگذر و همان‌گونه که شرط کرده‌ای، دوستی‌ات را بر من مقرر دار.

60. امام سجّاد علیه السلام - در دعا-: بارالها! از تو پوزش می‌خواهم...

پس بر محمّد و آل محمّد، درود بفرست و پشیمانی‌ام را از لغزش‌هایی که دچار آن شدم و عزمم را بر وا گذاشتن گناهانی که با آنها رویاروی می‌شوم، توبه‌ای قرار ده که محبتت را برایم در پی بیاورد، ای دوستدار توبه‌کاران!

61. امام سجّاد علیه السلام - در دعا-: بارالها! ترس از کیفر موعود را روزی ما گردان... و ما را نزد خود، از توبه‌کارانی قرار ده که محبتت را بر آنان مقرر داشتی و بازگشتشان را به فرمانبری‌ات پذیرفتی، ای عادل‌ترین عادلان!

62. الإمام الصادق عليه السلام: إذا تاب العبدُ توبةً نصوحاً أحبَّه اللهُ، فسُتِرَ عليه في الدنيا والآخرة. (1)

2/3-طاعةُ اللهِ

الكتاب

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ». (2)

الحديث

63. رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ، وَأَتْقَاهُمْ. (3)

64. الإمام عليّ عليه السلام: إن تَنَزَّهُوا عَنِ الْمَعَاصِي يُحِبِّكُمْ اللَّهُ. (4)

65. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ. (5)

66. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ عَصَاهُ. ثُمَّ

ص: 84

---

1- (1). الكافي: 1/430/2، [1] ثواب الأعمال: 1/205 كلاهما عن معاوية بن وهب، مشكاة الأنوار: 111 [2] عن الإمام الباقر عليه السلام

نحوه، بحار الأنوار: 31/28/6. [3]

2- (2). آل عمران: 32. [4]

3- (3). الكافي: 1/340/5 [5] عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: 89/118/22. [6]

4- (4). غرر الحكم: 3759. [7]

5- (5). الكافي: 5/82/2 [8] عن محمد الحلبي، مشكاة الأنوار: 112، بحار الأنوار: 5/196/71. [9]

62. امام صادق علیه السلام: هرگاه بنده خالصانه توبه کند، خداوند او را دوست بدارد و گناهانش را در دنیا و آخرت بر او ببوشاند.

### 2/3- فرمانبری از خدا

قرآن

«بگو: از خدا و پیامبرش فرمان ببرید. پس اگر پشت کردند، خداوند کافران را دوست ندارد.».

حدیث

63. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، فرمانبرترین آنها نسبت به او و پرهیزگارترین آنان است.

64. امام علی علیه السلام: اگر خود را از معصیت ها پاک کنید، خداوند، دوستتان خواهد داشت.

65. امام صادق علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی- می فرماید: بنده ام با انجام چیزی مانند آنچه بر او واجب کرده ام، به من دوستی نمی ورزد.

66. امالی صدوق به نقل از محمد بن ابی عمیر: کسی که خود از امام صادق علیه السلام شنیده بود برایم نقل کرد که ایشان می فرمود:

«خداوند کسی را که نافرمانی اش کند، دوست نمی دارد.».

آن گاه حضرت این شعر را بر خواند:

ص: 85

تَمَثَّلَ فَقَالَ:

تَعَصَى الْإِلَٰهَ وَأَنْتَ تُظَهِّرُ حَبِيْبَهُ

3/3-إِتِّبَاعُ أَهْلِ الْبَيْتِ

الكتاب

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (1)

الحديث

67.الإمام على عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ، وَالْمُقْتَصِّ لِأَثَرِهِ. (2)

68.الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَلِيَتَّبِعْنَا؛ أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»؟! وَاللَّهُ

ص:86

1- (2). آل عمران:31، [1]راجع: أهل البيت في الكتاب والسنة:ص411 ( [2]حبّ أهل البيت عليهم السلام/علائم حبّهم).

2- (3). نهج البلاغة:الخطبة 160، [3]غرر الحكم:3055، [4]بحار الأنوار:16/285/136. [5]

«نافرمانی خدا را می‌کنی و باز اظهار دوستی او را می‌نمایی؟!»

این محال و از کارهای شگفت است.

اگر دوستی ات راستین بود، از او فرمان می‌بردی

زیرا که دوستدار، فرمانبر کسی است که دوستش می‌دارد».

### 3/3- پیروی از اهل بیت

قرآن

«بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد که خداوند، آمرزنده و مهربان است».

حدیث

67. امام علی علیه السلام: محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، اقتداکننده به پیامبرش و پی‌سپارِ راه اوست.

68. امام صادق علیه السلام: کسی که از دانستن این که خداوند دوستش می‌دارد، شادمان می‌شود، پس به فرمانبری از خدا بپردازد و از ما پیروی کند. آیا سخن خداوند -عزّ و جلّ- را به پیامبرش صلی الله علیه و آله نشنیده است: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد»؟ به خدا سوگند، هیچ بنده‌ای از خدا فرمانبری نمی‌کند، مگر آن که

ص: 87



لا- يُطِيعُ اللَّهَ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا ادْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا، وَلَا وَاللَّهِ لَا يَتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ. وَلَا وَاللَّهِ لَا يَدْعُ أَحَدٌ اتِّبَاعَنَا أَبَدًا إِلَّا أَبْغَضَنَا، وَلَا وَاللَّهِ لَا يُبْغِضُنَا أَحَدٌ أَبَدًا إِلَّا عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ مَاتَ عَاصِيًا لِلَّهِ أَخْزَاهُ اللَّهُ وَأَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (1)

69. بحار الأنوار عن الفضيل: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ؟

فَقَالَ: أَفْضَلُ مَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِهِ، وَحُبَّ اللَّهِ وَحُبَّ رَسُولِهِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ. (2)

4/3-مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

أ-حُسْنُ الْخُلُقِ

70. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الْمُوَطَّؤُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ. (3)

71. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ

ص: 88

1- (1). الكافي: 1/14/8 [1] عن إسماعيل بن مخلد السراج، بحار الأنوار: 93/224/78. [2]

2- (2). بحار الأنوار: 13/91/27. [3]

3- (3). تاريخ بغداد: 382/1 [4] عن أنس، صحيح ابن حبان: 482/232/2 عن أبي ثعلبة وليس فيه ذيله من «الموطؤون»، كنز العمال: 5198/13/3؛ عوالي اللآلي: 21/100/1 [5] عن أبي هريرة.

خداوند، پیروی از ما را نیز جزو طاعتش قرار می دهد. به خدا سوگند، هیچ بنده ای از ما پیروی نمی کند، مگر آن که خداوند دوستش خواهد داشت. به خدا سوگند، هیچ بنده ای پیروی از ما را فرو نمی گذارد، مگر آن که با ما دشمنی کرده باشد. به خدا سوگند، هیچ کس با ما دشمنی نمی کند، مگر آن که از خدا نافرمانی کرده باشد، و هر که در حال نافرمانی خدا بمیرد، خداوند خوارش می کند و او را به رو در آتش می اندازد.

ستایش، ویژه پروردگار عالمیان است.

69. بحار الانوار به نقل از فضیل: به امام کاظم علیه السلام گفتم: «از میان فریضه هایی که خداوند واجب ساخته است، کدام یک بیشتر مایه تقرب بندگان به خداوند است؟».

فرمود: «برترین چیزی که بندگان با آن به خداوند تقرب می جویند، فرمانبری از خدا و پیامبرش و دوستی خدا و پیامبرش و اولوالأمر [ ائمه اطهار علیهم السلام ] است».

### 4/3- خوهای والا

#### الف- خوش خویی

70. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین شما نزد خداوند، خوش خوترین های شما هستند؛ آنان که فروتنی می کنند و با دیگران الفت می گیرند و دیگران با آنان، الفت می گیرند.

71. امام صادق علیه السلام: خوهای والا را به دست آورید که خداوند

يُحِبُّهَا، وَإِيَّاكُمْ وَمَذَامَ الْأَفْعَالِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُهَا. (1)

ب- معالي الأمور

72. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا، وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا. (2)

73. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكِرَامَ، وَيُحِبُّ مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا (3). (4)

ج- الرغبة فيما عند الله

74. الإمام عليّ عليه السلام: تَحَبَّبَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا لَدَيْهِ. (5)

75. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي شَيْئاً إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ، وَأَحَبَّنِي أَهْلُ الْأَرْضِ.

قَالَ: ارْغَبْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ يُحِبِّكَ اللَّهُ، وَازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبِّكَ النَّاسُ. (6)

ص: 90

- 
- 1- (1). الأمامي للصدوق: 586/441 عن المفصل بن عمر، روضة الواعظين: 413 وفيه إلى «يحبها»، بحار الأنوار: 4/197/92. [1]
- 2- (2). المعجم الكبير: 2894/131/3 عن فاطمة عن أبيها الإمام الحسين عليه السلام، مسند الشهاب: 1076/150/2 عن فاطمة بنت الحسين عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، النوادر للراوندي: 7 [2] عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: 5/137/75. [3]
- 3- (3). سفسافها: السفساف: الأمر الحقيق والرديء من كل شيء. وهو ضد المعالي والمكارم (4) [النهاية: 373/2]. [5]
- 4- (4). المستدرک علی الصحیحین: 151/111/1، المعجم الكبير: 5928/181/6 كلاهما عن سهل ابن سعد، السنن الكبرى: 20780/322/10 عن طلحة بن كریز، كنز العمال: 15991/347/6.
- 5- (5). غرر الحكم: 4503. [6]
- 6- (6). تهذيب الأحكام: 1102/377/6، الخصال: 84/61، ثواب الأعمال: 1/217، مكارم الأخلاق: 928/296/1، [7] بحار الأنوار: 4/15/70. [8]

-عزّ وجلّ- آنها را دوست دارد، و از کارهای نکوهیده پرهیزد که خداوند-عزّ وجلّ- آنها را دشمن می‌دارد.

## ب- کارهای والا

72. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، کارهای والا و ارجمند را دوست می‌دارد و کارهای پست را ناخوش می‌دارد.

73. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بزرگوار است و بزرگواری را دوست می‌دارد، خوهای والا را دوست می‌دارد و خوهای پست را ناخوش می‌دارد.

## ج- رغبت به آنچه نزد خداست

74. امام علی علیه السلام: با رغبت به آنچه نزد خداوند است، با او دوستی کن.

75. امام صادق علیه السلام: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای رسول خدا! به من کاری بیاموز که چون انجامش دهم، خدا در آسمان، و زمینیان دوستم بدارند».

حضرت فرمود: «به آنچه نزد خداوند است، رغبت کن، تا خداوند دوستت بدارد و به آنچه نزد مردم است، بی میلی نشان بده، تا مردم دوستت بدارند».

76. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ رَجُلًا زَارَ أَخًا لَهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى، فَأَرَصَهُ اللَّهُ لَهُ عَلَى مَدْرَجَتِهِ مَلَكًا، فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ قَالَ: أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ: أُرِيدُ أَخًا لِي فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ. قَالَ: هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرُبُّهَا (1)؟ قَالَ:

لا، غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُهُ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. قَالَ: فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَبَّكَ كَمَا أَحْبَبْتَهُ فِيهِ. (2)

77. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ، وَالْمُتَجَالِسِينَ فِيَّ، وَالْمُتَزَاوِرِينَ فِيَّ، وَالْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ. (3)

78. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ: تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ.

قالوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، بِمَاذَا نَتَحَبَّبُ إِلَى اللَّهِ وَنَتَقَرَّبُ؟ قَالَ: بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي، وَالتَّمَسُّوَا رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ. (4)

79. الإمام الصادق عليه السلام: طَلَبْتُ حُبَّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَوَجَدْتُهُ فِي بُغْضِ

1- (1). تَرَبُّهَا: أَي تَقُومُ بِإِصْلَاحِهَا، وَتَنْهَضُ إِلَيْهِ بِسَبَبِ ذَلِكَ (هَامِشُ الْمَصْدَرِ).

2- (2). صَحِيحُ مُسْلِمٍ: 38/1988/4، مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: 9302/378/3، [1] شَرْحُ الْإِيمَانِ: 9004/488/6، [2] كَنْزُ الْعَمَالِ: 24663/7/9؛ كَشْفُ الرِّيْبَةِ: 80 كُلُّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ.

3- (3). الْمَوْطَأُ: 16/954/2، [3] مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: 22091/239/8، [4] الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ: 7314/187/4 كُلُّهَا عَنْ مَعَاذِ بْنِ جَبَلٍ.

4- (4). تَحْفُ الْعُقُولِ: 44، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: 235/2، [5] إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: 77 [6] كِلَاهِمَا نَحْوُهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: 60/147/77؛ [7] رِبْعُ الْأَبْرَارِ: 483/1، [8] كَنْزُ الْعَمَالِ: 5518/65/3.

## د- دوستی در راه خدا

76. رسول خدا صلی الله علیه و آله: مردی راهی دیدار برادر [و دوست] خود در روستایی شد. خداوند، فرشته ای سر راه او قرار داد. چون آن مرد پیش آمد، فرشته از او پرسید: «به کجا می روی؟».

پاسخ داد: «به دیدار برادری که در این روستا دارم، می روم».

پرسید: «آیا نعمتی نزد او داری که برای رسیدن به آن، نزدش می روی؟».

پاسخ داد: «نه، جز این که او را در راه خداوند -عزّ وجلّ- دوست می دارم».

فرشته گفت: «من نیز پیام آور خدا به سویت هستم که خداوند، تو را دوست دارد، همان گونه که تو در راهش دوستی می ورزی».

77. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند -تبارک و تعالی- می فرماید: «دوست داشتن آنان که به خاطر من یکدیگر را دوست می دارند، به خاطر من با یکدیگر همنشینی می کنند، به خاطر من به دیدار یکدیگر می روند و به خاطر من به یکدیگر می بخشند، بر من واجب است».

## ه- دشمنی در راه خدا

78. رسول خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم به حواریان خود فرمود: «با خداوند، دوستی کنید و به او نزدیک شوید».

أهل المعاصي. (1)

و-الزهد في الدنيا

80. رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أحببت أن يحبك الله فاهد في الدنيا، وإن أحببت أن يحبك الناس فلا تقع في يدك من حطامها شيء إلا نبذته إليهم. (2)

ز-بغض الدنيا

81. المسيح عليه السلام -لما سئل عن عمل يورث محبة الله-: أبغضوا الدنيا يحبكم الله. (3)

ح-كظم الغيظ

82. رسول الله صلى الله عليه وآله: وجبت محبة الله على من غضب فحلم. (4)

83. عنه صلى الله عليه وآله -لرجل-: إن فيك لخصلتين يحبهما الله: الحلم والأناة. (5)

ص: 94

1- (1). مستدرک الوسائل: 12/173/13810.

2- (2). عيون الأخبار لابن قتيبة: 3/174 [1] عن منصور بن المعتمر، حلية الأولياء: 8/52 عن أرطاة بن المنذر، ربيع الأبرار: 1/496 [2] كلاهما نحوه.

3- (3). تنبيه الخواطر: 1/134، [3] بحار الأنوار: 14/328/54. [4]

4- (4). تاريخ دمشق: 14/404/3622، تاريخ أصبهان: 2/100/1214 [5] كلاهما عن عائشة، كنز العمال: 3/131/5826؛ مشكاة الأنوار: 309. [6]

5- (5). صحيح مسلم: 1/49/18، السنن الكبرى: 10/327/20802، مسند ابن حنبل: 4/47/11175 [7] كلها عن أبي سعيد، كنز العمال: 3/133/5837.

گفتند: «ای روح خدا! با چه به خدا نزدیک شویم و با او دوستی کنیم؟».

فرمود: «با دشمنی با معصیت کاران. خشنودی خدا را با ناخشنودی آنان به دست آورید».

79. امام صادق علیه السلام: دوستی خدا را جُستم و آن را در دشمنی با معصیت کاران یافتم.

### و- بی رغبتی به دنیا

80. رسول خدا صلی الله علیه و آله: اگر دوست داری که خداوند دوستت بدارد، به دنیا بی رغبت باش و اگر دوست داری مردم دوستت بدارند، هرگاه از مال دنیا چیزی به دست افتاد، آن را به سوی آنان بیفکن.

### ز- دشمنی با دنیا

81. مسیح علیه السلام - چون از ایشان درباره کاری که موجب دوستی خدا است، پرسیدند - دنیا را دشمن بدارید، تا خدا دوستتان بدارد.

### ح- فرو بردن خشم

82. رسول خدا صلی الله علیه و آله: دوستی خدا برای آن که چون خشمگین شود، بردباری کند، قطعی است.

83. رسول خدا صلی الله علیه و آله - به مردی فرمود - در تو دو صفت است که خداوند آنها را دوست دارد: بردباری و درنگ در کارها.



84. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّخِيَّ؛ فَأَحِبُّوهُ، وَيُبْغِضُ الْبَخِيلَ؛ فَأَبْغِضُوهُ. (1)

85. عنه صلى الله عليه وآله: السَّخِيُّ الْجَهْلُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِ الْبَخِيلِ. (2)

ى-التَّوَضُّع

86. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَائِشَةُ تَوَاضَعِي؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ، وَيُبْغِضُ الْمُتَكَبِّرِينَ. (3)

ك-الغَيْرَةِ

87. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ، وَلِغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا. (4)

ل-الرَّفْق

88. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ. (5)

ص:96

1- (1). درر الأحاديث: 35 عن يحيى بن الحسين.

2- (2). البخلاء للخطيب: 45، الفردوس: 3546/342/2 وفيه «العالم» بدل «العابد» وكلاهما عن عائشة، كنز العمال: 16210/392/6.

3- (3). الفردوس: 8634/427/5، كنز العمال: 5734/113/3 نقلًا عن أبي الشيخ وكلاهما عن عائشة.

4- (4). الكافي: 1/535/5، [1] مشكاة الأنوار: 236. [2]

5- (5). صحيح البخاري: 5678/2242/5، صحيح مسلم: 2165/1706/4، سنن الترمذي: 2701/60/5 كَلَّهْسَاعِن

عائشة، كنز العمال: 5333/34/3.

## ط-بخشش

84. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بخشندگان را دوست می دارد؛ پس دوستشان بدارید و بخیلان را دشمن می دارد؛ پس دشمنشان بدارید.

85. رسول خدا صلی الله علیه و آله: نزد خدا، بخشنده نابخرد از پارسای بخیل، محبوب تر است.

## ی-فروتنی

86. رسول خدا صلی الله علیه و آله: ای عایشه! فروتن باش که خداوند متعال، فروتنان را دوست می دارد و گردنکشان را دشمن می دارد.

## ک-غیرت

87. امام صادق علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی-باغیرت است و هر باغیرتی را دوست دارد و به سبب غیرتش بود که همه کارهای زشت-آشکار و نهانش-را حرام کرده است.

## ل-ملاييمت

88. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نرمش و ملاييمت در همه چیز را دوست دارد.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرُصُوصٌ». (1)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (2)

89. تفسير الدرّ المنثور عن زيد بن أسلم -في قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ...» -: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي نَفَرٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فِيهِمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ، قَالُوا فِي مَجْلِسٍ: لَوْ نَعْلَمُ أَىِّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ لَعَمِلْنَا بِهِ حَتَّى نَمُوتَ! فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ فِيهِمْ، فَقَالَ ابْنُ رَوَاحَةَ: لَا أَبْرَحُ حَيِّسًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَمُوتَ شَهِيدًا. (3)

1- (1). الصف: 4. [1]

2- (2). المائدة: 54. [2]

3- (3). تفسير الدرّ المنثور: 146/8 [3] نقلاً عن مالك في تفسيره.

## الف- جهاد در راه خدا

قرآن

«خداوند، کسانی را که در راهش چونان صفی برآمده از سرب، می جنگند، دوست دارد».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی را می آورد که دوستشان می دارد و آنان دوستش می دارند؛ با مؤمنان فروتن و در برابر کافران خلل ناپذیرند؛ در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد، آن را می دهد که خداوند، گشایشگر داناست».

حدیث

89. تفسیر الدر المنثور به نقل از زید بن اسلم - درباره گفته خداوند متعال که «خداوند، کسانی را که در راهش چونان صفی (برآمده از سرب) می جنگند، دوست دارد» - این آیه، درباره گروهی از انصار، از جمله عبدالله بن رواحه نازل شد. آنان در مجلسی گفتند: «اگر می دانستیم محبوب ترین کارها نزد خدا چیست، تا پای مرگ انجامش می دادیم». در این باره خداوند، این آیه را نازل ساخت. پس عبدالله بن رواحه گفت: «من خود را در راه خدا وقف می کنم تا به شهادت از دنیا بروم».

ص: 99

90. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمَحْفُوفُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، الْمَلْبُوسُونَ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ، تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْقِيرِ كِتَابِهِ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَيُحَبِّبْكُمْ إِلَى خَلْقِهِ. (1)

91. الكافي عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَرَفَعْتُ بِهِ صَوْتِي جَاءَنِي الشَّيْطَانُ فَقَالَ: إِنَّمَا تُرَأَى بِهَذَا أَهْلَكَ وَالنَّاسَ.

قال: يا أبا مُحَمَّدٍ اقْرَأْ قِرَاءَةً مَا بَيْنَ الْقِرَاءَتَيْنِ تُسْمَعُ أَهْلَكَ، وَرَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَرْجِعُ فِيهِ تَرْجِيحًا. (2)

92. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَرَأَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةَ الْوَاقِعَةِ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَأَحَبَّهُ (3) إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَلَمْ يَرَفِي الدُّنْيَا بُوْسًا أَبَدًا وَلَا فَقْرًا وَلَا فَاقَةً وَلَا آفَةً مِنَ آفَاتِ الدُّنْيَا، وَكَانَ مِنْ رُفَقَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَهَذِهِ السُّورَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً، لَا يَشْرِكُ فِيهَا أَحَدٌ. (4)

ص: 100

1- (1). جامع الأخبار: 202/115 [1] نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي.

2- (2). الكافي: 13/616/2. [2]

3- (3). في مكارم الأخلاق « [3] حَبَّيْهِ » وهو الصحيح.

4- (4). ثواب الأعمال: 1/144 عن أبي بصير وراجع مكارم الأخلاق: 2/2493/185، [4] الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: 343. [5]

90. رسول خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خدا، حاملان قرآن را فرا گرفته است و آنان به نور خداوند-عزّ وجلّ- پوشیده شده اند. ای حاملان قرآن! با بزرگداشتِ کتابش با خدا دوستی کنید، تا شما را بیشتر دوست بدارد و شما را محبوب خلقش گرداند.

91. الکافی به نقل از ابو بصیر: به امام باقر علیه السلام گفتم: «هرگاه قرآن می خوانم و صدایم را بدان بلند می کنم، شیطان نزد من می آید و می گوید: در واقع با این کارت، برای خانواده ات و مردم، ریا کاری می کنی».

حضرت فرمود: «ای ابو محمد! با صدایی میانه آهسته و بلند، چنان بخوان که خانواده ات بشنوند، و قرآن را با صدایی آهنگین و خوش بخوان که خداوند-عزّ وجلّ-، با صدای خوش و آهنگین خواندن را دوست دارد».

92. امام صادق علیه السلام: هرکس در هر شب جمعه، سوره واقعه را بخواند، خداوند او را دوست بدارد و محبوب همه مردمانش گرداند، و هرگز در دنیا گرفتار درویشی، فقر، در ماندگی و هیچ آفتی از آفات دنیا نخواهد شد و از همراهان امیر مؤمنان خواهد بود. این سوره، ویژه امیر مؤمنان است و کسی در آن شریکش نیست.

93. عنه عليه السلام: لا تَدْعُوا قِرَاءَةَ سُورَةِ طه؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهَا، وَيُحِبُّ مَنْ قَرَأَهَا. وَمَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَتَهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَلَمْ يُحَاسِبْهُ بِمَا عَمِلَ فِي الْإِسْلَامِ، وَأُعْطِيَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْأَجْرِ حَتَّى يَرْضَى. (1)

94. عنه عليه السلام: مَنْ قَرَأَ فِي فَرَايِضِهِ «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ...» 2 شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلُّ سَهْلٍ وَجَبَلٍ وَمَدْرٍ بَانَةٍ كَانَ مِنَ الْمُصَلِّينَ، وَيُنَادَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنَادٍ: صَدَقْتُمْ عَلَى عَبْدِى، قَبِلْتُ شَهَادَتَكُمْ لَهُ وَعَلَيْهِ، أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ، وَلَا تُحَاسِبُوهُ؛ فَإِنَّهُ مِمَّنْ أَحَبُّهُ وَأَحَبُّ عَمَلَهُ. (2)

ج- اصطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ

95. الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى ذِي الْقَرْنَيْنِ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ، وَسَأَجْعَلُ لَهُ عِلْمًا؛ فَمَنْ رَأَيْتَنِي حَبَبْتُ (3) إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ وَاصْطِنَاعَهُ، وَحَبَبْتُ إِلَى النَّاسِ الطَّلَبَ إِلَيْهِ فَأَحَبَّهُ وَتَوَلَّاهُ؛ فَإِنِّي أَحَبُّهُ وَأَتَوَلَّاهُ. وَمَنْ رَأَيْتَنِي كَرَّهْتُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ، وَبَغَّضْتُ إِلَى النَّاسِ الطَّلَبَ إِلَيْهِ فَأَبْغَضُهُ

ص: 102

1- (1). ثواب الأعمال: 134 عن إسحاق بن عمّار، مصباح الكفعمي: 441. [1]

2- (3). ثواب الأعمال: 154، عن أبي بصير بحار الأنوار: 1/337/92. [2]

3- (4). في المصدر «أحببت» والصحيح ما أثبتناه كما في كنز العمال.

93. امام صادق علیه السلام: خواندن سوره طه را ترک نکنید که خداوند، آن را و هرکه آن را بخواند، دوست دارد. هرکه پیوسته آن را بخواند، خداوند در روز قیامت، نامه اعمالش را به دست راستش خواهد داد و تنها از آنچه در زمان اسلام انجام داده است، از او حسابرسی خواهد کرد، و در آخرت چندان به او پاداش داده شود تا خشنود گردد.

94. امام صادق علیه السلام: هرکه در نمازهای واجب خویش، «آیا ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟...» (سوره فیل) را بخواند، روز قیامت، هر دشت و کوه و کلوخی برایش شهادت خواهد داد که او از نمازگزاران بوده است و فریادگری روز قیامت برایش ندا خواهد داد: «دربارۀ بنده ام راست گفتید. شهادت شما را درباره او و بر او می پذیرم. او را به بهشت درآورید و از او حسابرسی نکنید که او از کسانی است که آنان و کردارشان را دوست دارم».

### ج-انجام دادن کارهای نیک

95. امام صادق علیه السلام: خداوند عزّوجلّ به ذوالقرنین وحی کرد:

«به عزّت و جلالم سوگند، هیچ آفریده ای که نزد من محبوب تر از کار نیک باشد، نیافریدم. از این رو، نشانی برایش خواهم گذاشت. پس هرکه را دیدی که کار نیک و انجام دادن آن را برایش محبوب گردانده ام و درخواست کردن از او را محبوب مردم ساخته ام، او را دوست بدار و با او دوستی کن که من دوستش دارم و با او دوستی می کنم؛ و هرکه را دیدی که کار



ولا تتولَّه؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَرِّ مَنْ خَلَقْتُ. (1)

د-إِغَاثَةُ اللَّهْفَانِ

96. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِرَاقَةَ الدَّمَاءِ، وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ، وَإِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ. (2)

ه-سَقَى الْعَطْشَانَ

97. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِبْرَادَ الْكَبِدِ الْحَرَّى، وَمَنْ سَقَى كَبِدًا حَرَّى مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ. (3)

و-الإِيثَار

98. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ مِمَّا خَصَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ أَنْ يُعَرِّفَهُ بِرِّ إِخْوَانِهِ وَإِنْ قَلَّ، وَلَيْسَ الْبِرُّ بِالكَثْرَةِ؛ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، ثُمَّ قَالَ: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» 4،

وَمَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ

ص: 104

1- (1). الفردوس: 515/144/1 عن عبدالله المزني، كنز العمال: 16451/441/6.

2- (2). المحاسن: 1374/143/2 [1] عن عبيدالله بن الوليد الوصافي، بحار الأنوار: 27/22/75. [2]

3- (3). الكافي: 6/58/4 [3] عن ضريس بن عبدالملك، الفقيه: 1723/64/2، مكارم الأخلاق: 906/293/1 [4] وفيهما زيادة «في ظلِّ عرشه» بعد «أظله الله»، بحار الأنوار: 1/170/96. [5]

نیک را ناخوشایندش ساخته ام و درخواست از او را ناخوشایند مردم گردانده ام، با او دشمنی کن و با او دوستی مکن که او از بدترین آفریده های من است».

ر.ک: ص 133 (محبوب ترین مردم نزد خدا).

### د- یاری دادخواهان

96. امام باقر علیه السلام: خداوند، ریختن خون (قربانی) و غذا دادن به مردم و یاری کردن دادخواهان را دوست دارد.

### ه- سیراب کردن تشنگان

97. امام باقر علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی-، خنک کردن جگر تفته را دوست دارد. هرکه جگری تفته را آب بنوشاند، چه [متعلق به] چارپایان باشد یا جز آن، خداوند، در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست، بر او سایه افکند.

### و- از خود گذشتگی

98. امام صادق علیه السلام: از جمله ویژگی هایی که خداوند به مؤمن بخشیده، آن است که نیکی کردن به برادرانش را-گرچه کم باشد- به او آموخته است. نیکی کردن، به زیاد بودن آن نیست؛ زیرا خداوند-عزّ وجلّ- در کتابش می فرماید: «دیگران را بر خویشان مقدم می دارند، گرچه [خود] بدان نیازمند باشند». آن گاه می فرماید:

«هرکه جانش از بخل ایمن گردد، پس آنان همان رستگاران اند». هر که را خداوند-عزّ وجلّ- بدین صفت بشناسد، او را دوست بدارد و خداوند-تبارک و تعالی- هرکه را دوست بدارد، روز قیامت،

ص: 105

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَفَاءَ أَجْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (1)

ز-الطَّهَارَةُ

الكتاب

«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ». (2)

الحديث

99.المستدرک علی الصحیحین عن أبی ایوب الأنصاری وجابر بن عبد اللہ وأنس بن مالک: إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ لَمَّا نَزَلَتْ - «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا» - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَثْنَى عَلَيْكُمْ فِي الطَّهْرِ خَيْرًا، فَمَا طَهَّرُكُمْ هَذَا؟ قَالُوا: نَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ، وَنَعْتَسِلُ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَنَسْتَجِي بِالْمَاءِ. قَالَ: هُوَ ذَاكَ فَعَلَيْكُمْ بِهِ. (3)

ح-النَّظَافَةُ

100.رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ التَّاسِكَ النَّظِيفَ. (4)

101.عنه صلی اللہ علیہ و آلہ: إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ. (5)

ص:106

1- (1). الكافي: 6/206/2 [1] عن جميل، بحار الأنوار: 35/299/74.

2- (2). التوبة: 108 [2] وراجع البقرة: 222. [3]

3- (3). المستدرک علی الصحیحین: 3287/365/2، سنن ابن ماجة: 355/127/1، السنن الكبرى: 513/171/1 [4] كلاهما نحوه، كنز العمال: 33709/7/12.

4- (4). تاريخ بغداد: 12/10 [5] عن جابر بن عبد اللہ، كنز العمال: 26000/277/9.

5- (5). صحيح الترمذی: 2799/112/5 عن سعد بن أبی وقاص، كنز العمال: 41500/389/15.

پاداش او را بی حساب و به کمال، پرداخت خواهد کرد.

## ز- پاکی

قرآن

«مسجدی که از روز نخست بر [اساس] پرهیزگاری بنا شده، شایسته تر است که در آن [به نماز] بایستی. در آن، مردانی اند که دوست دارند خود را پاک کنند، و خداوند کسانی را که خواهان پاکی اند، دوست دارد».

حدیث

99. المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو ایوب انصاری و جابر بن عبداللّه و انس بن مالک: چون آیه «در آن، مردانی هستند که دوست دارند خود را طاهر کنند، و خداوند، کسانی را که خواهان طهارت اند، دوست دارد» نازل شد، رسول خدا فرمود: «ای گروه انصار! خداوند به سبب طهارت شما را ستوده است.

حال، طهارت شما به چیست؟».

گفتند: «برای نماز وضو می گیریم. پس از جنابت، غسل می کنیم و با آب نجاست را از خود برطرف می سازیم».

حضرت فرمود: «طهارت همین است. پس پایبند آن باشید».

## ح- پاکیزگی

100. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، عبادت پیشه پاکیزه را دوست دارد.

101. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، پاک است و پاکان را دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگان را دوست دارد.

ص: 107

102. الإمام عليّ عليه السلام: تَتَطَفَّوْا بِالمَاءِ مِنَ النَّتْنِ الرِّيحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ، تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْقَاذِرَةَ  
الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ. (1)

ط-السَّمَاخَة

103. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ اللَّهِ تَعَالَى عَبْدًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَسَمَحًا إِذَا اشْتَرَى، وَسَمَحًا إِذَا قَضَى، وَسَمَحًا إِذَا اقْتَضَى. (2)

104. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ السَّهْلَ النَّفْسِ، السَّمَحَ الْخَلِيقَةَ، الْقَرِيبَ الْأَمْرِ. (3)

ي-قَوْلِ الْحَقِّ

105. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ صَدَقَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ. (4)

6/3- مَا يُجِبُّهُ اللَّهُ

106. الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ

ص: 108

---

1- (1). الخصال: 10/620 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: 110 نحوه وفيه «يتأنف» بدل «يتأنف»، بحار الأنوار: 10/99. [1]

2- (2). شعب الإيمان: 7/536/11253 [2] عن أبي هريرة، مسند الشهاب: 2/252/1299 عن عثمان نحوه، كنز العمال: 4/44/9424.

3- (3). غرر الحكم: 3476. [3]

4- (4). شعب الإيمان: 6/125/7685 [4] عن أبي هريرة، كنز العمال: 6/415/16325.

102. امام علی علیه السلام: با آب خود را از بوی آزارنده پاک کنید و به خودتان برسید که خداوند-عزّ وجلّ-، بنده پلشتی را که هرکس کنارش بنشیند، از [بوی بد] او رنجه شود، دشمن می دارد.

### ط- آسانگیری

103. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، بنده ای را دوست دارد که چون بفروشد، آسانگیر باشد؛ چون بخرد، آسانگیر باشد؛ در پس دادنِ وام، آسانگیر باشد؛ و در پس گرفتنِ وام، آسانگیر باشد.

104. امام علی علیه السلام: خداوند-پاک و بلندمرتبه دوست می دارد هموار نفس (1)، بخشنده خوی، نزدیک کار (2) را.

### ی- حقگویی

105. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هیچ صدقه ای نزد خدا، محبوب تر از حقگویی نیست.

### 6/3- آنچه خدا دوست دارد

106. الکافی به نقل از حلبی: از امام صادق علیه السلام درباره [مقصود] سخن خداوند-عزّ وجلّ-: «یا زنان را لمس کردید» پرسیدم.

ص: 109

---

1- (1). اشاره است به سخت گیر و درشت خو نبودن.

2- (2). اشاره است به ساده زیستی و ترک تکلف در زندگی.

عَزَّوَجَلَّ: «أَوْ لَا مَسْتُمْ النَّسَاء» 1، فَقَالَ: هُوَ الْجَمَاعُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ سَتِيرٌ يُحِبُّ السَّتْرَ؛ فَلَمْ يُسَمِّ كَمَا تُسَمُّونَ. (1)

107. مسند الشهاب عن عمران بن حصين: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَرْفِ عِمَامَتِي فَقَالَ: يَا عِمْرَانُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْإِنْفَاقَ، وَيُبْغِضُ الْإِقْتَارَ؛ فَأَنْفِقْ وَأَطْعِمْ، وَلَا تَصَدَّرْ صَدْرًا فَيَعْسُرَ عَلَيْكَ الطَّلَبُ. وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ، وَالْعَقْلَ الْكَامِلَ عِنْدَ نُزُولِ الشُّبُهَاتِ، وَيُحِبُّ السَّمَاحَةَ وَلَوْ عَلَى تَمْرَاتٍ، وَيُحِبُّ الشَّجَاعَةَ وَلَوْ عَلَى قَتْلِ حَيَّةٍ. (2)

108. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ. (3)

109. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ. (4)

ص: 110

1- (2). الكافي: 5/555/5، [1] تفسير العياشي: 141/243/1، [2] بحار الأنوار: 13/220/80. [3]

2- (3). مسند الشهاب: 1080/152/2، حياة الحيوان: 257/1، [4] نوادر الأصول: 325/1 عن الزبير نحوه، كنز العمال: 17008/582/6.

3- (4). المعجم الأوسط: 4668/60/5 عن أبي ریحانة، مسند أبي يعلى: 1050/18/2 عن أبي سعيد، كنز العمال: 17187/642/6؛ الكافي: 1/438/6 [5] عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: 1/92/10.

[6]

4- (5). الفقيه: 3621/167/3، المحاسن: 1280/104/2 [7] كلاهما عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار

الأنوار: 4/122/99. [8]

فرمود: «مقصود، آمیزش [جنسی] است؛ لیکن خداوند، عقیف است و عفت [کلام] را دوست دارد. لذا آن گونه که شما نام می برید، نام نبرده است».

107. مسند الشهاب به نقل از عمران بن حصین: رسول خدا گوشه‌ عمامه ام را گرفت و فرمود: «ای عمران! خداوند-تبارک و تعالی-، بخشش کردن را دوست می دارد و تنگ گرفتن خانواده را دشمن می دارد. پس ببخش و بخوران و چندان سخت مگیر که طلب [روزی] بر تو دشوار شود. بدان که خداوند، دیده‌ تیزبین به هنگام در رسیدن شهوت‌ها، و عقل کامل به هنگام فرود آمدن شبهات را دوست دارد. همچنین خداوند، بخشش را، گرچه به چند دانه خرما، و دلاوری را، گرچه به کشتن ماری، دوست دارد.

108. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، زیباست و زیبایی را دوست دارد و خوش دارد که اثر نعمت خود را در بنده اش ببیند.

109. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هیچ هزینه ای نزد خدا محبوب تر از هزینه میانه و معتدل نیست.



110. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَبًا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. (1)

111. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ كَلَامٍ كَلِمَةٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَوْلٍ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». (2)

112. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخَصَّتَيْهِ، كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِعَزَائِمِهِ. إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ دِينَ إِبْرَاهِيمَ.

(3)

113. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ: قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَطْرَةٍ دَمْعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ - مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (4)

114. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الصَّمْتَ عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَعِنْدَ الرَّحْفِ، وَعِنْدَ الْجَنَازَةِ. (5)

115. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ تَعْجِيلُ الصَّلَاةِ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا. (6)

ص: 112

1- (1). كنز العمال: 9200/4/4 نقلاً عن الفردوس عن الإمام عليّ عليه السلام.

2- (2). التوحيد: 14/21، [1] ثواب الأعمال: 2/21، مكارم الأخلاق: 2211/82/2 [2] كلّها عن ابن عباس، بحار الأنوار: 16/196/93.

3- (3). كنز العمال: 5341/34/3 نقلاً عن ابن عساكر عن الإمام عليّ عليه السلام.

4- (4). الأمالى للمفيد: 8/11 عن أبي حمزة عن الإمام زين العابدين عليه السلام، الكافي: 3/53/5 [3] عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عن

أبيه عليهما السلام، الخصال: 60/50 عن أبي حمزة عن الإمام زين العابدين [4] عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: 13/152/78؛

[5] الفردوس: 6205/65/4 عن أبي امامة نحوه.

5- (5). المعجم الكبير: 5/213/5 عن زيد بن أرقم، كنز العمال: 6884/350/3.

6- (6). مسند ابن حنبل: 10/316/27175، [6] سنن الدارقطني: 1/248/12، المعجم الكبير: 25/82/208 كلّها عن أم فروة، كنز

العمال: 7/360/19263.

110. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، دوست دارد که بنده اش را در جستجوی مال حلال، خسته ببیند.

111. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هیچ سخنی نزد خداوند، محبوب تر از گفتار «لا اله الا الله» نیست.

112. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، دوست دارد به کارهای مباح عمل شود، همان گونه که دوست دارد به واجباتش عمل کنند. خداوند، مرا با دین راحت و آسان برانگیخت: دین ابراهیم.

113. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قطره ای نزد خداوند، محبوب تر از دو قطره نیست: قطره خونی در راه خدا، و قطره اشکی در سیاهی شب از ترس خدا.

114. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، سکوت را در سه جا دوست دارد:

به هنگام خوانده شدن قرآن، به هنگام [جنگ و] پیش روی به سوی دشمن، و به هنگام تشییع جنازه.

115. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین کارها نزد خداوند، شتاب در به جا آوردن نماز در اول وقتش است.

116. عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَفْوٌ يُحِبُّ الْعَفْوَ. (1)

117. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (2)

118. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ. (3)

119. عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ: قَلَّةُ الْكَلَامِ، وَقَلَّةُ الْمَنَامِ، وَقَلَّةُ الطَّعَامِ.

ثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ: كَثْرَةُ الْكَلَامِ، وَكَثْرَةُ الْمَنَامِ، وَكَثْرَةُ الطَّعَامِ. (4)

120. عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ: الْقِيَامُ بِحَقِّهِ، وَالتَّوَضُّعُ لِخَلْقِهِ، وَالإِحْسَانُ إِلَى عِبَادِهِ. (5)

121. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ. (6)

122. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا بُنِيَ فِي الإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ. (7)

ص: 114

---

1- (1) .مسند ابن حنبل: 3977/98/2، السنن الكبرى: 17612/575/8 كلاهما عن أبي ماجد، المستدرک علی الصحیحین: 8155/424/4 عن ابن مسعود، كنز العمال: 7005/373/3.

2- (2) .الكافي: 2/52/4، [1] الخصال: 36/10، ثواب الأعمال: 1/221 كلها عن داود الرقي، بحار الأنوار: 10/346/71.

3- (3) .كنز العمال: 45356/446/16 نقلاً عن الطبراني وص 45350/445 نقلاً عن ابن النجار وزاد فيه «حتى في القبل» وكلاهما عن النعمان بن بشير.

4- (4) .تنبيه الخواطر: 121/2، 213/2. [2]

5- (5) .تنبيه الخواطر: 121/2، 213/2. [3]

6- (6) .الكافي: 2/54/6 [4] عن أبي خديجة.

7- (7) .بحار الأنوار: 40/222/103 [5] نقلاً عن الهداية.

116. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بخشایشگر است و گذشت [از خطای دیگران] را دوست دارد.

117. امام صادق علیه السلام: خداوند-عزّ وجلّ-، میانه روی را دوست دارد.

118. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، دوست دارد که میان فرزندانان به عدالت رفتار کنید.

119. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، سه چیز را دوست می دارد:

کم گویی، کم خوابی و کم خوری؛ و سه چیز را خداوند دشمن می دارد: پُرگویی، پُرخوابی و پُرخوری.

120. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان، سه چیز را دوست می دارد:

به جا آوردن حقوقش، فروتنی برای خلقش، و نیکوکاری به بندگان.

121. امام صادق علیه السلام: خداوند، خانه ای را که در آن عروسی است، دوست دارد.

122. رسول خدا صلی الله علیه و آله: در اسلام، هیچ کاری نزد خداوند-عزّ وجلّ- محبوب تر و ارجمندتر از تشکیل خانواده نیست.

123. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ فَسَلَّمَ كُلُّ مِنْهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ وَنَصَافِحَا كَانَ أَحَبَّهُمَا إِلَى اللَّهِ أَحْسَنَهُمَا بِشْرًا لِصَاحِبِهِ. (1)

7/3-أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ

124. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ؛ تَطَرُّدٌ عَنْهُ جَوْعَتُهُ، أَوْ تَكْشِيفٌ عَنْهُ كُرْبَتُهُ. (2)

125. الإمام الصادق عليه السلام: مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

126. الإمام علي عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ. (4)

127. الإمام الصادق عليه السلام-لَمَّا سَأَلَهُ يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ الْوَاسِطِيُّ عَنِ الْفَلَاحِينَ-: هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. وَمَا فِي الْأَعْمَالِ

ص: 116

- 
- 1- (1). شُعب الإيمان: 8052/253/6، [1] نوادر الأصول: 69/2 نحوه وكلاهما عن عمر، كنز العمال: 25245/114/9.
- 2- (2). الكافي: 11/191/2، [2] جامع الأحاديث للقمي: 182 كلاهما عن مالك بن عطية عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 24/295/74؛ [3] المعجم الكبير: 13646/346/12 عن ابن عمر، قضاء الحوائج لابن أبي الدنيا: 36/47 كلاهما نحوه.
- 3- (3). كامل الزيارات: 146 [4] عن أبان الأزرق عن رجل.
- 4- (4). مكارم الأخلاق: 1985/9/2.

123. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه دو مسلمان یکدیگر را ببینند و یکی از آنان به دیگری سلام کند و با او دست دهد، محبوب ترین آنان نزد خداوند، خوش روترین آنان نسبت به دیگری است.

### 7/3- محبوب ترین کارها نزد خدا

124. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین کارها نزد خدا، شادمان ساختن مؤمن است، مانند برطرف ساختن گرسنگی اش و یا زدودن اندوهش.

125. امام صادق علیه السلام: از محبوب ترین کارها نزد خداوند متعال، زیارت آرامگاه حسین علیه السلام است.

126. امام علی علیه السلام: محبوب ترین کارها نزد خدا بر روی زمین، دعاست.

127. امام صادق علیه السلام - چون یزید بن هارون واسطی درباره کشاورزان از ایشان پرسید - : آنان، کشتگران گنجینه های خدا در زمینش هستند. هیچ یک از کارها نزد خداوند، محبوب تر

شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعَهُ، إِلَّا إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا. (1)

128. الإمام علي عليه السلام: انتظروا الفرج، ولا تيأسوا من روح الله؛ فإن أحب الأعمال إلى الله عز وجل انتظار الفرج، مادام عليه العبد المؤمن. (2)

8/3- من يحبهم الله

الكتاب

«وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». (3)

«فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ». (4)

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ». (5)

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». (6)

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (7)

ص: 118

1- (1). تهذيب الأحكام: 1138/384/6، جامع الأحاديث للقمي: 183 وليس فيه صدره، بحار الأنوار: 25/69/103. [1]

2- (2). الخصال: 10/616 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: 106.

3- (3). البقرة: 195. [2]

4- (4). التوبة: 4، [3] آل عمران: 76. [4]

5- (5). آل عمران: 159، 146. [5]

6- (6). آل عمران: 159، 146. [6]

7- (7). المائدة: 42، [7] الحجرات: 9، [8] الممتحنة: 8. [9]

از کشاورزی نیست و هیچ پیامبری برانگیخته نشد، مگر آن که کشاورز بود، جز ادريس عليه السلام که خياط بود.

128. امام علي عليه السلام: در انتظار فرج باشید و از رحمت خدا نوميد مشويد که محبوب ترين کارها نزد خداوند-عزّ وجلّ-، انتظار فرج است، تا وقتی که بنده مؤمن، بر آن مداومت ورزد.

### 8/3- آنان که خدا دوستان دارد

قرآن

«و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست دارد».

«خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد».

«خداوند، شکیبایان را دوست دارد».

«پس هرگاه مصمم [به کاری] شدى، بر خداوند توکل کن که خداوند، توکل کنندگان را دوست دارد».

«خداوند، دادگران را دوست دارد».

ص: 119



129. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ. (1)

130. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ. (2)

131. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ الْمُتَعَفِّفَ أَبَا الْعِيَالِ. (3)

132. سنن الترمذى عن عبد الله بن مسعود يرفعه: قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]:

ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ: رَجُلٌ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ صَدَقَةً يَمِينَةً يُخْفِيهَا - أَرَاهُ قَالَ: - مِنْ شَيْءٍ مَالِهِ، وَرَجُلٌ كَانَ فِي سِرِّيَةٍ فَانْهَزَمَ أَصْحَابُهُ فَاسْتَقْبَلَ الْعَدُوَّ. (4)

133. مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبد الله بن الشَّخِيرِ: بَلَغَنِي عَنْ أَبِي ذَرٍّ حَدِيثٌ، فَكُنْتُ أَحِبُّ أَنْ أَلْقَاهُ، فَلَقَيْتُهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، بَلَغَنِي عَنْكَ حَدِيثٌ، فَكُنْتُ أَحِبُّ أَنْ أَلْقَاكَ فَاسْأَلْكَ عَنْهُ.

فَقَالَ: قَدْ لَقَيْتَ فَاسْأَلْ.

ص: 120

1- (1). المعجم الأوسط: 8/380/8، شعب الإيمان: 2/1237/88 [1] كلاهما عن سالم عن أبيه، كنز العمال: 4/4/9199؛ مسند زيد: 255 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

2- (2). الكافي: 2/8/112 [2] عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: 300 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: 71/405/18؛ [3] المعجم الكبير: 10/196/10442 عن ابن مسعود عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه وآله؛ كنز العمال: 6/643/17192 نقلاً عن أمالي ابن صصرى عن أبي هريرة.

3- (3). سنن ابن ماجه: 2/1380/4121، المعجم الكبير: 18/242/607 كلاهما عن عمران بن حصين، كنز العمال: 3/390/7091؛ تنبيه الخواطر: 1/7 [4] وفيه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدَهُ الْفَقِيرَ الْمُتَعَفِّفَ بِالْعِيَالِ».

4- (4). سنن الترمذى: 4/697/2567 عن ابن مسعود، كنز العمال: 15/820/43256.

129. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، مؤمن پیشه ور را دوست دارد.

130. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، شخصی آزر مگین بردبارِ عقیفِ خویشتن دار را دوست دارد.

131. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بنده مؤمن خود را که تهیدست خویشتن دارِ عیالوار است، دوست دارد.

132. سنن الترمذی به نقل از عبد الله بن مسعود - حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله می رساند: [رسول خدا] فرمود: «خداوند، سه تن را دوست دارد: شخصی که شبانه بر می خیزد و به تلاوت قرآن می پردازد؛ شخصی که با دست راستش صدقه می دهد» - گمان می کنم پس از آن فرمود: «و آن را از دست چپش پنهان می دارد؛ و شخصی که همراه گروهی رزمنده باشد و چون یارانش فرار کنند، خود به رویارویی دشمن می شتابد».

133. مسند ابن حنبل به نقل از مطرف بن عبدالله بن شحیر: حدیثی از ابوذر برایم نقل کرده بودند و من دوست داشتم او را ببینم.

پس چون او را دیدم، به او گفتم: «ای ابوذر! از تو حدیثی برایم نقل کرده اند که دوست داشتم تو را ببینم و درباره آن از تو بپرسم».

ابوذر گفت: «اینک دیدی. پس بپرس».

قُلْتُ: بَلَّغْنِي أَنْتَ تَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

«ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»؟

قَالَ: نَعَمْ، فَمَا أَخَالَنِي أَكْذِبُ عَلَى خَلِيلِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -ثَلَاثًا يَقُولُهَا-.

قُلْتُ: مَنْ الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؟

قَالَ: رَجُلٌ غَزَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَلَقِيَ الْعَدُوَّ مُجَاهِدًا مُحْتَسِبًا فَقَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ؛ وَأَنْتُمْ تَجِدُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا». (1)

يَكْفِيهِ اللَّهُ إِيَّاهُ؛ بِمَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ.

وَرَجُلٌ يَكُونُ مَعَ قَوْمٍ فَيَسِيرُونَ حَتَّى يَشُقَّ عَلَيْهِمُ الْكُرَى أَوْ النَّعَاسُ، فَيَنْزِلُونَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَيَقُومُ إِلَى وُضُوئِهِ وَصَلَاتِهِ. (2)

134. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يَضْحَكُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَيْهِمْ: الرَّجُلُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يُصَلِّي، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَّوْا لِلصَّلَاةِ، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَّوْا لِقِتَالِ الْعَدُوِّ. (3)

135. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَبِيٌّ سَتِيرٌ يُحِبُّ الْحَيَاءَ وَالسَّتْرَ؛ فَإِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَتِرْ. (4)

ص: 122

1- (1). الصف: 4. [1]

2- (2). مسند ابن حنبل: 21586/126/8، [2] المستدرک علی الصحیحین: 2446/98/2، السنن الكبرى: 18501/269/9 كلاهما نحوه، كنز العمال: 44073/104/16.

3- (3). مسند أبي يعلى: 1000/468/1، المنتخب من مسند عبد بن حميد: 911/285 كلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: 43349/842/15.

4- (4). سنن أبي داود: 4012/40/4، [3] سنن النسائي: 200/1، السنن الكبرى: 956/306/1 كلها عن يعلى بن امية، كنز العمال: 26627/391/9.

گفتم: «شنیده ام که می گویی: رسول خدا فرمود: خداوند عزّ وجلّ، سه تن را دوست دارد و سه تن را دشمن دارد؟»

گفت: «آری، گمان ندارم که به دوستم محمد صلی الله علیه و آله دروغ می بندم»، و این جمله را سه بار تکرار کرد.

گفتم: «آن سه تن که خداوند دوستشان دارد، کیان اند؟».

گفت: «مردی که در راه خدا می جنگد. پس برای جهاد و به انتظار پاداش خدا، با دشمن رویاروی می شود و پیکار می کند تا کشته شود. شما نیز در کتاب خداوند عزّ وجلّ، در این باب می خوانید: «خداوند، کسانی را که در راهش چون صفی می جنگند، دوست دارد»؛ و مردی که همسایه اش او را می آزارد و او بر آزارش شکیبایی می ورزد و انتظار پاداش از خدا دارد. پس خداوند او را با مرگ یا زندگی از این آزار، ایمن می گرداند؛ و مردی که همراه مردمی است. پس در حرکت هستند تا آن که خواب یا چرت بر آنان چیره می شود و آنان، آخر شب [برای خواب] فرود می آیند، اما او به وضو و نمازش می پردازد.

134. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، روز قیامت به سه تن لبخند می زند:

کسی که شبانه برمی خیزد و نماز می خواند، مردمی که برای نماز، صف می بندند؛ و مردمی که برای پیکار با دشمن صف می بندند.

135. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-عزّ وجلّ-آزمگین و پرده پوش است و پوشیدگی را دوست دارد. پس هرکس از شما غسل کرد، خود را بپوشاند.

136. عنه صلى الله عليه وآله: أتاني جبرائيل عليه السلام مع سبعين ألف ملك بعد صلاة الظهر وقال... يا مُحَمَّدُ، مَنْ أَحَبَّ الْجَمَاعَةَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَالْمَلَائِكَةُ أَجْمَعُونَ. (1)

137. الإمام علي عليه السلام: كَفَرُوا ذُنُوبَكُمْ وَتَحَبَّبُوا إِلَى رَبِّكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ. (2)

138. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمَدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلا- رَفْتٍ، الْمُتَوَحِّدَ بِالْفِكْرِ، الْمُتَخَلِّيَ بِالْعِبَرِ، السَّاهِرَ بِالصَّلَاةِ. (3)

139. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ أَنْ يَطْلُبَ إِلَيْهِ فِي الْجُرْمِ الْعَظِيمِ، وَيُبْغِضُ الْعَبْدَ أَنْ يَسْتَخِفَّ بِالْجُرْمِ الْيَسِيرِ. (4)

140. الزهد لابن المبارك عن فضالة بن عبيد: إِنَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ... يَا رَبِّ، أَخْبِرْنِي بِأَحْبَابِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَحَبَّهُمْ لَكَ؟

قال: ذُو سُلْطَانٍ يَرْحَمُ النَّاسَ، وَيَحْكُمُ لِلنَّاسِ كَمَا يَحْكُمُ لِنَفْسِهِ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا- فَهَوَّ وَ يُنْفِقُ مِنْهُ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَفِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَرَجُلٌ يُفْنِي شَبَابَهُ وَقُوَّتَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

ص: 124

1- (1). جامع الأخبار: 475/193 [1] عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: 27/15/88. [2]

2- (2). غرر الحكم: 7258. [3]

3- (3). الفقيه: 1372/474/1، المحاسن: 1056/456/1 [4] عن عبد الله بن محمد الجعفي وفيه «المتخلى بالصبر، المتباهى بالصلاة» بدل «المتخلى بالعبير، الساهر بالصلاة»، مشكاة الأنوار: 147 [5] نحوه، بحار الأنوار: 18/325/71. [6]

4- (4). الكافي: 6/427/2، [7] المحاسن: 1055/456/1 [8] كلاهما عن عنيسة العابد، بحار الأنوار: 80/359/73. [9]

136. رسول خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل همراه هفتاد هزار فرشته پس از نماز ظهر نزد آمد و گفت: «ای محمد! هرکس با جماعت بودن را دوست داشته باشد [و از اختلاف بپرهیزد]، خداوند و همه فرشتگان دوستش خواهند داشت.

137. امام علی علیه السلام: با دادن صدقه و پیوند با خویشاوندان، گناهانتان را پاک کنید و محبوب خداوند شوید.

138. امام باقر علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی-، شخصی را دوست دارد که در میان جمع، بی آن که هرزه درایی کند و ناسزایی گوید، شوخ باشد، با تفکرش تنها شود، با عبرت ها خلوت گزیند، و با نماز، شب زنده داری کند.

139. امام صادق علیه السلام: خداوند، دوست دارد که بنده اش درباره گناه بزرگ از او [بخشش] بخواهد، و بنده ای را که گناه کوچک را سبک شمارد، دشمن می دارد.

140. الزهد، ابن مبارک به نقل از فضالة بن عبید: داوود علیه السلام از پروردگارش -عزّ وجلّ- پرسید: «... پروردگارا! مرا از محبوب ترین بندگانت باخبر ساز.»

فرمود: «قدرتمندی که به مردم رحم می کند و چنان برای مردم حکم می کند که برای خودش حکم می کند؛ و کسی که خداوند به او مالی بخشیده است. پس او در جهت رضایت خداوند و در راه فرمانبری خداوند -عزّ وجلّ-، از آن خرج می نماید؛ و کسی که جوانی و نیرویش را در راه فرمانبری از خداوند -عزّ وجلّ-، صرف می کند؛ و کسی که به دلیل

وَرَجُلٌ كَانَ قَلْبُهُ مُعَلَّقًا فِي الْمَسَاجِدِ مِنْ حُبِّهِ إِيَّاهَا، وَرَجُلٌ لَقِيَ امْرَأَةً حَسَنَاءَ فَأَمَكَّنَتْهُ مِنْ نَفْسِهَا فَتَرَكَهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَرَجُلٌ حَيْثُ كَانَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَهُ، نَفِيَّةٌ قُلُوبُهُمْ، طَيِّبٌ كَسْبُهُمْ، يَتَحَابُّونَ بِجَلَالِي، أُذَكِّرُ بِهِمْ، وَيُذَكِّرُونَ بِذِكْرِي. وَرَجُلٌ فَاضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

141. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه وآله:

ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ آوَاهُ اللَّهُ فِي كَنَفِهِ، وَسَتَرَ عَلَيْهِ بِرَحْمَتِهِ، وَأَدْخَلَهُ فِي مَحَبَّتِهِ.

قِيلَ: مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ، وَإِذَا قَدَّرَ غَفَرَ، وَإِذَا غَضِبَ فَتَرَ. (2)

142. رسول الله صلی الله علیه وآله: مَنْ سَرَّهَ أَنْ يُحِبَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَصِدُقْ حَدِيثَهُ إِذَا حَدَّثَ، وَلْيَوَدِّ أَمَانَتَهُ إِذَا اتَّيَمَّنَ، وَلْيُحْسِنِ جِوَارَ مَنْ جَاوَرَهُ. (3)

143. عيسى عليه السلام: إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَكُونُوا أَحِبَّاءَ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءَ اللَّهِ فَأَحْسِنُوا إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ، وَاعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ، وَسَدِّ لَمُوا عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْكُمْ. (4)

ص: 126

1- (1). الزهد لابن المبارك: 471/161.

2- (2). المستدرک علی الصحیحین: 433/215/1، شُعب الإيمان: 4433/105/4، [1] الفردوس: 2452/83/2 نحوه وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: 43214/808/15.

3- (3). شُعب الإيمان: 1533/201/2، [2] أسد الغابة: 3279/485/3 [3] وليس فيه «يحب الله ورسوله أو»، كنز العمال: 43278/825/15 نقلاً عن الطبراني نحوه وكلها عن عبدالرحمن بن أبي قراد.

4- (4). تحف العقول: 503، بحار الأنوار: 17/306/14. [4]

علاقه اش به مسجد همواره دلش آنجا است و مردی که زنی زیبا را ببیند که خود را در اختیارش گذاشته است، آما از ترس خدا او را واگذارد؛ و کسی که هر جا باشد، می داند خدا با اوست. اینان، دل هایشان پاک، و کسب و کارشان پاکیزه است و به سبب جلال و عظمت من، یکدیگر را دوست می دارند. دیگران به وسیله آنان مرا یاد می کنند و با یادم، آنان را یاد می نمایند. نیز کسی که از ترس خداوند-عزّ وجلّ-، چشمانش اشکبار شود.

141. المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس: رسول خدا فرمود: «هر که دارای سه صفت باشد، خداوند او را در پناه خود گیرد، رحمتش را بر او بگسترده و او را مشمول محبت خود کند».

گفتند: «ای رسول خدا! آنها چیستند؟».

فرمود: «آن که چون به او چیزی دهند، سپاس بگزارد؛ چون [بر دشمن خود] توانا شود، ببخشد؛ و چون خشمگین شود، درنگ و سستی کند».

142. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هر که شادمان می شود که خدا و پیامبرش را دوست بدارد و یا خدا و پیامبرش او را دوست بدارند، هرگاه سخن می گوید، راست بگوید و هرگاه او را امین دارند، امانتداری کند و با همسایگانش، نیک همسایه داری کند.

143. عیسی علیه السلام: اگر می خواهید دوستان و برگزیدگان خدا باشید، به آن که به شما بدی می کند، نیکی کنید و از آن که به شما ستم می کند، درگذرید و بر آن که از شما روی می گرداند، سلام دهید.



144. إرشاد القلوب: رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لِيَدَّ الْمِعْرَاجَ فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟

فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ لِي عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ، وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ. يَا مُحَمَّدُ، وَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَعَاظِفِينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِيَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ. وَلَيْسَ لِمَحَبَّتِي عِلْمٌ وَلَا غَايَةٌ وَلَا نِهَآيَةٌ، وَكُلَّمَا رَفَعْتُ لَهُمْ عِلْمًا وَضَعْتُ لَهُمْ عِلْمًا، أَوْلَيْكَ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِنَظَرِي إِلَيْهِمْ، وَلَمْ يَرَفَعُوا الْحَوَائِجَ إِلَى الْخَلْقِ، بَطُونُهُمْ خَفِيَّةٌ مِنْ أَكْلِ الْحَرَامِ، نَعِيمُهُمْ فِي الدُّنْيَا ذِكْرِي وَمَحَبَّتِي وَرِضَائِي عَنْهُمْ. (1)

145. الإمام عليّ عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا يُحِبُّبِي اللَّهُ عَلَيْهِ، وَيُحِبُّبِي الْمَخْلُوقُونَ، وَيُثْرِي اللَّهُ مَالِي، وَيُصِحِّحُ بَدَنِي، وَيُطِيلُ عُمُرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ.

فَقَالَ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ، تَحْتَاجُ إِلَى سِتِّ خِصَالٍ: إِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفِّهِ وَاتَّقِهِ. وَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ، وَارْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ. وَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ. وَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُصِحِّحَ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ.

ص: 128

144. إرشاد القلوب: از امیر مؤمنان منقول است که پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج پرسید: «پروردگارا! کدام یک از اعمال برتر است؟».

خداوند متعال فرمود: «هیچ چیز نزد من برتر از توکل به من و خشنودی به قسمت من نیست. ای محمد! دوستی ام برای آنان که به خاطر من یکدیگر را دوست می دارند، ثابت است؛ و دوستی ام برای آنان که به خاطر من به یکدیگر مهر می ورزند، ثابت است؛ و دوستی ام برای آنان که به خاطر من به یکدیگر می پیوندند، ثابت است؛ و دوستی ام برای توکل کنندگان بر من، ثابت است. برای دوستی ام، نه نشان [ثابت] و اندازه ای است، و نه فرجام و نهایی. هرگاه برایشان نشانی بردارم، نشانی دیگر بگذارم. آنان هستند که به [خاطر] نگاه من به آفریدگانم، به آنها می نگرند و نیازهایشان را نزد خلق نمی برند؛ شکم هایشان از حرامخواری سبک است؛ خوشی شان در دنیا یاد من و دوستی من و خشنودی من [از آنان] است.

145. امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «به من کاری بیاموز که با انجام دادنش، خداوند مرا دوست بدارد، آفریدگان نیز دوستم بدارند، خداوند دارایی ام را بیفزاید، تندرستم گرداند، عمرم را طولانی کند و مرا با تو محشور سازد».

حضرت فرمود: «اینها شش صفت است که نیازمند شش صفت دیگر است: هرگاه خواستی خداوند دوستت بدارد، از او بترس و تقوای او را پیشه کن؛ و هرگاه خواستی آفریدگان

وإذا أردت أن يطيل الله عمرك فصل ذوى أرحامك. وإذا أردت أن يحشرك الله معى فأطيل السجود بين يدي الله الواحد القهار. (1)

146. رسول الله صلى الله عليه وآله: المؤمن القوي خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف، وفي كل خير. إحرص على ما ينفعك، واستعين بالله، ولا تعجز. وإن أصابك شئ فلا تقل: «لو أتى فعلت كان كذا وكذا»، ولكن قل: «قدّر الله، وما شاء فعل»، فإن «لو» تفتح عمل الشيطان. (2)

147. عنه صلى الله عليه وآله: من أكثر ذكر الموت أحبّه الله. (3)

148. عنه صلى الله عليه وآله: طلب العلم فريضة على كل مسلم، إلا إن الله يحب بغاء العلم. (4)

149. عنه صلى الله عليه وآله: إن الله يحب الأبرار الأتقياء الأخفاء؛ الذين إذا غابوا لم يُفتقدوا، وإن حضروا لم يُدعوا ولم يُعرفوا، قلوبهم مصابيح الهدى، يخرجون من كل غبراء مظلمة. (5)

ص: 130

1- (1). أعلام الدين: 268، [1] المواعظ العددية: 291 نحوه، بحار الأنوار: 12/164/85. [2]

2- (2). صحيح مسلم: 34/2052/4، سنن ابن ماجة: 79/31/1، مسند ابن حنبل: 8799/295/3 [3] نحوه وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: 540/115/1.

3- (3). الكافي: 3/122/2، [4] تنبيه الخواطر: 190/2 [5] كلاهما عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 64/265/16؛ [6] المعجم الأوسط: 4894/140/5 عن عائشة.

4- (4). الكافي: 1/30/1 [7] عن عبد الرحمن بن زيد عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: 745/353/1 [8] عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: 133، [9] بحار الأنوار: 26/172/1 [10]

5- (5). سنن ابن ماجة: 3989/1321/2، المستدرک على الصحيحين: 4/44/1، المعجم الكبير: 321/154/20، كلها عن معاذ بن جبل، كنز العمال: 5947/156/3.

دوستت بدارند، به آنان نیکی کن و آنچه را در دست دارند، رها کن؛ و هرگاه خواستی خداوند دارایی ات را بیفزاید، زکات پرداز؛ و هرگاه خواستی خداوند تندرستت گرداند، بسیار صدقه بده؛ و هرگاه خواستی خداوند عمرت را طولانی کند، به دیدار خویشاوندانت برو؛ و هرگاه خواستی خداوند تو را با من محشور سازد، در برابر خدای یگانه قهار، سجده ات را طولانی کن».

146. رسول خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن نیرومند، بهتر و نزد خدا محبوب تر از مؤمن ناتوان است، گرچه در هر یک، خیری است. برای به دست آوردن آنچه برایت سودمند است، سرسختانه بکوش و از خدا یاری بخواه و از خود، عجز نشان مده، و اگر دچار مشکلی شدی، مگو: «اگر چنین می کردم، چنین و چنان می شد»؛ بلکه بگو: «این تقدیر خدا بود و هرچه خدا بخواهد، همان می شود»؛ زیرا «اگر» گفتن، راه بر کردار شیطان می گشاید.

147. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هر که بسیار یاد مرگ کند، خداوند دوستش خواهد داشت.

148. رسول خدا صلی الله علیه و آله: دانشجویی، بر هر مسلمانی واجب است.

هان! خداوند، جویندگان دانش را دوست دارد.

149. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نیکان پرهیزگار پنهان (ناشناخته) را دوست دارد؛ آنان که چون نباشند، نبودشان محسوس نیست و چون حضور یابند، فراخوانده نشوند و شناخته نگردند؛ دل هایشان چراغ های هدایت است و از [خطر] هر فضای غبارآلود و تاریک [و برخاسته از شبهه، به سلامت] بیرون می آیند.

150. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيُحِبُّ الْمُحِبِّينَ فِي الدُّعَاءِ. (1)

151. عيسى عليه السلام: كَيْفَ يَسْتَكْمِلُ حُبَّ رَبِّهِ مَنْ لَا يُقْرِضُهُ بَعْضَ مَا رَزَقَهُ؟! (2)

9/3- أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ

152. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ، وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا. (3)

153. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ، وَأَقْوَمُهُمْ بِحَقِّهِ؛ الَّذِينَ يُحِبُّونَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَفِعَالَهُ. (4)

154. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَنَصَحَ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ، وَتَمَكَّرَ فِي عُيُوبِهِ، وَأَبْصَرَ وَعَقَلَ وَعَمِلَ. (5)

155. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَيَّ الْمُتَحَابِّونَ

ص: 132

---

1- (1). شُعب الإيمان: 1108/38/2، [1] نوادر الأصول: 19/2 كلاهما عن عائشة؛ الدعوات: 15/20، جامع الأخبار: 1009/363، عوالي

اللائي: 35/223/2، [2] بحار الأنوار: 37/300/93. [3]

2- (2). تحف العقول: 507، بحار الأنوار: 17/309/14. [4]

3- (3). الكافي: 6/164/2 [5] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، نوادر الراوندي: 11، [6] الجعفریات: 193 [7] كلاهما عن

الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: 121/339/74. [8]

4- (4). تحف العقول: 49، بحار الأنوار: 110/152/77. [9]

5- (5). تنبيه الخواطر: 213/2، [10] إرشاد القلوب: 14 [11] عن سالم عن أبيه نحوه.

150. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، اصرارکنندگان و پیگیران در دعا را دوست دارد.

151. مسیح علیه السلام: چگونه کسی که برخی از آنچه را خداوند روزی اش ساخته، به او وام نمی دهد [یعنی انفاق نمی کند]، محبت پروردگارش را به کمال می رساند؟

### 9/3- محبوب ترین مردم نزد خدا

152. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خلق، نانخور خدایند، از این رو محبوب ترین خلق نزد خدا، کسی است که به نانخوران خدا سودی رساند و خانواده ای را شادمان کند.

153. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین بندگان نزد خداوند، سودمندترینشان نسبت به بندگان و پایبندترینشان نسبت به گزاردن حَقّش است؛ کسانی که خداوند، کار نیک و به جا آوردنش را محبوبشان ساخته است.

154. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین مؤمنان نزد خداوند متعال، کسی است که در راه فرمانبری خدا بکوشد، خیرخواه امت پیامبرش باشد، در عیب هایش بیندیشد و آگاه گردد، خرد ورزد و عمل کند.

155. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-تبارک و تعالی- می فرماید:

«محبوب ترین بندگانم نزد من، کسانی هستند که برای من با

من أجلى، المُتعلِّقَةُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَسَاجِدِ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، أُولَئِكَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ عِقُوبَةً ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعُقُوبَةَ عَنْهُمْ. (1)

156. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: مَلَائِكَتِي، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمُتَّقِينَ لِي بِتَوْحِيدِي وَأَنْ لَا إِلَهَ غَيْرِي، وَحَقِّي عَلَيَّ أَنْ لَا أَصِلِيَ بِالنَّارِ أَهْلَ تَوْحِيدِي. (2)

157. عنه صلى الله عليه وآله: اعْتَرَفُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ رَبِّكُمْ عَزَّوَجَلَّ وَتَوَبُوا إِلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ. (3)

158. عنه صلى الله عليه وآله: يَا رَبِّ، أَيُّ عِبَادِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ، وَيَغْضَبُونَ لِمَحَارِمِي كَمَا يَغْضَبُ التَّمْرُ إِذَا حَرَنَ. (4)

159. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامٌ عَادِلٌ. (5)

ص: 134

1- (1). مكارم الأخلاق: 2/375/2661 [1] عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: 3/86/77. [2]

2- (2). التوحيد: 31/29، الأمالى للصدوق: 469/372 [3] كلاهما عن ابن عباس، بحار الأنوار: 23/359/8. [4]

3- (3). بحار الأنوار: 8/153/48. [5]

4- (4). المتحابين في الله: 34.

5- (5). سنن الترمذی: 3/617/1329، [6] مسند ابن حنبل: 4/46/11174 و ص 11152/111، [7] السنن الكبرى: 10/152/20169

كلها عن أبي سعيد الخدری، كنز العمّال: 6/9/14607؛ روضة الواعظین: 512، [8] عوالي اللآلی: 1/83/372 [9] نحوه، بحار

الأنوار: 59/351/75. [10]

یکدیگر دوستی می کنند، دل بسته مسجدهایند و سحرگاهان به استغفار مشغول. آنان هستند که هرگاه بخواهم زمینیان را کیفری دهم، یادشان می کنم و به سبب آنان، کیفر را از زمینیان بازمی دارم».

156. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-جلّ جلاله- می فرماید: ای فرشتگانم! به عزّت و جلالم سوگند، هیچ آفریده ای نزد من محبوب تر از کسانی که به یگانگی من و این که جز من خدایی نیست، اعتراف می کنند، نیافریدم. بر من حقّ است که اهل یگانگی ام را با آتش نسوزانم.

157. رسول خدا صلی الله علیه و آله: به نعمت پروردگارتان-عزّ وجلّ-اعتراف کنید و از همه گناهاتتان به سویش توبه نمایید که خداوند، بندگان سپاسگزارش را دوست دارد.

158. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «پروردگارا! کدام بندگان نزدت محبوب ترند؟».

فرمود: «کسانی که به خاطر من با یکدیگر دوستی می کنند و چنان برای [شکسته شدن] حرمت هایم خشمگین می شوند که پلنگ سرکش، خشمگین می شود».

159. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت و نزدیکترین آنان به او، پیشوای دادگر است.



160. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا. (1)

161. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْعَبِيدِ إِلَيَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ. (2)

162. حلية الأولياء عن وهب بن منبه: قال داود عليه السلام: يا رب، أى عبادك أحب إليك؟ قال: مؤمن حسن الصلاة. قال: يا رب، أى عبادك أبغض إليك؟ قال: كافر حسن الصورة؛ كفر هذا وشكر هذا. (3)

163. تفسير الطبرى عن ابن عباس: سأل موسى ربه وقال: رب، أى عبادك أحب إليك؟

قال: الذى يذكُرْنى ولا يئسانى. (4)

164. الإمام على عليه السلام - لكميل بن زياد -: يا كميل، إن أحب ما تمتلئه العباد إلى الله - بعد الإقرار به وبأوليائه - التّعفف، والتحمّل، والإصطبار. (5)

165. عنه عليه السلام - فى بيان صفات المؤمنين -: عباد الله، إن من أحب عباد الله إليه عبداً أعانه الله على نفسه، فاستشعر الحزن وتجلّب

ص: 136

1- (1) . الجعفریات: 238 [1] عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: 24/68/8، [2] الفقيه: 5884/408/4 كلاهما عن أبى حمزة الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: 13/136/78. [3]

2- (2) . المستدرک على الصحيحين: 5182/303/3، المعجم الكبير: 53/37/20، مسند الشهاب: 1298/252/2 كلها عن معاذ بن جبل، كنز العمال: 7478/472/3؛ التحصين لابن فهد: 34/19.

3- (3) . حلية الأولياء: 55/4.

4- (4) . تفسير الطبرى: 9/الجزء 277/15، [4] تفسير البيضاوى: 27/3، [5] تفسير الدر المنثور: 419/5 [6] نقلاً عن الخطيب وابن عساكر؛ بحار الأنوار: 281/13. [7]

5- (5) . تحف العقول: 173، بحار الأنوار: 38/414/77. [8]

160. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین شما نزد خداوند، نیک‌ کردارترین شماست.

161. رسول خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین بندگان نزد خداوند-تبارک و تعالی-، پرهیزگارانِ پنهان (ناشناخته) هستند.

162. حلیة الاولیاء به نقل از وهب بن منبّه: داوود علیه السلام گفت:

«پروردگارا! کدام یک از بندگان نزدت محبوب تر است؟».

فرمود: «مؤمنِ خوش نماز».

پرسید: «پروردگارا! کدام یک از بندگان را بیشتر دشمن می داری؟».

فرمود: «کافرِ خوش چهره؛ این یک، کفر ورزیده است و آن یک، سپاس گزارده است».

163. تفسیر الطبری به نقل از ابن عباس: موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و گفت: «پروردگارا! کدام یک از بندگان نزدت محبوب تر است؟».

فرمود: «آن که به یاد من است و فراموشم نمی کند».

164. امام علی علیه السلام -به کمیل بن زیاد-: ای کمیل! محبوب ترین چیزی که بندگان، پس از اقرار به خدا و اولیایش، به درگاهش پیش می آورند، خویشنداری، تحمل و شکیبایی است.

165. امام علی علیه السلام -در بیان صفت های پرهیزگاران-: ای بندگان خدا! محبوب ترین بندگان نزد خداوند، بنده ای است که خداوند، او را بر نفس خود یاری داده است. پس اندوه را

الْخَوْفَ؛ فَرَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ، وَأَعَدَّ الْقِرَى (1) لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ، فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبَعِيدَ، وَهَوَّنَ الشَّدِيدَ. (2)

166. عنه عليه السلام: مَنْ مَقَّتْ نَفْسَهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ. (3)

167. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْعَالِمَ الْفَقِيهَ الرَّاهِدَ الْخَاشِعَ الْحَيَّ الْعَلِيمَ الْحَسَنَ الْخُلُقِ الْمُقْتَصِدَ الْمُنْصِفَ. (4)

168. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ. (5)

169. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْخَلْقِ أَفْضَاهُمْ بِالْحَقِّ، وَأَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَفْوَلُهُمْ لِلصِّدْقِ. (6)

170. الإمام زين العابدين عليه السلام - في دُعَائِهِ فِي الْإِعْتِرَافِ -: أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا... تَوْبَةً... عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ... وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانَبَ الْإِصْرَارَ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ. (7)

ص: 138

1- (1). القرى - بالكسر - : ما يهيباً للضعيف، وهو هنا العمل الصالح يهيئه للقاء الموت وحلول الأجل (هامش المصدر ضبط صبحي الصالح).

2- (2). نهج البلاغة: الخطبة: 87، [1] غرر الحكم: 3577، [2] بحار الأنوار: 36/56/2. [3]

3- (3). غرر الحكم: 7897. [4]

4- (4). مطالب السؤول: 48؛ [5] بحار الأنوار: 56/6/78. [6]

5- (5). الكافي: 1/113/5 [7] عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الفقيه: 3580/158/3، تحف العقول: 111، بحار الأنوار: 1/100/10. [8]

6- (6). غرر الحكم: 3323. [9]

7- (7). الصحيفة السجادية: 55 الدعاء 12. [10]

زیرپوش و ترس را بالا پوش خود قرار داده و در نتیجه، چراغ هدایت، در دلش درخشیده و برای میزبانیِ روزی که به سراغش می آید، خود را مهیّا ساخته است. پس دور را بر جان خود نزدیک، و سخت را آسان نموده است.

166. امام علی علیه السلام: هرکه نفس خود را دشمن بدارد، خداوند، دوستش خواهد داشت.

167. امام علی علیه السلام: خداوند متعال، مؤمنِ دانایِ ژرف اندیشِ پارسایِ فروتنِ آزرمگینِ دانشورِ خوش خویِ میانه رو با انصاف را دوست دارد.

168. امام علی علیه السلام: خداوند-عزّوجلّ-، پیشه ورِ درستکار را دوست دارد.

169. امام علی علیه السلام: محبوب ترین خلق، راستگوترینشان است.

170. امام سجّاد علیه السلام-ضمن نیایش در اعتراف به قصور و تقصیر-:

در این جایگاهم به سویت توبه می کنم؛ توبه کسی که می داند گذشت از گناه بزرگ، بر تو دشوار و بزرگ نمی نماید... و این که محبوب ترین بندگانت نزدت، کسی است که گردنِ فرازی در برابر تو را واگذارد و پافشاری [بر گناه] را رها کند و پایبند استغفار گردد.

171. عنه عليه السلام: إِنَّ أَحَبَّ عِبِيدِي إِلَى النَّبِيِّ الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ، اللَّازِمُ لِلْعُلَمَاءِ، التَّابِعُ لِلْحُلَمَاءِ، الْقَابِلُ عَنِ الْحُكَمَاءِ. (1)

172. الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ، مُحَافِظٌ عَلَى صَلَوَاتِهِ وَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (2)

173. الإمام الباقر عليه السلام: لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسَأَلُهُمْ. (3)

ص: 140

---

1- (1). الكافي: 5/35/1 [1] عن أبي حمزة، بحار الأنوار: 109/185/1. [2]

2- (2). الأمل للصدوق: 467/371، [3] الاختصاص: 242 كلاهما عن الحسين بن أبي العلاء، مشكاة الأنوار: 53 و ص 82، [4] اروضة الواعظين: 408، [5] بحار الأنوار: 4/114/75. [6]

3- (3). مكارم الأخلاق: 2276/97/2، [7] بحار الأنوار: 9/346/93. [8]

171. امام سجّاد علیه السلام [خداوند متعال می فرماید]: محبوب ترین بندگانم نزد من، شخص پرهیزگارِ جویندهٔ پاداشِ بسیار، ملازمِ عالمان، پیرو بردباران، و پذیرنده از حکیمان است.

172. امام صادق علیه السلام: محبوب ترین بندگان نزد خداوند -عزّ وجلّ-، کسی است که در گفتارش راستگوست و مواظب نمازهای خود و واجباتی است که خداوند، بر او واجب داشته و امانتدار است.

173. امام باقر علیه السلام: هیچ یک از نیازهای کوچک خود را حقیر مشمارید [نیازهای کوچک خود را نیز از خدا بخواهید]؛ زیرا محبوب ترین مؤمنان نزد خداوند متعال، کسی است که بیشتر از همه از او درخواست می کند.



آنچه در این فصل آمده، به روشنی دلالت دارد که عقاید، اخلاق و اعمال شایسته، موجب محبت آفریدگار به آفریده خود می‌گردد و از آنجا که تغییر و تحول در ذات مقدس خداوند متعال راه ندارد، این سؤال مطرح می‌شود که معنای محبت خدا نسبت به انسان چیست؟

در پاسخ به این سؤال، برخی گفته‌اند:

مَحَبَّةُ اللَّهِ لِلْعِبَادِ إِنْعَامُهُ عَلَيْهِمْ وَأَنْ يُؤَفِّقَهُمْ لِمَطَاعَتِهِ وَيَهْدِيَهُمْ لِدِينِهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ، وَحُبُّ الْعِبَادِ لِلَّهِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَلَا يَعُصُوهُ.

محبت خدا نسبت به بندگان، آن است که به آنان نعمت می‌بخشد و به فرمانبری از خود، توفیقشان می‌دهد و به دینی که پسندیده اوست، هدایتشان می‌کند. دوستی بندگان نسبت به خداوند نیز آن است که از او فرمانبری کنند و نافرمانی اش نکنند. (1)

نیز گفته‌اند:

مَحَبَّةُ اللَّهِ صِدْقَةٌ مِنْ صِدْقَاتِ فِعْلِهِ، فَهِيَ إِحْسَانٌ مَخْصُوصٌ يَلِيْقُ بِالْعَبْدِ، وَأَمَّا مَحَبَّةُ الْعَبْدِ لِلَّهِ تَعَالَى فَحَالَةٌ يَجِدُهَا فِي قَلْبِهِ، يَحْصُلُ مِنْهَا التَّعْظِيمُ لَهُ وَإِثَارُ رِضَاةٍ وَالِاسْتِنَاسِ بِذِكْرِهِ.

ص: 143



محبت خدا، صفتی از صفات فعل اوست و احسان ویژه ای است که شایسته بندگان است. اما محبت بنده نسبت به خدا، حالتی است که در قلب بنده پدیدار می شود که بر اثر آن، بزرگداشت خداوند و مقدم شمردن رضای او و انس گرفتن به یادش، حاصل می گردد. (1)

انصاف این است که برای تبیین معنای محبت آفریدگار به آفریده، باید دید که مقصود از محبت آفریده به آفریدگار چیست؟

«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُنْزِلُ الْعَبْدَ مِنْهُ حَيْثُ أَنْزَلَهُ مِنْ نَفْسِهِ»

خداوند بنده را نسبت به خود، در جایگاهی قرار می دهد که وی، خدا را بدان گونه در جان خویش قرار دهد. (2)

محبت دسته ای از اهل ایمان نسبت خداوند متعال، به معنای اطاعت از او و ترک نافرمانی اوست. اینان، در واقع از نعمت محبت او برخوردار نیستند. عبادات آنها بر مبنای محبت نیست؛ بلکه بر اساس خوف و خشیت است. (3) محبت خداوند متعال نسبت به این طایفه نیز به معنای توفیق کارهای نیک در دنیا و پاداش بهشت در آخرت است.

اما در میان بندگان خدا کسانی هستند که هر چند اندک شمارند، حقیقتاً خدا را دوست دارند. اطاعت آنها از خدا از ترس دوزخ و یا طمع بهشت نیست؛ بلکه به دلیل عشق و علاقه آنها به خداست. (4)

ص: 144

---

1- (1). مجمع البحرین: ج 1، ص 348.

2- (2). بنگرید به: ص 193 ( [1] معیار جایگاه بنده نزد خدا).

3- (3). بنگرید به: ص 53 (پرستش دوستداران).

4- (4). بنگرید به: ص 53 ( [2] پرستش دوستداران).

آنان که در مقام نیایش می گویند:

«سَيِّدِي... أَنَا مِنْ حُبِّكَ ظَمَأُنُ لَا أُرْوِي؛

سرورم! من از محبتت تشنه ای هستم که سیراب نمی شوم»؛ (1)

...و

«مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ!»

طعم محبتت، چه شیرین است!...»

«يَا نِعْمَى وَجَنَّتِي!»

ای نعمت و بهشت من! (2)...

«فَهَبْنِي - يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي - صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؛

خدایا! گیرم که بر عذابت صبر کردم، بر فراق چگونه صبر کنم؟» (3) و...

محبت خدا نسبت به این طایفه، مفهومی دیگر دارد. معنا و مفهوم واقعی این دو نوع محبت را تنها کسانی می توانند درک کنند که به آن رسیده باشند. هر سخنی در تبیین و تفسیر محبت حقیقی آفریده به آفریدگار و بالعکس، ناقص و نارساست. بهترین بیان در توضیح آثار این محبت، همان است که در حدیث «قرب نوافل»، آمده است. (4)

ص: 145

---

1- (1). بنگرید به: ص 53، ح 16 (کاملان در خدا دوستی).

2- (2). در مفاتیح الجنان، [1] مناجات المریدین.

3- (3). بنگرید به: دوستی در قرآن و حدیث: ص 289، ح 914. [2]

4- (4). بنگرید به: مصباح المتهدّج: ص 847.

فقیه و محقق بزرگوار، شیخ بهایی؛ درباره این حدیث می فرماید:

سند این حدیث صحیح است و از احادیث مشهور میان شیعه و اهل سنت به شمار می رود که آن را با تغییری اندک در کتب صحاح خود روایت کرده اند.

و در تبیین جمله «او با انجام دادن نوافل به من نزدیک و نزدیک تر می شود تا آنجا که او را دوست می دارم» می گوید:

نوافل، همه اعمال غیر واجبی است که برای خدا سبحان به جای آورده می شود؛ لیکن تخصیص آن به نمازهای مستحبی، عارضی و حاصل استعمال عرف است. معنای محبت خدای سبحان نسبت به بنده، توفیق دادن او برای دوری جستن از سرای فریب و ترقی به سوی عالم نور، و انس گرفتن به خدا و وحشت از ماسوای او و یکی شدن همه اندیشه ها و هموم است. یکی از عارفان می گوید: «اگر می خواهی مقام خود را بشناسی، بنگر تو را در کجا جای داده است».

و نیز در توضیح گفتار خداوند متعال در حدیث قدسی که

«فَإِذَا أَحَبَبْتَهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ...؛ پس چون او را دوست بدارم، گوش شنوایش خواهم بود...» (1) می گوید:

صاحب دلان را در این مقام، کلماتی ارجمند، اشاراتی رمزی و تلویحاتی ذوقی است که مشام جان ها را می نوازد و معطر

ص: 146

---

1- (1). بنگرید به: صحیح البخاری: ج 5، ص 2385، ح 6137.

می کند و استخوان های پوسیده را زنده می سازد که تنها آنان که تن خود را با ریاضت خسته کرده و جانشان را با مجاهدت رنجه ساخته اند و مشرب آنان را دریافته و مقصود و مطلبشان را فهمیده اند، به معانی و ژرفایش دست می یابند.

لیکن کسی که به سبب دل بستن به بهره های دنیوی و فرورفتن در لذات جسمانی، این رمزها را دریافته و به این گنجینه ها راه نبرده است، به هنگام شنیدن این سخنان، در آستانه خطر بزرگی، همچون فرورفتن در تاریکی های الحاد و در افتادن در پرتگاه های حلول و اتحاد است؛ تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً.

ما در این مقام، به گونه ای که دریافت آن بر اذهان آسان باشد، می گوئیم که در این تعبیرات، مبالغه در قرب و بیان چیرگی سلطان محبت بر ظاهر و باطن و پیدا و پنهان بنده است. بنابراین، مقصود-والله اعلم- آن است که چون بنده ام را دوست بدارم، او را به جایگاه انس خود فرا می کشم و به عالم قدس برمی آورم و اندیشه اش را در اسرار ملکوت، غرقه و حواسش را منحصر به برگرفتن انوار آن می کنم. در نتیجه، قدمش در مقام قرب استوار می گردد و گوشت و خونس با محبت درمی آمیزد، تا آن که خود را فراموش کند و از حسّ خود غافل گردد و اغیار در برابرش از میان بروند تا آن جا که به منزله چشم و گوش او گردد» (1).

ص: 147

---

1- (1). الأربعون، شیخ بهایی، تخریج و تصحیح عبدالرحیم عقیقی بنخشایشی: ص 689، ح 35.

الكتاب

«مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» . (1)

«كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ \* وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ» . (2)

الحديث

174. عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدِمَ رَبَّيْنِ، وَلَا مَحَالَةَ أَنْهُ يُؤَثِّرُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخِرِ وَإِنْ جَهَدَ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا. (3)

ص: 148

---

1- (1). الأحزاب: 4. [1]

2- (2). القيامة: 20 و 21. [2]

3- (3). تحف العقول: 503، بحار الأنوار: 14/307/17. [3]

قرآن

«خداوند در درون هیچ مردی دو قلب نهاده است».

«چنین نیست که شما می پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی دانید)؛ بلکه شما دنیایِ زودگذر را دوست دارید (و هوس های بی قید و شرط را) و آخرت را وامی نهید».

حدیث

174. عیسی علیه السلام: به حق برایتان می گویم: بنده نمی تواند خدمتگزار دو پروردگار باشد و هرچه بکوشد، باز یکی را بر دیگری ترجیح خواهد داد. همچنین خدا دوستی و دنیا دوستی، برای شما جمع نخواهد شد.

ص: 149

175. مسكن الفؤاد: فى أخبار داود عليه السلام: ما لأولياى والهَمَّ بالدنيا؟! إنَّ الهَمَّ يذهبُ حلاوةَ مُناجاتى فى قلوبهم. يا داودُ، إنَّ محبَّتى من أولياى أن يكونوا روحانيين لا يعتَمونَ. (1)

176. إرشاد القلوب فى حديث المعراج -قال الله تعالى-: يا أحمدُ، لو صَلَّى العبدُ صلاةَ أهلِ السماءِ والأرضِ، وصامَ صيامَ أهلِ السماءِ والأرضِ، وطوى من الطعامِ مثلَ الملائكةِ، ولبسَ لباسَ العارى، ثمَّ أرى فى قلبه من حُبِّ الدنيا ذرَّةً أو سُمعتِها أو رنَّاسَتِها أو حُلِيَّها أو زينَتِها لا يُجاورُنى فى دارى، ولا نزعَنَّ من قلبه محبَّتى، وعليك سلامى ومحبَّتى. (2)

177. الإمام على عليه السلام: كما أنَّ الشمسَ والليلَ لا يجتمعانِ كذلك حُبُّ الله وحُبُّ الدنيا لا يجتمعانِ. (3)

178. عنه عليه السلام: من أحبَّ لقاءَ الله سبحانه سلا عن الدنيا. (4)

179. عنه عليه السلام -فى الحكَم المنسوبةِ إليه-: حُبُّ الرئاسةِ شاغلٌ عن حُبِّ الله سبحانه. (5)

180. الإمام زين العابدين عليه السلام -فى دُعائه-: وانزعَ من قلبى حُبَّ دُنيا دنيَّة؛ تنهى عَمَّا عندك، وتصدُّ عن ابتغاءِ الوسيلةِ إليك، وتُذهِلُ

ص: 150

1- (1). مسكن الفؤاد: 80، بحار الأنوار: 26/143/82. [1]

2- (2). إرشاد القلوب: 206. [2]

3- (3). غرر الحكم: 7219، 8425. [3]

4- (4). غرر الحكم: 7219، 8425. [4]

5- (5). شرح نهج البلاغة: 519/307/20. [5]

175. مسکن الفؤاد: در اخبار داوود علیه السلام [از زبان خداوند] آمده است:

دوستانم را با اندیشه دنیا چه کار؟ این اندیشه، شیرینی مناجاتم را از دل هایشان می زداید. ای داوود! محبت دوستانم به من، در گرو آن است که اهل معنویت باشند و [برای دنیا] غمگین نباشند.

176. إرشاد القلوب در حدیث معراج: خداوند متعال فرمود:

ای احمد! اگر بنده ای به مقدار نماز آسمانیان و زمینیان، نماز بخواند و به مقدار روزه آسمانیان و زمینیان، روزه بگیرد و همچو فرشتگان، از خوردن باز ایستد و چون برهنگان لباس بپوشد، آن گاه ذره ای دوستی دنیا یا شهرت یا ریاست و یا زیب و زیور آن را در قلبش ببینم، در خانه ام همسایه من نخواهد بود و محبتم را از قلبش برخواهم کند. سلام و محبت من بر تو باد!

177. امام علی علیه السلام: همچنان که خورشید و شب با یکدیگر جمع نمی شوند، خدادوستی و دنیادوستی با یکدیگر جمع نمی شوند.

178. امام علی علیه السلام: هر که دوستدار دیدار خداوند سبحان شود، دنیا را فراموش می کند.

179. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان -:

ریاست دوستی، از دوستی خدای سبحان باز می دارد.

180. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش -: دوستی دنیای پست را از قلبم برگن که از آنچه نزد توست، باز می دارد و مانع طلب وسیله برای



عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. (1)

181. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا، وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ، وَكَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُوِلَطَ (2)، وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتِغَلُوا بِغَيْرِهِ. (3)

182. عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمْ الْعَالِمَ مُجِبًّا لِدُنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُجِبِّ لَشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ.

وقال صلى الله عليه وآله: أوحى الله إلى داود عليه السلام: لا تجعل بيني وبينك عالماً مفتوناً بالدنيا؛ فيصدك عن طريق محبتي؛ فإن أولئك قُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ. إن أدنى ما أنا صانع بهم أن أنزع حلاوة مناجاتي عن قلوبهم. (4)

2/4- مَنْ لَا يُحِبُّهُمُ اللَّهُ

الكتاب

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». (5)

ص: 152

1- (1). الصحيفة السجادية: 197 الدعاء 47. [1]

2- (2). خولط فلان في عقله مخالطة: إذا اختل عقله (النهاية: 64/2). [2]

3- (3). الكافي: 10/130/2 [3] عن عبد الله بن القاسم، مشكاة الأنوار: 121 [4] نحوه، بحار الأنوار: 28/56/73. [5]

4- (4). الكافي: 4/46/1، [6] علل الشرايع: 12/394 [7] كلاهما عن حفص بن غياث، منية المرید: 138، [8] مشكاة الأنوار: 140،

[9] بحار الأنوار: 7/107/2 و 8. [10]

5- (5). البقرة: 190، [11] وراجع المائدة: 87، [12] الأعراف: 55. [13]

رسیدن به تو می گردد و نزدیک شدن به تو را از یاد می برد.

181. امام صادق علیه السلام: هرگاه مؤمن خود را از دنیا خالی کند، والا گردد و شیرینی دوستی خدا را دریابد و از نظر اهل دنیا، گویی دیوانه به شمار آید؛ حال آن که شیرینی دوستی خدا، با اینان در آمیخته است و در نتیجه، به کسی جز او نمی پردازند.

182. امام صادق علیه السلام: هرگاه عالمی را دوستدار دنیایش دیدید، در دین خود، به او اعتماد مکنید؛ زیرا هر که دوستدار چیزی باشد، فقط آنچه را که دوست دارد، را حفظ می کند.

نیز [حضرت] فرمود: خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که میان من و خودت، عالمی دلباخته دنیا قرار مده، که تو را از طریق محبتم باز می دارد. در حقیقت، اینان راهزنان راه بندگان خواستارم هستند. کمترین کیفری که به آنان می دهم، آن است که شیرینی مناجات با خودم را از دل هایشان برمی دارم.

#### 2/4- آنان که خدا دوستشان ندارد

قرآن

«خداوند، تجاوزکاران را دوست ندارد».

ص: 153

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ». (1)

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ». (2)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا». (3)

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ». (4)

«إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». (5)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ». (6)

«إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ». (7)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ». (8)

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ». (9)

«إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ». (10)

ص:154

1- (1). البقرة:276. [1]

2- (2). آل عمران:57، [2] وراجع آل عمران:67، الشورى:40. [3]

3- (3). النساء:107. [4]

4- (4). المائدة:64، [5] وراجع القصص:77. [6]

5- (5). الأنعام:141، [7] الأعراف:31. [8]

6- (6). الأنفال:58. [9]

7- (7). النحل:23. [10]

8- (8). الحج:38. [11]

9- (9). القصص:76. [12]

10- (10). الروم:45. [13]

«خداوند، هیچ ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد».

«خداوند، ستمکاران را دوست ندارد».

«خداوند، کسی را که خیانتکار و گنهکار است، دوست ندارد».

«خداوند، مفسدان را دوست ندارد».

«خداوند، مسرفان را دوست ندارد».

«خداوند، خائنان را دوست ندارد».

«خداوند، مستکبران را دوست ندارد».

«خداوند، هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد».

«قارون از قوم موسی بود که بر آنان ستم ورزید و ما از گنجینه ها، آن قدر به او داده بودیم که [حمل] کلیدهای آن بر یک گروه نیرومند مشکل بود ( به خاطر آوردن)، آن گاه که قوم وی به او گفتند: سرمست مشو که خدا، سرمستان را دوست ندارد».

«خداوند، کافران را دوست ندارد».

«وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ». (1)

3/4- مَن يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ

183. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يكلمهم الله ولا ينظر إليهم: أمير جائر، وشيخ زان، وعابد متكبر. (2)

184. مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبد الله: بلغني عن أبي ذر حديث، فكننت احب أن ألقاه، فلقيته، فقلت له: ...بلغني أنك تقول:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؟ قَالَ: نَعَمْ، فَمَا أَخَالَنِي أَكْذِبُ عَلَى خَلِيلِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ-ثَلَاثًا يَقُولُهَا-... قُلْتُ: مَنِ الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ؟ قَالَ: «الْفَخُورُ الْمُخْتَالُ؛ وَأَنْتُمْ تَجِدُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا»»،

وَالْبَخِيلُ الْمَتَّانُ، وَالتَّاجِرُ وَالبَّيَاعُ الحَلَّافُ». (3)

ص: 156

1- (1). لقمان: 18، [1] وراجع: الحديد: 23. [2]

2- (2). تنبيه الخواطر: 121/2، [3] تفسير العياشي: 1/68/179 [4] عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.

3- (3). مسند ابن حنبل: 8/126/21586، [5] المستدرک على الصحيحين: 2/98/2446، السنن الكبرى: 9/269/18501 كلاهما نحوه، كنز العمال: 16/104/44073.

«از مردم [از سر تکبر] رخ بر متاب و در زمین، متکبران راه مرو که خداوند، هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد».

#### 3/4- آنان که خدا دشمنشان می دارد

183. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به سه تن نمی نگردد و با آنان سخن نمی گوید: پیشوای ستمکار، پیر زناکار و عابد متکبر.

184. مسند ابن حنبل به نقل از مطرف بن عبدالله: از ابوذر حدیثی برایم نقل کرده بودند که دوست داشتم برای آن ببینمش. پس او را دیدم و به او گفتم: «شنیده ام که گفته ای:

شنیدم رسول خدا می فرمود: خداوند -عزّ وجلّ-، سه تن را دوست و سه تن را دشمن می دارد؟».

پاسخ داد: «آری. گمان ندارم که بر دوستم محمد صلی الله علیه و آله دروغ ببندم» (و این جمله را سه بار تکرار کرد)...

پرسیدم: «آن سه تن که خداوند دشمنشان می دارد، کیستند؟».

گفت: «فخر فروش متکبر، که شما در کتاب خدای -عزّ وجلّ- می خوانید "خداوند، هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد، بخیل منت گذار و بازرگان و فروشنده سوگند خوار».

ص: 157

185. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ: الْمَنَّانُ بِصَدَقَتِهِ، وَالْمُقْتِرُ مَعَ سَعَتِهِ، وَالْفَقِيرُ الْمُسْرِفُ. (1)

186. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ، وَالْغَنِيَّ الظَّلُومَ، وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ، وَالسَّائِلَ الْمُلْحِفَ. وَيُحِبُّ أَجْرَ الْمُعْطَى الْمَتَّانِ.

وَيَمُقُّ الْبَذِيخَ الْجَرِيَّ الْكَذَّابَ. (2)

187. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يُقَاتِلُ. (3)

188. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ الْمُعْبَسَّ فِي وُجُوهِ إِخْوَانِهِ. (4)

189. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ الْبَخِيلَ فِي حَيَاتِهِ، السَّخِيَّ عِنْدَ مَوْتِهِ. (5)

190. عنه صلى الله عليه وآله: خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ، وَخُلِقَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ؛ فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ وَالسَّمَاحَةُ. وَأَمَّا اللَّذَانِ يُبْغِضُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى

ص: 158

1- (1). تنبيه الخواطر: 121/2. [1]

2- (2). تحف العقول: 42، بحار الأنوار: 46/145/77. [2]

3- (3). عيون أخبار الرضا عليه السلام: 24/28/2 [3] عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تهذيب الأحكام: 280/157/6 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام، مشكاة الأنوار: 236 [4] عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: 8/196/79. [5]

4- (4). الفردوس: 555/153/1 عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: 7350/441/3.

5- (5). البخلاء للخطيب: 44 عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: 7376/447/3؛ أعلام الدين: 295، [6] بحار الأنوار: 8/173/77.

[7]

185. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، سه تن را دشمن می دارد: کسی که منت گذارانه صدقه می دهد؛ آن که در عین دارایی، در خرجی دادن تنگ می گیرد؛ و فقیر و لخرج.

186. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، پیر زناکار، دولتمند ستمکار، فقیر متکبر و گدای سیمج را دشمن می دارد و پاداشِ بخشنده منت گذار را از میان می برد و متکبر گستاخ دروغگو را سخت دشمن می دارد.

187. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، کسی را که به خانه اش یورش برند و او [در دفاع از خانواده اش] نجنبند، دشمن می دارد.

188. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-عزّ و جلّ-، کسی را که برابر برادرانش روی در هم می کشد، دشمن می دارد.

189. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، کسی را که در زندگی اش بخیل است و به هنگام مرگش بخشنده می شود، دشمن می دارد.

190. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، دو خوی را دوست دارد و دو خوی را دشمن می دارد. آن دو خوی که خداوند دوستشان می دارد، بخشندگی و آسانگیری است، و آن دو که خداوند متعال



فَسَوْءُ الْخُلُقِ وَالْبُخْلِ. وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا اسْتَعْمَلَهُ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ النَّاسِ. (1)

191. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مِطْلَاقٍ ذَوَاقٍ. (2)

192. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ...عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ. (3)

193. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ مُبْتَدِعٍ. (4)

194. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ سَأَلَ رَبَّهُ وَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ: «يَا رَبِّ، أَيْنَ ذَهَبْتُ أَوْذَيْتُ!» فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا مُوسَى، إِنَّ فِي عَسْكَرِكَ غَمَّازًا. فَقَالَ: يَا رَبِّ، ذُلَّنِي عَلَيْهِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: إِنِّي ابْغِضُ الْغَمَّازَ فَكَيْفَ أُغَمِّزُ؟! (5)

195. عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُحِبُّ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ. (6)

196. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَانَ، السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَيَّ

ص: 160

1- (1). شُعَبُ الْإِيمَانِ: 6/117/7659 و ج 7/426/10839، [1] الفردوس: 2/199/2989 نحوه وكلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: 6/351/16014.

2- (2). الكافي: 6/455/4 [2] عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- (3). السنن الكبرى: 10/327/20804، موارد الزمان: 485/1975 نحوه، كنز العمال: 10/188/28982 نقلاً عن الحاكم في تاريخه وكلها عن أبي هريرة.

4- (4). كنز العمال: 1/388/1676 نقلاً عن ابن عساكر عن أنس.

5- (5). صحيفة الرضا عليه السلام: 68/113، بحار الأنوار: 75/293/1. [3]

6- (6). الخصال: 176/235 عن أبي هريرة، الكافي: 2/324/4 [4] عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.

دشمنشان می دارد، بداخلاقی و بُخل است. هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد، او را به برآوردن نیازهای مردم، به کار و می دارد.

191. امام باقر علیه السلام: خداوند -عزّ وجلّ-، هرکس را که زود به زود طلاق می دهد و همسر عوض می کند، دشمن می دارد.

192. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر دانای به دنیا و نادان نسبت به آخرت را دشمن می دارد.

193. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر بدعتگذاری را دشمن می دارد.

194. رسول خدا صلی الله علیه و آله: موسی بن عمران، از پروردگارش مسئلت کرد و دستانش را به دعا برداشت و گفت: «پروردگارا! هر جا که رفتم، آزارم دادند».

خداوند به او وحی کرد: «ای موسی! در میان لشکرت سخن چینی هست».

موسی گفت: «پروردگارا! او را به من بنما»؟

خداوند متعال به او وحی کرد: «من سخن چین را دشمن می دارم؛ پس چگونه خودم سخن چینی کنم؟».

195. رسول خدا صلی الله علیه و آله: از سخن زشت و ناسزا پرهیز که خداوند -عزّ وجلّ-، بد زبان ناسزاگوی را دشمن می دارد.

196. امام باقر علیه السلام: خداوند، شخص لعنت کننده دشنام دهنده،

المؤمنين، الفاحش، المتفحش، السائل الملحف. (1)

197. رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله يبغض ابن السبعين في هيئة ابن عشرين؛ في مشيئه ومنظره. (2)

198. الإمام الصادق عليه السلام: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل يبغض المؤمن الضعيف الذي لا دين له. فقيل له: وما المؤمن الذي لا دين له؟ قال: الذي لا ينهي عن المنكر. (3)

199. الإمام علي عليه السلام: إن الله سبحانه يبغض الوقح المتجرب على المعاصي. (4)

200. عنه عليه السلام: إن الله سبحانه يبغض الطويل الأمل السيئ العمل. (5)

201. الخصال عن ابن أبي عمير (عن) الحسين بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام: إن الله عز وجل يبغض الغني الظلوم، والشيخ الفاجر، والصعلوك المختال. ثم قال: أتدرى ما الصعلوك المختال؟

فقلنا: القليل المال.

ص: 162

1- (1). تحف العقول: 300، تفسير العياشي: 63/48/1 [1] وليس فيه «الفاحش»، تفسير مجمع البيان: 298/1 كلاهما عن جابر، مشكاة الأنوار: 189، [2] بحار الأنوار: 67/181/78. [3]

2- (2). المعجم الأوسط: 5782/57/6 عن أنس، كنز العمال: 7731/525/3.

3- (3). الكافي: 15/59/5 [4] عن مسعدة بن صدقة، المحاسن: 619/311/1 [5] نحوه.

4- (4). غرر الحكم: 3437. [6]

5- (5). غرر الحكم: 3455. [7]

طعنه زن به مؤمنان، بدزبان ناسزاگویی و گدای سیمج را دشمن می دارد.

197. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، آدم هفتاد ساله ای را که در رفتار و جلوه، چون جوان بیست ساله است، دشمن می دارد.

198. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند-عزّ وجلّ-، مؤمن ناتوانی را که دین ندارد، دشمن می دارد». به ایشان گفتند:

«مؤمنی که دین ندارد، کیست؟».

فرمود: «آن که نهی از منکر نمی کند».

199. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، شخص بی شرم گستاخ بر گناهان را دشمن می دارد.

200. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، شخص دراز آرزوی بدکار را دشمن می دارد.

201. الخصال به نقل از حسین بن عثمان - از امام صادق علیه السلام:-

خداوند-عزّ وجلّ-، دولت مند ستمکار، پیر زناکار و صُعلوکِ فخر فروش را دشمن می دارد».

سپس فرمود: «می دانی صُعلوکِ فخر فروش کیست؟».

گفتیم: «شخص مستمند است؟».

فرمود: «نه، کسی است که با بخشیدن پاره ای از اموالش،

قال: لا، هو الذي لا يتقرب إلى الله عز وجل بشيء من ماله. (1)

202. الإمام علي عليه السلام: إن الله يغيض العبدَ فاغراً (2) فاهُ ويقول: اللهم ارزقني، ويترك الطلب. (3)

203. من لا يحضره الفقيه: قيل للصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام: بلغنا أن رسولَ الله صلى الله عليه وآله قال: «إنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُغِيضَ الْبَيْتَ اللَّحِمَ، وَاللَّحِمَ السَّمِينِ!»

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا لَنَا كُلُّ اللَّحْمِ وَنُحْبُهُ، وَإِنَّمَا عَنَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْتَ الَّذِي تُؤَكِّدُ فِيهِ لُحُومَ الدَّاسِ بِالْغِيَّةِ، وَعَنَى بـ «اللَّحِمِ السَّمِينِ» الْمُنْبَخْتِرَ الْمُخْتَالَ فِي مَشِيئِهِ. (4)

204. الإمام الصادق عليه السلام: إذا أبغض الله عبداً حبَّب إليه المال، ويسط له الآمال، وألهمه دنياه، ووكله إلى هواه؛ فركب العناد، وبسط الفساد، وظلم العباد. (5)

205. الإمام الكاظم عليه السلام: إن الله جلَّ وعزَّ يغيض العبدَ التَّوَّامَ الفارغ. (6)

ص: 164

1- (1). الخصال: 19/87، الأصول الستة عشر: 109 عن الحسين بن مختار وفيه «المحتال» بدل «المختال» في كلا الموضعين، بحار الأنوار: 19/65/72.

2- (2). فَعَرَفَ فَاهُ: أَي فَتَحَهُ (لسان العرب: 59/5). [1]

3- (3). عوالى اللالكى: 66/22/4، [2] الفقيه: 3721/192/3 عن علي بن عبد العزيز نحوه.

4- (4). الفقيه: 4231/350/3، وراجع الكافي: 6/309/6، [3] بحار الأنوار: 26/232/73. [4]

5- (5). أعلام الدين: 278، [5] بحار الأنوار: 34/26/103. [6]

6- (6). الكافي: 2/84/5 [7] عن بشير الدهان، الفقيه: 3635/169/3 نحوه.

به خداوند-عزّ وجلّ- نزدیکی نمی جوید».

202. امام علی علیه السلام: خداوند، بنده ای را که دهان خود را می گشاید و می گوید: «بارالها! به من روزی بده»؛ ولی دست از طلبِ روزی می کشد، دشمن می دارد.

203. کتاب من لا یحضره الفقیه: به امام صادق علیه السلام گفتند: «شنیده ایم رسول خدا فرموده است که خداوند-تبارک و تعالی-، خانه ای را که در آن گوشت هست و چاقِ فربه را دشمن می دارد».

حضرت فرمود: «ما خود، گوشت می خوریم و آن را دوست داریم. در حقیقت، مقصود ایشان خانه ای است که در آن، با غیبت، گوشت مردم خورده می شود و مقصودشان از چاقِ فربه، شخص متکبری است که در رفتارش فخرفروشی می کند».

204. امام صادق علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دشمن داشته باشد، مال را محبوب او می گرداند، آرزوهایش را می گستراند، اندیشه دنیا خواهی را در او می افکند و او را با هوای نفسش وا می گذارد. در نتیجه، او بر توسن سرکشی سوار می شود، فساد را می گسترد و به بندگان ستم می کند.

205. امام کاظم علیه السلام: خداوند-عزّ وجلّ-، بنده پُر خوابِ بیکار را دشمن می دارد.

206. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ وَأَبْعَدُهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامًا جَائِرًا. (1)

207. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِمَنْ آمَنَ ثُمَّ كَفَرَ. (2)

208. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَبْغَضَ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَلَدُ النَّخِصُ. (3)

209. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ جَرَّدَ ظَهَرَ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَمَنْ ضَرَبَ فِي غَيْرِ حَقٍّ مَنْ لَمْ يَضْرِبْهُ، أَوْ قَتَلَ مَنْ لَمْ يَقْتُلْهُ. (4)

210. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ صَنَّ (5) عَلَى عِيَالِهِ. (6)

211. جامع الأحاديث: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَبْغَضِ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟

قالوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

ص: 166

- 
- 1- (1) .سنن الترمذى:3/617/1329، [1]مسند ابن حنبل:4/46/11174 [2] نحوه كلاهما عن أبي سعيد الخدرى، كنز العمال:6/9/14604؛ روضة الواعظين:512 [3] نحوه، بحار الأنوار:75/351/59. [4]
- 2- (2) .المعجم الكبير:20/114/226، حلية الأولياء:5/156 كلاهما عن معاذ، كنز العمال:1/90/388.
- 3- (3) .صحيح البخارى:2/867/2325، صحيح مسلم:4/2054/2668، سنن الترمذى:5/214/2976 كلهما عن عائشة، كنز العمال:3/565/7926.
- 4- (4) .دعائم الإسلام:2/444/1551. [5]
- 5- (5) .الضنين:البخيل الشحيح (مجمع البحرين:2/1087).
- 6- (6) .الفردوس:1/367/1482 عن أبي هريرة، كنز العمال:6/384/16170.

206.رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین مردم نزد خدا و دورترینشان در منزلت نزد او، پیشوای ستمکار است.

207.رسول خدا صلی الله علیه و آله: از جمله دشمن ترین آفریدگان نزد خدا، کسی است که ایمان آورده و سپس کفر ورزیده است.

208.رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین کسان نزد خدا، دشمن کینه توز ستیزه گر است.

209.رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین مردم نزد خداوند-عزّ وجلّ-، کسی است که به ناحق، پشت مسلمانی را برهنه کند [و بر آن تازیانه زند] و کسی است که به ناحق، کسی را که وی را زنده است، بزند یا آن را که [که مرتکب قتلی نشده است] بکشد.

210.رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین بندگان نزد خداوند-عزّ وجلّ-، کسی است که نسبت به خانواده اش بخل ورزد.

211.جامع الأحادیث: رسول خدا فرمود: «هان! شما را از دشمن ترین آفریدگان نزد خداوند متعال، باخبر سازم؟».

گفتند: «آری، ای رسول خدا!».



قال: الزَّائِرُونَ بِحَلَائِلِ جِيرَانِهِمْ. (1)

212. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ اتَّقَاهُ النَّاسُ لِسَانِهِ. (2)

213. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَنْ يَتَّقِدَى بِسَيِّئَةِ الْمُؤْمِنِ وَلَا يَتَّقِدَى بِحَسَنَتِهِ. (3)

214. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ كَانَ ثَوْبُهُ خَيْرًا مِنْ عَمَلِهِ، وَأَنْ يَكُونَ ثِيَابُهُ ثِيَابَ الْأَنْبِيَاءِ وَعَمَلُهُ عَمَلَ الْجَبَابِرَةِ.

(4)

215. عنه صلى الله عليه وآله: ثَمَانِيَةٌ أَبْغَضَ خَلِيقَةَ اللَّهِ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: السَّقَّارُونَ؛ وَهُمْ الْكَذَّابُونَ، وَالْخِيَالُونَ؛ وَهُمْ الْمُسْتَكْبِرُونَ، وَالَّذِينَ يَكْتَبُونَ الْبَغْضَاءَ لِأَخْوَانِهِمْ فِي صُدُورِهِمْ فَإِذَا لَقَوْهُمْ حَلَفُوا لَهُمْ، وَالَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ كَانُوا بِطَاءً وَإِذَا دُعُوا إِلَى الشَّيْطَانِ وَأَمْرِهِ كَانُوا سِرَاعًا، وَالَّذِينَ لَا شَرَفَ لَهُمْ طَمَعٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اسْتَحَلُّوهُ بِأَيْمَانِهِمْ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ بِذَلِكَ حَقٌّ، وَالْمَشَّاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، وَالْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَجْبَةِ، وَالْبَاغُونَ الْبِرَاءَ الرَّحْصَةَ. (5) أَوْلَيْكَ يَقْدَرُهُمُ الرَّحْمَنُ عَزَّ وَجَلَّ. (6)

ص: 168

1- (1). جامع الأحاديث للقمي: 201؛ وراجع: الفردوس: 3371/301/2.

2- (2). عوالي اللآلي: 135/72/1، [1] الكافي: 4/323/2 [2] عن عيص بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «إِنَّ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ عَبْدٌ اتَّقَى النَّاسَ لِسَانَهُ».

3- (3). الجعفریات: 197، [3] النوادر للراوندي: 8 [4] كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: 10/208/72. [5]

4- (4). الفردوس: 1481/367/1 عن عائشة، كنز العمال: 7483/472/3.

5- (5). في المختصر: الدَّحْضَةُ (هكذا في هامش المصدر).

6- (6). تاريخ دمشق: 1622/86/7.

فرمود: «کسانی که با زنان همسایگانِ خویش، زنا می کنند».

212. رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین مردم نزد خداوند، کسی است که مردم از زبانش بترسند.

213. رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین مردم نزد خداوند متعال، کسی است که کار بد مؤمن را سرمشق قرار می دهد؛ اما کار نیکش را سرمشق قرار نمی دهد.

214. رسول خدا صلی الله علیه و آله: دشمن ترین مردم نزد خداوند-عزّ و جلّ-، کسی است که لباسش از کردارش بهتر باشد؛ لباسش لباسِ پیامبران باشد و کردارش کردارِ جبّاران.

215. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هشت تن هستند که در روز قیامت، دشمن ترین کسان نزد خداوند خواهند بود: دروغگویان؛ مستکبران؛ کسانی که کینه برادرشان را در سینه نگه می دارند و چون آنان را ببینند برایشان سوگند می خورند [که دوستشان دارند]؛ کسانی که چون به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند، درنگ کنند و کُندی نمایند و چون به سوی شیطان و کارهایش خوانده شوند، بشتابند؛ کسانی که هرگاه آزمندی دنیا برایشان جلوه گر شود، آن را با سوگندهایشان، برای خود حلال می شمردند؛ گرچه بدان حقی نداشته باشند، سخن چینان؛ تفرقه اندازان میان برادران؛ و کسانی که برای بی گناهان، لغزش می جویند و می تراشند. خدای رحمان و عزّ و جلّ، اینان را پلید می شمارد.

216. الإمام عليّ عليه السلام: إنَّ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ رَجُلٌ قَمَشَ (1) عِلْمًا مِنْ أَعْمَارِ غَشْوَةِ وَأُوبَاشٍ (2) فِتْنَةٍ، فَهُوَ فِي عَمَى عَنِ الْهُدَى الَّذِي أَتَى مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ، وَضَالٌّ عَنِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يُظَنُّ أَنَّ الْحَقَّ فِي صَحْفِهِ. (3)

217. عنه عليه السلام: إنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَرَجُلَيْنِ:

رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ؛ فَهُوَ جَائِرٌ عَنِ قَصْدِ السَّبِيلِ، مَشْعُوفٌ (4) بِكَلَامٍ بَدْعَةٍ، قَدْ لَهَجَ (5) بِالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ، فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَنَّ بِهِ، ضَالٌّ عَنِ هُدَى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ، زَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ.

وَرَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا فِي جُهَالِ النَّاسِ، عَانٍ بِأَغْبَاشِ الْفِتْنَةِ، قَدْ سَمَّاهُ أَشْبَاهَ النَّاسِ عَالِمًا وَلَمْ يَغْنِ فِيهِ يَوْمًا سَالِمًا. (6)

218. الإمام عليّ عليه السلام: إنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعَبْدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرًا عَنِ قَصْدِ السَّبِيلِ، سَائِرًا بَغَيْرِ دَلِيلٍ، إِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا عَمِلَ، وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الْآخِرَةِ كَسَلَ، كَأَنَّ

ص: 170

1- (1). قمش: في الحديث: ورجل قمش جهلاً: أي جمعه من هنا ومن هنا (مجمع البحرين: 1513/3).

2- (2). الأوباش من الناس: الأخطا (مجمع البحرين: 1900/3).

3- (3). الأمالى للطوسى: 416/235 [1] عن خالد بن طليق، بحار الأنوار: 29/300/2. [2]

4- (4). الشعف: شدة الحبّ وما يغشى قلب صاحبه (النهاية: 481/2). [3]

5- (5). لهج بالشىء: إذا ولع به (النهاية: 281/4). [4]

6- (6). الكافى: 6/55/1 [5] عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة 17، [6] الإرشاد: 231/1،

[7] الاحتجاج: 143/621/1 [8] كلّها نحوه، بحار الأنوار: 2/284/2. [9]

216. امام علی علیه السلام: دشمن ترین خلق خدا نزد خدا، کسی است که دانش را به صورت پراکنده از جاهلانی شب کور و اوباشی فتنه جو، گرد آورده است. در نتیجه، نسبت به هدایتی که از سوی پروردگارش برایش آمده، کور است و از سنت پیامبرش گمراه است و می پندارد که حق، همان است که در نوشته های او موجود است.

217. امام علی علیه السلام: دو تن هستند که از دشمن ترین خلق نزد خدایند:

آن که خداوند، او را به خود وا گذاشته است و در نتیجه، از راه راست منحرف شده، شیفته سخنی بدعت آمیز گشته و دل بسته روزه و نماز شده است. پس او مایه فتنه فریب خوردگان است و از راه هدایت پیشینیان خود، گمراه گشته و گمراه کننده کسی است که در زمان حیاتش و پس از مرگش از او پیروی کند و بارکش گناهان دیگران و در گرو گناه خود است.

و دیگری آن که جهلی از مردمان جاهل، گرد آورده و راهی تاریکی های فتنه است. مردم نمایان، او را عالم نامیده اند، حال آن که حتی یک روز نیز در فضای علم، به سلامت نزیسته است.

218. امام علی علیه السلام: از دشمن ترین مردم نزد خداوند متعال، بنده ای است که خداوند او را به خود وا نهاده و او از راه راست، منحرف شده است و بی راهنما پیش می رود. اگر برای کشت دنیا خوانده شود، دست به کار می شود و اگر برای کشت آخرت

ما عَمِلَ لَهُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ، وَكَأَنَّ مَا وَنَى (1) فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ. (2)

219. عنه عليه السلام: أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُغْتَابُ. (3)

220. عنه عليه السلام: أَمَقْتُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مَنْ كَانَ هِمَّتُهُ بَطْنَهُ وَفَرْجَهُ. (4)

221. عنه عليه السلام: أَبْعُدُ الْخَلَائِقِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى الْبَخِيلُ الْغَنِيُّ. (5)

222. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَانِيَالٍ:

إِنَّ أَمَقَّتَ عَيْدِي إِلَى الْجَاهِلِ الْمُسْتَحْفُ بِحَقِّ أَهْلِ الْعِلْمِ، التَّارِكُ لِلْإِقْتِدَاءِ بِهِمْ. (6)

223. عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ. (7)

224. الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ. (8)

ص: 172

1- (1). وَنَى: إِذَا فُتِرَ وَقَصُرَ (النهاية: 231/5).

2- (2). نهج البلاغة: الخطبة 103، [1] إرشاد القلوب: 35 [2] نحوه، بحار الأنوار: 37/58/2. [3]

3- (3). غرر الحكم: 3128. [4]

4- (4). غرر الحكم: 3294، [5] تحف العقول: 120 وفيه «أبعد ما يكون العبد من الله إذا كانت همته بطنه وفرجه».

5- (5). غرر الحكم: 3162. [6]

6- (6). الكافي: 5/35/1 [7] عن أبي حمزة الثمالي، جامع الأحاديث للقمي: 198، منية المريد: 111، [8] بحار الأنوار: 23/379/14.

[9]

7- (7). الكافي: 8/234/312، [10] الخصال: 62/18، تنبيه الخواطر: 152/2 [11] كلّها عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: 280، بحار

الأنوار: 4/207/1. [12]

8- (8). الكافي: 2/466/2، [13] مكارم الأخلاق: 1976/7/2، [14] عوالي اللآلي: 49/19/4 [15] كلّها عن سدير الصيرفي، بحار

الأنوار: 23/294/93. [16]

خوانده شود، تبلی می کند. گویی آنچه انجام داده، بر او واجب است و آنچه در آن سستی کرده، از او برداشته شده است.

219. امام علی علیه السلام: دشمن ترین آفریدگان نزد خداوند، غیبت کننده است.

220. امام علی علیه السلام: منفورترین بندگان نزد خداوند سبحان، کسی است که جز در اندیشه شکم و شرمگاهش نیست.

221. امام علی علیه السلام: دورترین آفریدگان از خداوند متعال، دولت‌مند بخیل است.

222. امام سجّاد علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی- به دانیال وحی کرد: «دشمن ترین بندگانم نزد من، نادانی است که حقّ عالمان را سُبُک می شمارد و از پیروی آنان، تن می زند».

223. امام سجّاد علیه السلام: هان! دشمن ترین مردم نزد خدا، کسی است که سنت امامی را سرمشق خود قرار می دهد؛ اما کردارش را سرمشق خود قرار نمی دهد.

224. امام باقر علیه السلام: هیچ کس نزد خداوند-عزّ و جلّ-، دشمن تر از کسی نیست که نسبت به عبادتش تکبّر می ورزد و از درخواست آنچه نزد اوست، تن می زند [دعا نمی کند].

225. المحاسن عن عثمان بن عيسى عمَّن ذَكَرَهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَبْغَضَ الْخَلْقَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: مَنْ يَتَّهَمُ اللَّهَ. قُلْتُ: وَأَحَدٌ يَتَّهَمُ اللَّهَ؟! قَالَ: نَعَمْ، مَنْ اسْتَخَارَ اللَّهَ فَبَجَاءَتْهُ الْخَيْرَةُ بِمَا يَكْرَهُ فَسَخِطَ، فَذَلِكَ يَتَّهَمُ اللَّهَ. (1)

5/4- ما يُبْغِضُهُ اللَّهُ

الكتاب

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا». (2)

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ». (3)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ». (4)

الحديث

226. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْوَسِخَ وَالشَّعْثَ. (5)

ص: 174

- 
- 1- (1). المحاسن: 2/432/2499، [1] تحف العقول: 364، جامع الأحاديث للقمي: 204 عن القاسم بن الوليد، مكارم الأخلاق: 2/100/2288، [2] بحار الأنوار: 91/223/2. [3]
- 2- (2). النساء: 148. [4]
- 3- (3). البقرة: 205. [5]
- 4- (4). الصف: 2 و 3. [6]
- 5- (5). شعب الإيمان: 5/168/6226 [7] عن عائشة، كنز العمال: 6/641/17181.

225. المحاسن به نقل از عثمان بن عیسی - به نقل از یکی از راویان شیعه - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «دشمن ترین خلق نزد خداوند کیست؟».

فرمود: «کسی که خدا را متهم می دارد».

پرسیدم: «مگر کسی خدا را متهم می دارد؟».

فرمود: «آری. آن که از خداوند، خیرخواهی می کند و چون خیر با سختی و به صورت ناخوشایند او برایش پدیدار شد، خشمگین می شود، همان کسی است که خدا را متهم می دارد».

#### 4/5- آنچه خدا دشمنش می دارد

قرآن

«خداوند، دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیهای (دیگران) را آشکار کند، مگر آن کس که به او ستم شده باشد، و خداوند، شنوا و داناست».

«خداوند، فساد را دوست ندارد».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را می گوئید که انجام نمی دهید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید».

حدیث

226. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، چرکی و ژولیدگی را دشمن می دارد.

ص: 175



227. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْإِنْفَاقَ وَيُبْغِضُ الْإِقْتَارَ. (1)

228. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْآكِلَ فَوْقَ شَيْءٍ بَعِيهِ، وَالْغَافِلَ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَالتَّارِكَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَالْمُخْفِرَ (2) ذِمَّتَهُ، وَالْمُبْغِضَ عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، وَالْمُؤَذَى جِيرَانَهُ. (3)

229. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُحِبُّ اللَّهُ إِضَاعَةَ الْمَالِ، وَلَا كَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَلَا قِيلَ وَقَالَ. (4)

230. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْغَضَ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ:

«إِنَّكَ اللَّهُ» فَيَقُولَ: «عَلَيْكَ بِنَفْسِكَ». (5)

231. عنه صلى الله عليه وآله: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جَوْعٍ، وَالنَّوْمُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَالصُّنْحُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَصَوْتُ الرِّئَةِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَالْمِزْمَاؤُ عِنْدَ النَّعْمَةِ. (6)

ص: 176

1- (1). نوادر الأصول: 326/1 عن الزبير بن العوام؛ بحار الأنوار: 43/282/64.

2- (2). أخفر الذمّة: لم يف بها. وفي الحديث: مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فَإِنَّهُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَلَا تُخْفِرُنَّ اللَّهَ فِي ذِمَّتِهِ (لسان العرب: 253/4). [1]

3- (3). كنز العمال: 44029/87/16 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

4- (4). مسند أبي يعلى: 6560/104/6، صحيح مسلم: 1715/1340/3، مسند ابن حنبل: 8807/296/3 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: 43871/46/16؛ الكافي: 5/301/5 [2] عن الوشاء عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: 443 عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: 16/335/78.

5- (5). شعب الإيمان: 630/436/1، [3] كنز العمال: 8387/660/3.

6- (6). الفردوس: 4920/306/3 عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: 44011/80/16.

227. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هزینه کردن را دوست می دارد و ناخن خشکی را دشمن می دارد.

228. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-عزّ وجلّ-، کسی را که پس از سیری باز می خورد، کسی را که از فرمانبری پروردگارش غفلت می کند، آن که سنت پیامبرش را رها می کند، آن که به پیمانش وفادار نیست، آن که با خاندان پیامبرش دشمنی می ورزد، و آن که همسایگانش را می آزارد، دشمن می دارد.

229. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، تباه کردن مال، پرسش بسیار، وقیل و قال را دوست ندارد.

230. رسول خدا صلی الله علیه و آله: ناخوش ترین سخنان نزد خداوند-عزّ وجلّ-، آن است که کسی به دیگری بگوید: «از خدا بترس» و آن شخص پاسخ دهد: «تو خودت را پبای» [و پندش را گوش نکند].

231. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خوردن از سر سیری، خواب بی شب زنده داری، خنده بی [موجب] شگفتی، ناله و مویه بلند به هنگام مصیبت، و بانگ نای در نعمت و شادمانی، نزد خدا سخت ناپسند است.

232. عنه صلى الله عليه وآله: مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ، وَمِنْهَا مَا يُبْغِضُ اللَّهُ؛ فَأَمَّا الَّتِي يُحِبُّهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي الرَّبِيبَةِ. وَأَمَّا (الْغَيْرَةُ) الَّتِي يُبْغِضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ رَبِيبَةٍ.

وَأَنَّ مِنَ الْخِيَلَاءِ مَا يُبْغِضُ اللَّهُ، وَمِنْهَا مَا يُحِبُّ اللَّهُ، فَأَمَّا الْخِيَلَاءُ الَّتِي يُحِبُّ اللَّهُ فَاخْتِيَالُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عِنْدَ الْقِتَالِ، وَاخْتِيَالُهُ عِنْدَ الصَّدَقَةِ. وَأَمَّا الَّتِي يُبْغِضُ اللَّهُ فَاخْتِيَالُهُ فِي الْبَغْيِ. (1)

233. الكافي عن صفوان بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ - يَعْنِي بِالطَّلَاقِ - . ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا وَكَّدَ فِي الطَّلَاقِ وَكَرَّرَ فِيهِ الْقَوْلَ مِنْ بُغْضِهِ الْفُرْقَةَ (2).

234. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ شَهْرَةَ الْعِبَادَةِ، وَشَهْرَةَ النَّاسِ. (3)

6/4- أَبْغَضُ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ

235. الكافي عن عبد الله بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا

ص: 178

- 
- 1- (1). سنن أبي داود: 2659/50/3، [1] سنن النسائي: 78/5، مسند ابن حنبل: 23811/193/9، [2] صحيح ابن حبان: 295/530/1  
كلاهما نحوه وكلها عن جابر بن عتيك، كنز العمال: 7066/385/3.  
2- (2). الكافي: 1/328/5. [3]  
3- (3). الأماشي للطوسي: 1348/649 [4] عن الحسن بن علي بن فضال.

232. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خدا نوعی از غیرت را دوست دارد و نوعی را دشمن می دارد؛ اما غیرتی که خدا دوست دارد، غیرت در امور شبهه ناک است، و آن (غیرتی) که دشمنش می دارد، غیرت بدون شبهه است.

خداوند نوعی از تکبر را دوست دارد و نوعی را دشمن می دارد. اما تکبری که خداوند دوستش می دارد، خودپسندی و تکبر انسان به هنگام کارزار [در راه خدا] و تکبر به هنگام صدقه (مناعت طبع و نگرفتن آن) است؛ و اما آنچه خدا دشمنش می دارد، تکبر بنده در راه ستمگری و تجاوز است.

233. الکافی به نقل از صفوان بن مهران - از امام صادق علیه السلام نقل می کند: - رسول خدا فرمود: «نزد خداوند، هیچ چیز مبعوض تر از خانه ای که بر اثر طلاق ویران شود، نیست».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند - عزّ وجلّ -، به سبب دشمنی ای که با جدایی داشت، درباره طلاق تأکید ورزید و سخن را در آن باب، بارها باز گفت.

234. امام رضا علیه السلام: خداوند، انگشت نما شدن در عبادت و انگشت نما شدن در برابر مردم را ناخوش می دارد.

#### 6/4 - منفورترین کارها نزد خدا

235. الکافی به نقل از عبدالله بن محمد - به نقل از امام صادق علیه السلام - : مردی از قبیله خثعم نزد رسول خدا آمد و گفت:

مِنْ حَتَّعِمِ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: ثُمَّ صِلَةُ الرَّحِمِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.

قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ:

الشَّرْكَ بِاللَّهِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: فَطِيعَةُ الرَّحِمِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ. (1)

236. الإمام زين العابدين عليه السلام - في سجوده -: اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ؛ وَهُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنْكَ عَلَيْكَ. وَتَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ؛ وَهُوَ أَنْ أَدْعُوَ لَكَ وَوَلِدًا أَوْ أَدْعُوَ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنْكَ عَلَيْكَ. (2)

237. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ شَابِّ تَائِبٍ، وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ شَيْخٍ مُقِيمٍ عَلَى مَعْصِيَتِهِ.

وَمَا فِي الْحَسَنَاتِ حَسَنَةٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ حَسَنَةٍ تُعْمَلُ

ص: 180

1- (1). الكافي: 9/58/5، [1] تهذيب الأحكام: 6/176/355، المحاسن: 1/1048/454 [2] عن طلحة بن زيد، بحار الأنوار: 30/96/74.

[3]

2- (2). الفقيه: 1/333/977، الأمل للطوسي: 415/934 [4] عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: 4/91/94.

[5]

«منفورترین کار نزد خداوند چیست؟».

فرمود: «شکر ورزیدن به خداوند».

پرسید: «پس از آن چیست؟».

فرمود: «بُردن از خویشان».

پرسید: «پس از آن چیست؟».

فرمود: «امر به منکر و نهی از معروف».

236. امام سجّاد علیه السلام - در سجده اش - بارالها! اگر تو را نافرمانی کردم، در مورد محبوب ترین چیزها نزدت، یعنی ایمان به تو، از تو فرمان بردم، و تو را بدین سبب بر من مَنّت است و مرا بر تو مَنّتی نیست؛ و در مورد منفورترین چیزها نزدت، یعنی این که برایت فرزندی یا شریکی قرار دهم و بخوانم، نافرمانی تو را نکردم؛ و تو را بدین سبب بر من مَنّتی است و مرا بر تو مَنّتی نیست.

237. رسول خدا صلی الله علیه و آله: نزد خداوند متعال، هیچ چیز محبوب تر از جوان توبه کار و نزدش هیچ چیز منفورتر از پیری که همچنان گناه می کند، نیست. در میان نیکی ها هیچ نیکی ای نزد خداوند متعال، محبوب تر از نیکی ای که در شب جمعه و یا روز جمعه به جای آورده شود، نیست و در میان گناهان نیز

فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ أَوْ يَوْمِ جُمُعَةٍ، وَمَا مِنَ الذَّنُوبِ ذَنْبٌ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ ذَنْبٍ يُعْمَلُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (1)

238. عنه صلى الله عليه وآله: ما شئٌ أبغض إلى الله عز وجل من البخل، وسوء الخلق، وإنه ليفسد العمل كما يفسد الخل العسل. (2)

239. الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أحب السبحة إلى الله عز وجل سبحة الحديث، وأبغض الكلام إلى الله عز وجل التحريف.

قيل: يا رسول الله وما سبحة الحديث؟

قال: الرجل يسمع حرص الدنيا وباطلها فيغتم عند ذلك، فيذكر الله عز وجل. وأما التحريف فكقول الرجل: إني لمجهود، وما لي، وما عندي.

(3)

240. الإمام الصادق عليه السلام: أبغض ما يكون العبد إلى الله عز وجل إذا امتلأ بطنه. (4)

ص: 182

1- (1). كنز العمال: 10233/217/4 نقلاً عن أمالي السمعاني عن سلمان.

2- (2). مكارم الأخلاق: 19/51/1 [1] عن ابن عباس، بحار الأنوار: 35/231/16. [2]

3- (3). معاني الأخبار: 1/258 عن السكوني، الجعفریات: 223 [3] عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: 2/325/72. [4]

4- (4). الكافي: 4/269/6، [5] المحاسن: 1707/231/2 [6] كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: 25/336/66. [7]

هیچ گناهی نزد خداوند متعال، منفورتر از گناهی که در شب جمعه یا روز جمعه انجام شود، نیست.

238. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیز نزد خداوند-عزّ وجلّ-، منفورتر از بخل و بدخویی نیست که این یک، همان گونه که سرکه غسل را تباه می کند، ایمان را تباه می کند.

239. امام صادق علیه السلام- به نقل از پدرانش-: رسول خدا فرمود:

«محبوب ترین تسبیح نزد خداوند-عزّ وجلّ-، "سُبْحَةُ حَدِيثٍ وَ مَنْفُورْتَرِینِ سَخْنِ نَزْدِ خِداوَنْد-عزّ وجلّ-، "تحریف است».

پرسیدند: «ای رسول خدا! معنای سُبْحَةُ حَدِيثٍ چیست؟».

فرمود: «آن است که انسان، چون درباره آزمونندی و باطل دنیا بشنود، غمگین گردد و در آن هنگام، به یاد خدا افتد.

تحریف مانند این است که شخص بگوید: من درمانده ام، دستم نمی رسد و چیزی ندارم».

240. امام صادق علیه السلام: منفورترین حالت بنده نزد خداوند-عزّ وجلّ-، هنگامی است که شکمش پُر باشد.



241. الإمام عليّ عليه السلام: القَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبَ لِلَّهِ، وَالْقَلْبُ اللَّاهِي عَنِ اللَّهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ، فَلَا- تَنْظُرَنَّ يَا بَنَ آدَمَ أَنْكَ تَدْرِكُ رِفْعَةَ الْبِرِّ بغيرِ مَشَقَّةٍ؛ فَإِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مُرٌّ، وَالْبَاطِلَ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَنِيٌّ (1). (2)

242. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِي أُرَاكَ وَحَدَانَا؟! قَالَ: هَجَرْتُ النَّاسَ وَهَجَرُونِي فِيكَ.

قَالَ: فَمَا لِي أُرَاكَ سَاكِتًا؟!

قَالَ: خَشِيْتُكَ أَسْكَتَنِي.

ص: 184

---

1- (1). الونيّ: الضعيف (النهاية: 231/5).

2- (2). تنبيه الخواطر: 87/2 [1] عن زيد بن عليّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام.

## فصل پنجم: نشانه های دوستداران خدا

### 1/5- خستگی برای خدا

241. امام علی علیه السلام: قلب دوستدار خدا، رنج و زحمت برای خدا را بسیار دوست دارد و قلب بی خبر از یاد خدا، آسایش را دوست دارد. پس ای آدمیزاد! گمان مبر که مقام والای نیکی را بی سختی به دست می آوری؛ زیرا حق، سنگین و تلخ است و باطل، سبک، شیرین و سست.

242. امام صادق علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی- به داوود علیه السلام وحی کرد: «چرا تنهایت می بینم؟».

گفت: «در راه تو از مردم بریده ام و آنان از من بریده اند».

خداوند فرمود: «چرا خاموش می بینم؟».

گفت: «ترس از تو خاموشم کرده است».

ص: 185

قال: فما لى أراك نصيباً؟!

قال: حُبُّكَ أَنْصَبَنِي. (1)

243. عنه عليه السلام: كان عليُّ بنُ الحسينِ عليه السلام شديدَ الإجتِهادِ فى العِبادَةِ؛ نهارَهُ صائِمٌ وليلَهُ قائِمٌ، فأضَرَ ذلكَ بِجِسمِهِ، فقلْتُ لَهُ: يا أبة، كم هذا الدُّؤوبُ؟!

فقال: أتَحَبُّبُ إلى رَبِّي لَعَلَّهُ يُزِلُّنِي. (2)

2/5- حُبُّ الخَيْرِ وَأَهْلِهِ

244. المناقب لابن شهر آشوب عن عبد الله بن مسعود: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَقْبَلَ رَاكِبٌ حَتَّى أُنَاخَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنِّي أَتَيْتُكَ مِنْ مَسِيرَةٍ سَبْعٍ-أَنْصَبْتُ بَدَنِي، وَأَسْهَرْتُ لَيْلِي، وَأَظْمَأْتُ نَهَارِي، وَأَنْصَبْتُ رَاكِبَتِي؛ لِأَسْأَلَكَ عَنِ خَصَلَتَيْنِ أَسْهَرَتَانِي. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا اسْمُكَ؟

فقال: زَيْدُ الخَيْلِ.

قال: أَنْتَ زَيْدُ الخَيْرِ، سَلْ، فَرُبَّ مُعْضَلَةٍ قَدْ سُئِلَ عَنْهَا.

ص: 186

1- (1). الأمالى للصدوق: 280/263 [1] عن يونس بن ظبيان، مشكاة الأنوار: 227 [2] وفيه من «فما لى أراك ساكتاً» إلخ، بحار الأنوار: 3/34/14. [3]

2- (2). المناقب لابن شهر آشوب: 155/4 [4] عن معتب، بحار الأنوار: 78/91/46. [5]

خداوند فرمود: «چرا خسته ات می بینم؟».

گفت: «محببت خسته ام ساخته است».

243. امام صادق علیه السلام: علی بن حسین علیه السلام در کار عبادت، بسیار می کوشید. روز را روزه دار بود و شب را شب زنده دار. این کار به بدنش زیان زد. از این رو به او گفتم: «پدر! این پیوستگی و زحمت دیدن در عبادت تا کی و برای چیست؟».

فرمود: «بدین ترتیب، با پروردگار دوستی می کنم، تا مرا به خود، نزدیک سازد».

ر.ک: ص 195 (دوستی نزد دوستان خدا).

## 2/5- دوستی نیکی و نیکان

244. المناقب ابن شهر آشوب به نقل از عبدالله بن مسعود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که سواری آمد و مرکب خود را کنار پیامبر صلی الله علیه و آله نشاند و گفت: «ای رسول خدا! من از فاصله هفت (شب راه) به سویت آمده ام. بدنم را خسته کرده ام، شب را به بیداری و روز را به تشنگی گذرانده و مرکبم را خسته کرده ام تا از تو درباره دو خصلت که خواب شبانه را از من ربوده است، بپرسم».

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «نامت چیست؟».

گفت: «زید الخیل (زید اسب یار)».

فرمود: «تو زید الخیر (زید نیک یار) هستی. بپرس که چه بسا دشواری ای که درباره اش پرسش شده [و پاسخ گرفته شده] است».

ص: 187

فَقَالَ: أَسَأَلُكَ عَنِ عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى فِيمَنْ يُرِيدُ وَعِلْمِ اللَّهِ فِيمَنْ لَا يُرِيدُ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟

قَالَ: أَصْبَحْتُ أَحِبُّ الْخَيْرَ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِ، وَإِنْ عَمِلْتُ بِهِ أَقْبِنْتُ ثَوَابَهُ، وَإِنْ فَاتَنِي مِنْهُ شَيْءٌ حَنَنْتُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَذِهِ عِلْمُ اللَّهِ فِيمَنْ يُرِيدُ، وَعِلْمُ اللَّهِ فِيمَنْ لَا يُرِيدُ أَنْ لَوْ أَرَادَكَ لِأَخْرِيْنَ لَهَيَّاكَ لَهَا ثُمَّ لَا يُبَالِي بِأَيِّ وَاذٍ هَلَكْتَ. (1)

3/5- حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ

245. الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَوَالِيَ غَيْرِنَا، وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (2)

246. الإمام الهادي عليه السلام- فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ -: وَمَنْ أَحَبَّكُمْ

ص: 188

---

1- (1). السُّنَّةُ لِابْنِ أَبِي عَاصِمٍ: 415/180، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ: 10/202/10464، حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: 1/376 [1] كِلَاهُمَا نَحْوَهُ، تَارِيخُ دِمَشْقٍ: 19/4577/520، كَنْزُ الْعَمَالِ: 11/105/30809.

2- (2). الْكَافِي: 8/98/129 [2] عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ، تَحْفِ الْعُقُولِ: 357، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: 2/137، [3] بَحَارُ الْأَنْوَارِ: 78/226/95. [4]

گفت: «از تو درباره نشانه خداوند متعال در کسی که او را می خواهد و نشانه اش در آن که او را نمی خواهد، می پرسم»؟

فرمود: «شب را چگونه به صبح آوردی؟».

گفت: «در حالی به صبح آوردم که نیکی را و هرکه آن را انجام دهد، دوست دارم و اگر خود آن را انجام دهم، یقین به پاداشش دارم و اگر آن را از دست بدهم، احساس علاقه به آن می کنم».

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «هان! این همان نشانه خداوند در کسی است که او را می خواهد؛ و اما نشانه اش در آن که او را نمی خواهد، آن است که اگر تو را برای کارهای دیگری [جز نیکی] می خواست، تو را برای آنها آماده می کرد و باکش نبود که در کجا تباه گردی!».

### 3/5- دوستی اهل بیت

245. امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند، آن که دنیا را دوست دارد و با جز ما دوستی می کند، خدا را دوست ندارد. هرکه حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد، در حقیقت، خداوند-تبارک و تعالی- را دوست داشته است.

246. امام هادی علیه السلام- در زیارت جامعه-: هرکه شما را دوست

247. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا بْنَ عِمْرَانَ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّه يُجِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي؛ أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟! هَا أَتَا ذَا-يَابْنَ عِمْرَانَ- مُطَّلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ حَوَّلَتْ أَبْصَارُهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَمَثَلَتْ عُقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ، يُخَاطِبُونِي عَنِ الْمُشَاهَدَةِ، وَيُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ.

يَابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ، وَمِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ، وَمِنْ عَيْنَيْكَ الدَّمُوعَ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ، وَادْعُنِي؛ فَإِنَّكَ تَجِدُنِي قَرِيبًا مُجِيبًا. (2)

ص: 190

- 
- 1- (1). تهذيب الأحكام: 97/6 و ص 177/101، الفقيه: 613/2 و ص 3213/617 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي، عيون أخبار الرضا عليه السلام: 1/277/2 [1] عن موسى بن عمران النخعي، البلد الأمين: 303، [2] بحار الأنوار: 4/129/102. [3]
- 2- (2). الأمل للصدوق: 577/438 [4] عن المفضل بن عمر، روضة الواعظين: 361، [5] بحار الأنوار: 7/329/13 [6] وراجع: أعلام الدين: 263، [7] إرشاد القلوب: 93؛ [8] وراجع: ربيع الأبرار: 95/2، عيون أخبار لابن قتيبة: 300/2. [9]

بدارد، خدا را دوست داشته است، و هر که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است.

#### 4/5-شبخیزی

247. امام صادق علیه السلام: از جمله رازگویی های خداوند-عزّ وجلّ- با موسی بن عمران علیه السلام آن بود که به او فرمود: «ای پور عمران! دروغ می گوید آن که می پندارد دوستم می دارد و چون شب درآید، از من غفلت کند و بخوابد. مگر هر دوستداری، خلوت با محبوبش را دوست ندارد؟ ای پور عمران! اینک این منم که بر دوستانم آگاهم که چون شب آنان را فرو پوشد، دیده دلشان بگردد و کیفرم پیش چشمانشان پدیدار شود و چنان با من سخن گویند که گویی مرا می بینند و چنان مرا مخاطب می سازند که گویی در حضورم هستید. ای پور عمران! از قلبت شکستگی، از تنت افتادگی و از چشمانت اشک ها را در تاریکی شب، نثار من کن و مرا بخوان که مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت».

ص: 191



248. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَعْلَمَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنْزِلَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُنْزِلُ الْعَبْدَ مِنْهُ حَيْثُ أَنْزَلَهُ مِنْ نَفْسِهِ. (1)

249. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنْزِلَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ؛ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ خَيْرَ لَهُ أَمْرَانِ؛ أَمْرُ الدُّنْيَا وَأَمْرُ الآخِرَةِ، فَاخْتَارَ أَمْرَ الآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهَ، وَمَنْ اخْتَارَ أَمْرَ الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي لَا مَنْزِلَةَ لِلَّهِ عِنْدَهُ. (2)

ص: 192

---

1- (1). المستدرک علی الصحیحین: 1/672/1820، المعجم الأوسط: 3/67/2501، مسند أبي يعلى: 2/345/1860  
وص 2135/428، شُعب الإيمان: 1/398/528 [1] كلَّها عن جابر بن عبد الله، كنز العمّال: 1/435/1877؛ مسکن الفؤاد: 80، عدّة  
الداعی: 167 [2] عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 93/163/42. [3]  
2- (2). جامع الأخبار: 505/1398، [4] بحار الأنوار: 70/25/27. [5]

248. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرکه دوست دارد بداند نزد خدا چه موقعیتی دارد، به موقعیت خدا نزد خودش توجه کند؛ زیرا خدا بنده را در همان جایگاهی می نهد که او خدا را نزد او، در چنان جایگاه نهاده است.

249. امام علی علیه السلام: هرکه دوست دارد بداند نزد خدا چه موقعیتی دارد، به موقعیت خدا نزد خودش بنگرد؛ زیرا به هرکه حق انتخاب دو کار داده شود: کار این جهانی و کار آن جهانی، و او کار آن جهانی را بر کار این جهانی برگزیند. او کسی است که خدا را دوست دارد؛ و هرکه کار این جهانی را برگزیند، او کسی است که خدا نزد او موقعیتی ندارد.

ر.ک: کتاب راهنمای محبت ص 123 (گواهی دل).

250. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ أُمَّتِي قَذَفَ فِي قُلُوبِ أَصْفِيَائِهِ وَأَرْوَاحِ مَلَائِكَتِهِ وَسُكَّانِ عَرْشِهِ مَحَبَّةً لِيُحِبُّوهُ، فَذَلِكَ الْمُحِبُّ حَقًّا، طَوْبِي لَهُ، وَلَهُ شَفَاعَةٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

3/6-الأنسُ بِاللَّهِ

251. رسول الله صلى الله عليه وآله -مخاطباً لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ-: يَا رَبِّ، وَدَدْتُ أَنْي أَعْلَمُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ عِبَادِكَ فَأُحِبُّهُ.

قال: إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكثِرُ ذِكْرِي فَأَنَا أَذِنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ، وَأَنَا أُحِبُّهُ، وَإِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي لَا يَذْكُرُنِي فَأَنَا حَجَبْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، وَأَنَا أَبْغَضْتُهُ. (2)

252. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَامَةُ حُبِّ اللَّهِ حُبُّ ذِكْرِ اللَّهِ، وَعَلَامَةُ بُغْضِ اللَّهِ بُغْضُ ذِكْرِ اللَّهِ. (3)

ص: 194

1- (1). مصباح الشريعة: 524، [1] بحار الأنوار: 23/24/70. [2]

2- (2). الدعوات: 18/20، بحار الأنوار: 41/160/93؛ [3] كنز العمال: 3923/241/2 نقلاً عن العسكري في المواعظ عن عمر وج

1870/433/1 نقلاً عن الدارقطني في الأفراد وابن عساكر عن ابن عمر عنه صلى الله عليه وآله عن موسى عليه السلام.

3- (3). شـعب الإيمان: 410/367/1، [4] الفردوس: 4141/54/3 كلاهما عن أنس، كنز العمـال: 1776/417/1؛ جامع

الأخبار: 979/352، [5] مستدرک الوسائل: 5870/286/5 [6] نقلاً عن لبّ اللباب للراوندي.

## 2/6- دوستی نزد دوستان خدا

250. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند، بنده ای از ائمتّم را دوست بدارد، محبتش را در دل های برگزیدگانش، در جان های فرشتگانش و ساکنان عرشش می افکند، تا دوستش بدارند. به حقیقت چنین کسی، دوستدار خدا است. خوشا به حالش! و او را در روز قیامت نزد خداوند، حقّ شفاعت است.

ر.ک: کتاب راهنمای محبت ص 46 (ایمان و کار شایسته):

ص 187 (دوستی نیکی و نیکان).

## 3/6- اُنس با خدا

251. رسول خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به خداوند عزّ و جلّ - : «پروردگارا! دوست داشتم بدانم که کدام بنده ات را دوست می داری، تا دوستش بدارم؟».

خداوند فرمود: «هرگاه دیدی بنده ای بسیار مرا یاد می کند، پس من به او اجازه یاد کردن خود را داده ام و من او را دوست دارم؛ اما هرگاه دیدی بنده ام مرا یاد نمی کند، پس من او را از آن بازداشته ام و من او را دشمن می دارم».

252. رسول خدا صلی الله علیه و آله: نشانه دوستی خدا، دوست داشتن یاد خداست و نشانه دشمنی با خدا، دشمنی با یاد کردن خداست.

ص: 195

253. الإمام علي عليه السلام: الذِّكْرُ لَذَّةُ الْمُحِبِّينَ. (1)

254. عنه عليه السلام - في دُعَاءٍ لَهُ يَلْجَأُ فِيهِ إِلَى اللَّهِ لِيَهْدِيَهُ إِلَى الرَّشَادِ:-

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسِينَ لِأَوْلِيائِكَ، وَأَحْضَ رُحْمٍ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُنَوِّكِينَ عَلَيْكَ، تُشَاهِدُهُمْ فِي سَدِّ رَائِرِهِمْ، وَتَطْلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ، وَتَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ؛ فَاسْرَأْهُمْ لَكَ مَكْشُوفَةً، وَقُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلْهُوفَةً، إِنْ أَوْحَشَتْ تَهُمُ الْغُرْبَةَ أَنْتَ هُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّزُوا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ؛ عَلِمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ، وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ. (2)

255. الإمام الحسين عليه السلام - في دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ -: أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ... أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْ تَهُمُ الْعَوَالِمُ. (3)

256. الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الذَّاكِرِينَ -: إلهي...

أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ انْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ. (4)

257. عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِهِ -: يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطَوْلِ مُنَاجَاةِهِ، وَالْبَسَ الْخَائِفِينَ ثَوْبَ مُوَالَاةِهِ. (5)

ص: 196

1- (1). غرر الحكم: 4040. [1]

2- (2). نهج البلاغة: الخطبة 227. [2]

3- (3). إقبال الأعمال: 349.

4- (4). بحار الأنوار: 151/94. [3]

5- (5). الصحيفة السجادية (الجامعة): 1199/441.

253. امام علی علیه السلام: یاد خدا، لذت دوستداران [ خدا ] است.

254. امام علی علیه السلام - در دعایی که در آن به خدا پناهنده می شود تا او را به راه صواب هدایت فرماید - بارالها! تو برای دوستانت همدم ترین همدمانی و برای توکل کنندگان به تو، از همه کاردان تری. بر نهانی هایشان بینایی، و از درون هایشان باخبر، و از حدّ بینش آنان آگاه. رازهایشان بر تو آشکار است و دل هایشان شیفته تو. اگر غربت به وحشتشان اندازد، یاد تو آرامشان می سازد و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به سوی تو پناه آورند؛ زیرا می دانند که سررشته کارها به دست توست و خاستگاهشان قضای توست.

255. امام حسین علیه السلام - در دعای روز عرفه - : این تویی که اغیار را از دل های دوستانت زدودی... و چون عالم ها آن را وحشت زده کند، تو همدم آنانی.

256. امام سجّاد علیه السلام - در مناجات ذاکرین - : بارالها!... از هر لذّتی جز یاد تو، از هر آسایشی جز همدمی تو، از هر شادمانی ای جز نزدیکی به تو، و از هر کاری جز فرمانبری ات، از تو آمرزش می خواهم.

257. امام سجّاد علیه السلام - در نیایشش - : ای آن که با رازگویی طولانی اش، همدم عارفان گشت و لباس دوستی اش را بر تن ترسیدگان پوشاند!

258. عنه عليه السلام - في دُعائه -: اللَّهُمَّ... أَلْبَسْ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْإِنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ. (1)

4/6-الْحَمِيَّةُ مِنَ الدُّنْيَا

259. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا؛ كَمَا يَظَلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِيمَهُ الْمَاءِ. (2)

260. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَمَنْ لَا يُحِبُّ، وَلَا يُعْطِي الدِّينَ إِلَّا لِمَنْ أَحَبَّ؛ فَمَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الدِّينَ فَقَدْ أَحَبَّهُ. (3)

261. الإمام عليّ عليه السلام: مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى دَنَاءَةِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ زَوَاهَا عَنِ أَوْلِيَائِهِ وَأَحْبَائِهِ؛ نَظْرًا وَاخْتِيَارًا، وَبَسَّ طَهَهَا لِأَعْدَائِهِ؛ فِتْنَةً وَاخْتِيَارًا. (4)

ص: 198

1- (1). الصحيفة السجّادية: 91 الدعاء 21. [1]

2- (2). سنن الترمذی: 2036/381/4، المستدرک علی الصحیحین: 7464/230/4، صحیح ابن حبان: 669/444/2 کلّها عن قتادة بن النعمان، كنز العمال: 16597/471/6؛ تنبيه الخواطر: 32/2 [2] نحوه.

3- (3). مسند ابن حنبل: 3672/33/2، [3] المستدرک علی الصحیحین: 3671/485/2 كلاهما عن عبدالله بن مسعود، كنز العمال: 43431/862/15؛ الكافي: 2/215/2، [4] المحاسن: 704/341/1 [5] كلاهما عن مالك بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: 2/203/68. [6]

4- (4). بحار الأنوار: 109/110/73 [7] نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

258. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش - بارالها!... قلبم را از وحشت آفریدگانِ بدت بیوشان، و انس به خود و دوستان و فرمانبرانت را به من ببخش.

#### 4/6- پرهیز از دنیا

259. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خدا بنده ای را دوست بدارد، او را از دنیا می پرهیزاند، همان گونه که یکی از شما بیمار خود را از آب می پرهیزاند.

260. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، دنیا را به کسی که دوست دارد و کسی که دوست ندارد، می دهد؛ اما دین را جز به کسی که دوست دارد، نمی دهد. پس خداوند به هر که دین داده، دوستش داشته است.

261. امام علی علیه السلام: از جمله چیزهایی که پستی دنیا را به تو نشان می دهد، آن است که خداوند -جلّ ثناؤه- بساط آن را از روی عنایت و خیر خواهی، از سرِ اولیا و دوستانش برکشیده و از روی آزمون و فتنه، آن را برای دشمنانش گسترده است.



262. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ البلاءِ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرِّضَى، وَمَنْ سَخَطَ البلاءَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ السَّخَطُ. (1)

263. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْصَقَ بِهِ البلاءَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ. (2)

264. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَبْدًا صَبَّ عَلَيْهِ البلاءُ صَبًّا، وَشَجَّهُ (3) عَلَيْهِ تَجًّا. فَإِذَا دَعَا العَبْدُ قَالَ جِبْرِيْلُ: أَيُّ رَبِّ، إِقْضِ حَاجَتَهُ؟ فَيَقُولُ تَعَالَى: دَعُهُ؛ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ. فَإِذَا دَعَا، يَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: لَبَّيْكَ عَبْدِي، وَعِزَّتِي لَا تَسْأَلْنِي شَيْئًا إِلَّا أَعْطَيْكَ، وَلَا تَدْعُونِي بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتَجَبْتُ، فَإِنَّمَا أَنْ أَعْجَلَ لَكَ، وَإِنَّمَا أَنْ أَدَّخَرَ لَكَ أَفْضَلَ مِنْهُ. (4)

ص: 200

- 
- 1- (1). الكافي: 8/253/2 [1] عن زيد الزرّاد، الخصال: 64/18 عن زيد الشحام، مشكاة الأنوار: 297 [2] كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 11/209/67. [3]
- 2- (2). شعب الإيمان: 9790/146/7 [4] عن سعيد بن المسيّب.
- 3- (3). الشج: الصبّ الكثير (لسان العرب: 221/2). [5]
- 4- (4). الفردوس: 972/251/1، تفسير الدرّ المنتثور: 215/7 [6] نقلًا عن ابن مردويه نحوه وكلاهما عن أنس؛ مسند زيد: 420 نحوه وزاد فيه «وإنما أن أدفع عنك من البلاء مثل ذلك».

262. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، او را به بلایی بزرگ مبتلا می کند. پس اگر آن بنده راضی گشت، بهره اش نزد خداوند، رضایت است و اگر ناخشنود گشت، بهره اش نزد خداوند، ناخشنودی است.

263. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، بلا را به او می پیوندد؛ زیرا خداوند-عزّ وجلّ-، می خواهد او را خالص سازد.

264. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند-عزّ وجلّ-، بنده ای را دوست بدارد، بلا را سخت را بر سر او سرازیر می کند و آن را سخت بر او می باراند. پس چون بنده دعا کند، جبرئیل گوید:

«پروردگارا! حاجتش را برآورم؟».

اما خداوند متعال می گوید: «او را رها کن که من دوست دارم صدایش را بشنوم» و چون دعا کند، خداوند-عزّ وجلّ- گوید: «بنده ام، لبتیک! به عزّتم سوگند که هرچه از من بخواهی، به تو عطا کنم و هرچه را دعا کنی، اجابت نمایم [بدین معنا که] یا آن را زود برایت برآورم و یا بهتر از آن را برایت ذخیره کنم».

265. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ، وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ. (1)

6/6-التوادر

الكتاب

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (2)

الحديث

266. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً بَيَضَاءَ، وَفَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ، وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ. (3)

267. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَ رِزْقَهُ كَفَافًا. (4)

268. عنه صلى الله عليه وآله: الْأَخْلَاقُ مَنَائِحٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَإِذَا أَحَبَّ عَبْدًا مَنَحَهُ خُلُقًا حَسَنًا، وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا مَنَحَهُ خُلُقًا سَيِّئًا. (5)

ص: 202

1- (1). الكافي: 3/252/2 و ص 2/109، [1] التمهيد: 6/31 كلَّها عن زيد الشحام، المؤمن: 36/24، [2] مشكاة الأنوار: 297، [3] بحار

الأنوار: 21/408/71. [4]

2- (2). يونس: 62. [5]

3- (3). أعلام الدين: 135، [6] الكافي: 7/214/2 [7] عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، التوحيد: 14/415، تفسير

العباسي: 110/321/1 [8] كلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعِيدَ خَيْرًا» بدل «إِذَا أَحَبَّ

اللَّهُ»، بحار الأنوار: 17/211/68. [9]

4- (4). كنز العمال: 7089/390/3 نقلاً عن أبي الشيخ عن الإمام علي عليه السلام.

5- (5). الاختصاص: 225، بحار الأنوار: 64/394/71؛ [10] كنز العمال: 5216/15/3 نقلاً عن العسكري في الأمثال عن عائشة.

265. امام صادق علیه السلام: پاداش بزرگ، همراه بلای بزرگ است و خداوند، مردمی را دوست نمی دارد، مگر آن که مبتلایشان می کند.

## 6/6- گوناگون

قرآن

«آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند».

حدیث

266. رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند متعال، بنده ای را دوست بدارد، نقطه ای سپید در قلبش پدید می آورد، گوش های قلبش را می گشاید و فرشته ای بر او می گمارد، تا بر راه راست استوارش دارد.

267. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، هرگاه بنده ای را دوست بدارد، روزی اش را به اندازه قرار می دهد.

268. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خوی ها، بخشش های خداوند-عزّ و جَلّ- است. از این رو هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، به او خوبی خوش می بخشد.

ص: 203

269. عنه صلى الله عليه وآله عن جبرئيل عن الله عز وجل: الإخلاص سرٌّ من أسرارى، استودعته قلب من أحببت من عبادى. (1)
270. الإمام على عليه السلام: إذا أحب الله عبداً ألهمه الصدق. (2)
271. عنه عليه السلام: إذا أحب الله عبداً زينه بالسكينة والحلم. (3)
272. عنه عليه السلام: إذا أحب الله عبداً حبب إليه الأمانة. (4)
273. عنه عليه السلام: إذا أحب الله عبداً ألهمه رُشدَهُ، ووفقه لطاعته. (5)
274. عنه عليه السلام: إذا أحب الله عبداً وعظه بالعبر. (6)
275. عنه عليه السلام: إذا أحب الله عبداً رزقه قلباً سليماً، وخلقاً قوياً. (7)
276. عنه عليه السلام: السخاء والشجاعة غرائر شريفة، يضعها الله سبحانه فيمن أحبته وامتحنه. (8)
277. الإمام الصادق عليه السلام: إذا أحب الله تعالى عبداً ألهمه العمل بثمان خصال: غص البصر عن المحارم، والخوف من الله جل ذكره، والحياء، والحلف (9)، [و] الصبر، والأمانة،

ص: 204

- 1- (1). منية المرید: 133، [1] بحار الأنوار: 24/249/70. [2]
- 2- (2). غرر الحكم: 4101. [3]
- 3- (3). غرر الحكم: 4099. [4]
- 4- (4). غرر الحكم: 4073. [5]
- 5- (5). غرر الحكم: 4177. [6]
- 6- (6). غرر الحكم: 4032. [7]
- 7- (7). غرر الحكم: 4112. [8]
- 8- (8). غرر الحكم: ...
- 9- (9). هكذا فى المصدر، والصحيح «الحلم».

269. رسول خدا صلی الله علیه و آله - به نقل از جبرئیل از خداوند عز و جل نقل می کند:-

اخلاص، رازی از رازهای من است که آن را به قلب هریک از بندگانم که دوستش داشته باشم، می سپارم.

270. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، راستی را به او الهام می کند.

271. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، او را با آرامش و بردباری می آراید.

272. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، امانتداری را محبوبش می گرداند.

273. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، راه صواب و هدایتش را به او می نماید و به او توفیق فرمانبری از خود می دهد.

274. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، او را با عبرت ها پند می دهد.

275. امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، قلبی سلیم و پاک و خویی استوار، روزی اش می کند.

276. امام علی علیه السلام: بخشندگی و دلاوری، صفاتی ارجمند هستند که خداوند سبحان، آنها را در وجود هرکه دوستش بدارد و آزموده باشد، می نهد.

277. امام صادق علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده ای را دوست بدارد، عمل کردن به هشت صفت را به او الهام فرماید: چشم فرو پوشیدن

278. عنه عليه السلام: اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ، فَقَالَ لِي أَبِي: يَا بُنَيَّ، دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ. (2)

279. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا فَعَمِلَ عَمَلًا قَلِيلاً جَزَاهُ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرِ، وَلَمْ يَتَعَاطَمَهُ أَنْ يَجْزِيَ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ لَهُ. (3)

280. عنه عليه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدًا أَلْهَمَهُ الطَّاعَةَ، وَالزَّمَهُ الْقَنَاعَةَ، وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ، وَقَوَّاهُ بِالْيَقِينِ؛ فَكَتَفَى بِالْكَفَافِ، وَاكْتَسَى بِالْعَفَافِ. (4)

281. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَصَمَهُ، (وَجَعَلَ غَنَاهُ فِي نَفْسِهِ)، وَجَعَلَ ثَوَابَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ. (5)

ص: 206

1- (1). معدن الجواهر: 63.

2- (2). الكافي: 5/87/2 [1] عن حفص بن البختري وغيره، بحار الأنوار: 7/213/71. [2]

3- (3). الكافي: 3/86/2 [3] عن حنان بن سدير، بحار الأنوار: 5/213/71. [4]

4- (4). أعلام الدين: 278، [5] بحار الأنوار: 34/26/103. [6]

5- (5). المؤمن: 72/35، [7] أعلام الدين: 438 [8] وفيه «عظمه» بدل «عصمه» و«نوره» بدل «ثوابه».

از گناهان، ترس از خداوند-جلّ ذِکْرُه-، شرم، بردباری، شکیبایی، امانتداری، راستی و بخشندگی.

278. امام صادق علیه السلام: در جوانی، سخت در عبادت کوشا بودم.

پدرم به من فرمود: «پسرکم! کمتر از آنچه می بینم، خودت را رنجه ساز که خداوند-عزّ وجلّ-، هرگاه بنده ای را دوست بدارد، از او به کم خشنود می شود».

279. امام صادق علیه السلام: خداوند-عزّ وجلّ-، هرگاه بنده ای را دوست بدارد و او اندک کار خیری انجام دهد، در برابر آن اندک، به او پاداش بسیار می دهد و دادن پاداش بسیار در برابر کار اندک، بر او سنگین نمی آید.

280. امام صادق علیه السلام: هرگاه خداوند متعال، بنده ای را دوست بدارد، فرمانبری را به او الهام می کند، قناعت را همراهش می سازد، فهم عمیق در دین را ارزانی اش می دارد و با یقین، او را نیرومند می کند. در نتیجه، آن بنده به روزی مورد نیازش بسنده می کند و لباس عفت می پوشد.

281. امام صادق علیه السلام: خداوند، هرگاه بنده ای را دوست بدارد، او را از گناهان حفظ می کند [و بی نیازی اش را در جانش قرار می دهد] و پاداشش را برابر چشمانش می نهد.



282.رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي. وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّافِلَةِ حَتَّى أَحِبُّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، إِنْ دَعَانِي أُجِبُّهُ، وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ. (1)

283.عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ... مَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوَافِلِ حَتَّى أَحِبُّهُ؛ فَأَكُونُ أَنَا سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي

ص: 208

---

1- (1). الكافي: 7/352/2 [1] عن حماد بن بشير عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: 1047/454/1 [2] عن حنان بن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، التوحيد: 1/399 [3] عن أنس، المؤمن: 61/32 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، بحار الأنوار: 21/22/70. [4]

282. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند -عزّ وجلّ- فرمود: «هرکس یکی از دوستانم را خوار سازد، به پیکار با من برخاسته است. هیچ بنده ای با چیزی نزد من محبوب تر از آنچه بر او واجب ساخته ام، به من نزدیک نمی شود. بنده، با کارهای مستحب به من نزدیک می شود، تا آنجا که او را دوست می دارم. پس چون دوستش داشتم، گوش شنوایش، چشم بینایش، زبان گویایش و دست نیرومندش می شوم. اگر مرا بخواند، پاسخش دهم و اگر از من بخواهد، به او ببخشم».

283. رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «... بنده ام با کارهای مستحب پیوسته به من نزدیک می شود، تا آنجا که دوستش می دارم. در نتیجه، گوش شنوایش، چشم بینایش، زبان گویایش و قلب دریابنده اش می شوم. اگر مرا بخواند، پاسخش

يُبَصِّرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَقَلْبَهُ الَّذِي يَعْقِلُ بِهِ، فَإِذَا دَعَا أَجَبْتُهُ، وَإِذَا سَأَلَنِي أُعْطَيْتُهُ. (1)

284. المناقب لابن شهر آشوب: رُوِيَ أَنَّهُ اسْتَسْقَى عِبَادُ الْبَصْرَةَ-مِثْلُ أَيُّوبَ السَّجِسْتَانِيَّ، وَصَالِحِ الْمَزْيِيِّ، وَعُتْبَةَ الْعَلَامِ، وَحَبِيبِ الْقَادِسِيَّ، وَمَالِكِ بْنِ دِينَارٍ، وَأَبِي صَالِحِ الْأَعْمَى، وَجَعْفَرَ بْنِ سَلِيمَانَ، وَثَابِتِ الْبَنْدَانِيَّ، وَرَابِعَةَ، وَسَدَّ عِدَانَةَ-وَأَنْصَرَفُوا خَائِبِينَ، فَإِذَا هُمْ بِفَتَى قَدْ أَقْبَلَ وَقَدْ أَكْرَبَتْهُ أَحْزَانُهُ وَأَقْلَقَتْهُ أَشْجَانُهُ، فَطَافَ بِالْكَعْبَةِ أَشْوَاطًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَسَمَانًا وَاحِدًا وَاحِدًا، فَقُلْنَا: لَبَّيْكَ يَا شَابُّ.

فَقَالَ: أَمَا فِيكُمْ أَحَدٌ يُجِيبُهُ الرَّحْمَنُ؟!

فَقُلْنَا: يَا فَتَى، عَلَيْنَا الدُّعَاءُ وَعَلَيْهِ الْإِجَابَةُ.

قَالَ: أَبْعُدُوا عَنِ الْكَعْبَةِ؛ فَلَوْ كَانَ فِيكُمْ أَحَدٌ يُجِيبُهُ الرَّحْمَنُ لَأَجَابَهُ.

ثُمَّ أَتَى الْكَعْبَةَ فَخَرَّ سَاجِدًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ:

«سَيِّدِي، بِحُبِّكَ لِي إِلَّا اسْقَيْتَهُمُ الْغَيْثَ»، فَمَا اسْتَمَّ الْكَلَامَ حَتَّى أَتَاهُمُ الْغَيْثُ كَأَفْوَاهِ الْقَرَبِ. ثُمَّ وَلَّى عَنَّا قَائِلًا: مَنْ عَرَفَ الرَّبَّ فَلَمْ تُغْنِهِ

ص: 210

---

1- (1). المعجم الكبير: 7833/206/8 وص 7880/222 نحوه وكلاهما عن أبي أمامة، كنز العمال: 1155/229/1.

دهم و اگر از من درخواست کند، به او ببخشم».

284. مناقب ابن شهر آشوب: منقول است که عابدان بصره، مانند ایوب سجستانی، صالح مزنی، عتبه علام، حبیب قادسی، مالک بن دینار، ابوصالح اعمی، جعفر بن سلیمان، ثابت بنانی، رابعه و سعدانه، از خداوند به دعا خواستار باران شدند؛ اما نومید بازگشتند. ناگاه جوانی - که اندوه هایش او را غمگین ساخته بود- پیش آمد و چند دور پیرامون کعبه طواف کرد. سپس به سوی ما آمد و نام یکایک ما را گفت. گفتیم: «ای جوان، لبتیک!».

گفت: «آیا در میان شما کسی نیست که خدای رحمان دوستش داشته باشد؟».

گفتیم: «ای جوان! از ما دعاست و از او اجابت».

گفت: «از کعبه دور شوید که اگر در میان شما کسی شایسته اجابت خدای مهربان بود تاکنون اجابتش کرده بود».

سپس به کعبه نزدیک شد و به سجده افتاد. پس از آن، شنیدم که در سجده اش می گوید: «سرورم! تو را به محبتی که نسبت به من داری، سوگند می دهم که بر آنان باران بیارانی». هنوز سخنش تمام نشده بود که باران، چون دهانه گشوده مشک ها بر ایشان فرو ریخت. سپس در حالی که این اشعار را می خواند از پیش ما رفت:

«هرکه پروردگار را بشناسد و بی نیازش نکند/

شناخت پروردگارش [از دیگران]، او شوربخت است.

عارف در فرمانبری، از آنچه بدو رسد زیان نمی کند/

در طاعت خدا و رنجی که در این راه می بیند

بنده را با عزت توانگر چه کار/

در حالی که همه عزت، از آن پرهیزگار است؟».

فَسُئِلَ عَنْهُ، فَقَالُوا: هَذَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

2/7-لقاء الله

285. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَحَبَّ حَبِيبًا أَنَسَ بِهِ، وَمَنْ أَنَسَ بِحَبِيبٍ صَدَّقَ قَوْلَهُ وَرَضِيَ فِعْلَهُ، وَمَنْ وَثِقَ بِحَبِيبٍ اعْتَمَدَ عَلَيْهِ، وَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى حَبِيبٍ جَدَّ فِي السَّبْرِ إِلَيْهِ.

يا موسى، ذكري للذاكرين، وزيارتي للمُشتاقين، وجنتي للمُطيعين، وأنا خاصة للمُحِبِّينَ. (2)

286. المحبّة البيضاء: في أخبار داود عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيْهِ:

يا داودُ، إلى كم تذكر الجنة ولا تسألني الشوق إلى؟!!

قال: يا ربِّ، من المُشتاقون إليك؟

قال: إِنَّ المُشتاقينَ إِلَى الَّذِينَ صَفَّيْتُهُمْ مِنْ كُلِّ كَدْرٍ، وَأَنْبَهْتُهُمْ بِالْحَدَرِ، وَخَرَقْتَ مِنْ قُلُوبِهِمْ إِلَى خَرَقًا يَنْظُرُونَ إِلَى...

يا داودُ، إِنِّي خَلَقْتُ قُلُوبَ المُشتاقينَ مِنْ رِضْوَانِي، وَنَعَّمْتُهَا بِنُورِ وَجْهِ، وَأَتَّخَذْتُهُمْ لِنَفْسِي مُحَدَّثِينَ، وَجَعَلْتُ أَبْدَانَهُمْ

ص: 212

1- (1). المناقب لابن شهر آشوب: 4/140، [1] الاحتجاج: 2/149/186، [2] بحار الأنوار: 46/50. [3]

2- (2). إرشاد القلوب: 100، [4] عدّة الداعي: 237، [5] أعلام الدين: 279 [6] كلاهما عن وهب بن منبّه نحوه وفيهما «أوحى الله إلى داود عليه السلام»، بحار الأنوار: 77/42/10، [7] راجع: ص 42 (فضل محبّة الله).

درباره نام آن جوان پرسیدند، گفتند: «این، زین العابدین است».

## 2/7- دیدار خدا

285. امام علی علیه السلام: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «هرکه محبوبی را دوست بدارد، با او همدم می شود و هرکه با محبوبی همدم گشت، سخنش را تصدیق می کند و از کردارش خشنود می شود، و هرکه به محبوبی اطمینان کند، به او اعتماد می ورزد، و هرکه مشتاق محبوبی شود، در رفتن به سویش می کوشد.

ای موسی! یادم از آن یادآوران، دیدارم از آن شیفتگان، و بهشتم از آن فرمانبران است و من خود، ویژه دوستدارانم هستم».

286. محبة البيضاء: در اخبار داوود علیه السلام آمده است: خداوند عزوجل به او وحی کرد: ای داوود! تا کی از بهشت یاد می کنی و شوق دیدار مرا درخواست نمی کنی؟

گفت: پروردگارا! مشتاقانت کیانند؟

فرمود: مشتاقانم کسانی هستند که آنان را از هر غبار کدورتی پیراسته ام و با پرهیز هشیارشان ساخته ام و حجاب از برابر دل هایشان چنان برداشته ام که به من می نگرند....

ای داوود! من دل های مشتاقان را از رضوان و خشنودی خود آفریده ام و با نور رخسارم پروریده ام و متنعم ساخته ام و آنان را چونان سخنگویانی برای خود برگزیده ام و پیکرهایشان را جایگاه نگاهم به زمین ساخته ام و از دل هایشان راهی به

مَوْضِعَ نَظْرِي إِلَى الْأَرْضِ، وَقَطَعْتُ مِنْ قُلُوبِهِمْ طَرِيقاً يَنْظُرُونَ بِهِ إِلَيَّ، يَزِدَادُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ شَوْقاً. (1)

287. الإمام زين العابدين عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الْعَارِفِينَ -: إلهي، فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ... وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ. (2)

288. عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الْمُحِبِّينَ -: إلهي، مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلاً! وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنْسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا! إلهي، فَاجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَّيْتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لِدُوكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ، وَرَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبَّبْتَهُ بِرِضَاكَ، وَأَعَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقَلَاكَ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ، وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّمْتَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُرُودَهُ لِحُبِّكَ، وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَدَّ غَلَّتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِّيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ.

ص: 214

1- (1). المحببة البيضاء: 59/8.

2- (2). بحار الأنوار: 150/94 و ص 148. [1]

سوی خود گشوده ام که از آن به من می نگرند و هر روز بر شوقشان افزوده می شود.

287. امام سجّاد علیه السلام - در مناجات العارفين - بارالها! ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق تو در باغ سینه هاشان، شاخه گسترده و آراسته شده و آتش محبت، دل هایشان را فرا گرفته است... و چشمانشان با نگرستن به تو روشن گشته است.

288. امام سجّاد علیه السلام - در مناجات المحييين - بارالها! چه کسی شیرینی محبت تو را چشید و پس از آن، در پی جایگزینی برایت برآمد؟ چه کسی با نزدیکی تو انس گرفت و پس از آن، خواستار جابه جایی از کنارت شد؟ بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای نزدیکی و دوستی ات برگزیدی، و برای محبت و دوستی ات خالصشان ساختی، و به دیدارت مشتاقشان کردی، و به قضایات خشنودشان نمودی، و نگرستن به رخسارت را به آنان بخشیدی، و خشنودی ات را به آنان عطا کردی، و از دوری و هجرانت ایمنشان ساختی، و در کنارت در جایگاهی راستین جایشان دادی، و شناختت را ویژه ایشان ساختی، و آنان را اهلّیت عبادت دادی و شیفته اراده ات کردی، و برای مشاهده خودت برگزیدی و چهره ات را برایشان بی پرده ساختی و دلشان را به دوستی خودت پرداختی و آنان را خواستار آنچه نزدت هست، نمودی، و یادت را به آنان الهام نمودی، و آنان را وادار به شکرگزاری ات کردی و به فرمانبری ات مشغول ساختی، و آنان را از صالحان خلقت قرار دادی، و آنان را برای رازگویی ات برگزیدی و هر آنچه که آنان را از تو ببرد، از آنان بریدی.

ص: 215



اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبَهُمُ الْإِرْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الرَّفْرُةُ وَالْأَنِينُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْنِدَتُهُمْ مُنْخَلِعةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ.

يا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ رَائِقَةٌ، وَسُدُجُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سَائِرِ عَمَلِي، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ، وَأَمْنُنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَأَنْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحُظُوةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

289. عنه عليه السلام: إِنَّمَا أَوْلُو الْأَبَابِ الَّذِينَ عَمِلُوا بِالْفِكْرَةِ حَتَّى وَرِثُوا مِنْهُ حُبَّ اللَّهِ؛ فَإِنَّ حُبَّ اللَّهِ إِذَا وَرِثَهُ الْقَلْبُ اسْتِضَاءً، وَأَسْرَعَ إِلَيْهِ اللَّطْفُ، فَإِذَا نَزَلَ مَنْزِلَةَ اللَّطْفِ صَارَ مِنْ أَهْلِ الْفَوَائِدِ؛ تَكَلَّمَ بِالْحِكْمَةِ، فَإِذَا تَكَلَّمَ بِالْحِكْمَةِ صَارَ صَاحِبَ فِطْنَةٍ، فَإِذَا نَزَلَ مَنْزِلَةَ الْفِطْنَةِ عَمِلَ بِهَا فِي الْقُدْرَةِ، فَإِذَا عَمِلَ بِهَا فِي الْقُدْرَةِ

ص: 216

بارالها! ما را از کسانی قرار ده که عادتشان، شادابی و شوق به تو باشد و روزگارشان در سوز و گداز و ناله (وصل) تو به سر شود. پیشانی هایشان برای عظمت تو به سجده درآمده، چشمانشان در خدمت به تو شب‌ها بیدار مانده، اشک هایشان از هراست ریزان است، قلب هایشان به محبت پیوسته، و دل هایشان از هیبت و شکوه تو برگنده است.

ای آن که روشنی‌های قدسش برای چشمان دوستدارانش می‌درخشد و درخشش‌های رخسارش برای دل‌های شناسندگان‌ش شوق آور است! ای امید دل‌های مشتاقان و ای نهایت آرزوهای دوستداران! دوستی تو و دوستی آنان که دوستت دارند و دوستی هر آن عملی که مرا به نزدیکی تو می‌رساند، از تو مسئله می‌کنم. از تو می‌خواهم که خودت را نزد محبوب‌تر از هر آنچه جز توست، قرار دهی و دوستی مرا نسبت به خودت، راهبر به سوی خشنودی ات و شوق مرا به تو، بازدارنده از نافرمانی ات قرار دهی. بر من منت بگذار تا به تو بنگرم، و با نگاه دوستی و توجه به من بنگر و رخسارت را از من برمگردان و مرا از سعادت‌مندان و بهره‌مندان نزد خودت قرار بده، ای اجابت‌کننده و ای مهربان‌ترین مهربانان!

289. امام سجّاد علیه السلام: خردمندان، در حقیقت کسانی هستند که اندیشه‌شان را به کار بستند، تا آن که از آن، خدا دوستی را به میراث بردند؛ زیرا چون قلب خدا دوستی را به میراث برد، روشنی گیرد و لطف و توجه به سویش بشتابد. پس چون به

عَرَفَ الْأَطْبَاقَ السَّبْعَةَ، فَإِذَا بَلَغَ إِلَى هَذِهِ الْمَنْزِلَةِ صَارَ يَتَّقَلَّبُ فِكْرُهُ بِلُطْفٍ وَحِكْمَةٍ وَبَيَانٍ، فَإِذَا بَلَغَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ جَعَلَ شَهْوَتَهُ وَمَحَبَّتَهُ (1) فِي خَالِقِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ نَزَلَ الْمَنْزِلَةَ الْكُبْرَى؛ فَعَايَنَ رَبَّهُ فِي قَلْبِهِ، وَوَرِثَ الْحِكْمَةَ بِغَيْرِ مَا وَرِثَهُ الْحُكَمَاءُ، وَوَرِثَ الْعِلْمَ بِغَيْرِ مَا وَرِثَهُ الْعُلَمَاءُ، وَوَرِثَ الصِّدْقَ بِغَيْرِ مَا وَرِثَهُ الصِّدِّيقُونَ. (2)

3/7- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

الكتاب

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (3)

الحديث

290. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ، قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالمَوْلَى، أَمَّا الْقَلْبُ المَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَالبَلَاءُ، وَأَمَّا الْقَلْبُ المَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ

ص: 218

1- (1). في المصدر مَحَبَّةٌ والصحيح ما أثبتناه.

2- (2). مختصر بصائر الدرجات: 122، كفاية الأثر: 257 [1] نحوه وليس فيه «فإذا بلغ إلى هذه المنزلة صار يتقلَّب فكره بلطف وحكمة وبيان» وكلاهما عن يونس بن ظبيان، بحار الأنوار: 26/25/70. [2]

3- (3). النساء: 134. [3]

منزلت لطف و توجه برسد، از فایده مندان گردد؛ یعنی حکیمانه سخن گوید. پس چون حکیمانه سخن بگویند، دارای هشیاری و زیرکی شود. پس چون به منزلت زیرکی برسد، آن را در راه قدرت به کار برد و چون زیرکی را در قدرت به کار برد، طبقات هفتگانه را بشناسد و چون به این منزلت برسد، اندیشه اش با لطف، حکمت و بیان همراه شود و آنها را به کار بندد و چون به این منزلت برسد، خواسته و دوستی اش را در راه خالق خود قرار دهد. پس چون چنین کرد، به منزلت بزرگ تر می رسد و خدا را با چشم دلش می بیند و حکمت را از راهی جز راه حکیمان به میراث برد، و علم را از راهی جز راه عالمان به میراث برد و صدق را از راهی جز راه صدیقان به میراث برد.

### 3/7- خیر دنیا و آخرت

قرآن

«هر که خواستار پاداش دنیاست، پس [بداند که] ثواب دنیا و آخرت نزد خداوند است».

حدیث

290. رسول خدا صلی الله علیه و آله: قلب ها سه گونه اند: قلبی مشغول به دنیا، قلبی مشغول به عقبا و قلبی مشغول به مولاست. اما قلب

ص: 219

الدَّرَجَاتُ الْعُلَى، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَالْعُقْبَى وَالْمَوْلَى. (1)

291. الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء -: وَأَنْهَجَ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا أَنْسِينَ بِكَ، مَسْتُوحَشِينَ مِنْ غَيْرِكَ، مَتَلذِّذِينَ بِذِكْرِكَ مُشْتَاقِينَ إِلَى لِقَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَنَبِهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمَهَلَةِ وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: 220

---

1- (1). المواعظ العددية: 146.

2- (2). الصحيفة السجادية: 87 الدعاء 20. [1]

مشغول به دنیا را سختی و بلاست. اما قلب مشغول به عقباً را درجات والاست؛ و اما قلب مشغول به مولا را دنیا و عقباً و مولاست.

291. امام سجّاد علیه السلام -در دعا-: و به سوی محبّت راهی آسان برایم بگشا که بدان، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردانی.

ر.ک: ص 49 (ح 9).

ص: 221



پیش تر گفتیم که محبت خداوند سبحان، رمز موفقیت در زندگی، کیمیای خودسازی و سازندگی و راه رسیدن به همه آمال و آرزوهاست، (1) همان گونه که در دعای عرفه آمده است:

مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ. لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا. (2)

چه چیز یافت آن که تو را گم کرد؟ و چه چیز گم کرد آن که تو را یافت؟ بی گمان نومید شد هر که به جز تو رضا داد.

حال با عنایت به نصوص این فصل و برخی از احادیث مرتبط با آن در فصول گذشته، برجسته ترین و جامع ترین آثار و برکات محبت خدا را در دو اثر، می توان خلاصه کرد:

### الف- بالاترین درجات توحید

عشق و محبت خداوند متعال از یک سو- چنان که قبلاً در مدخل این بخش توضیح دادیم- ریشه در معرفت شهودی دارد و از سوی دیگر، مقدمه ای است برای وصول به شناخت بیشتر صفات و کمالات حضرت حق- عزوجل. از آنجا که کمالات خداوند متعال، بی نهایت

ص: 223

---

1- (1). ر.ک: ص 15، شاهراه تکامل.

2- (2). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 289 ح 915. [1]



است، محبت او نیرویی است که همواره انسان را از برکات بالاترین درجات توحید، برخوردار می‌سازد. به فرموده برخی از اهل معرفت:

اگر در توحید مستغرق باشی، هر لحظه از عنایت های خاص حق تعالی بهره مند می شوی که در لحظه قبل، برخوردار نبوده ای، عنایت های حق، هر دم تازگی خواهد داشت. (1)

## ب- جانشینی خدا

فلسفه خلقت انسان، جانشینی و خلافت خداست، همان طور که خداوند سبحان می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گذاشت» (2)، خلیفه خدا باید بتواند کار او را انجام دهد و در این باره گفته شده:

العُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُوبِيَّةُ. (3)

بندگی حقیقی است که خمیر مایه آن ربوبیت است.

و در حدیث قدسی آمده است:

عَبْدِي أُطْعَمُنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي. (4)

بنده ام پیروی ام کن تا تو را چون خود سازم.

و نیز روایت شده است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ: يَا ابْنَ آدَمَ! أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ،

ص: 224

1- (1) ر.ک: کیمیای محبت، فصل دوم ص 143.

2- (2) .سوره بقره، آیه 30. [1]

3- (3) .مصباح الشریعة، ص 536. [2]

4- (4) .بحار الانوار، ج 105 ص 165 [3] در حاشیه.

أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ حَتَّى أَجْعَلَكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، يَا بَنَ آدَمَ! أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ: كُنْ، فَيَكُونُ، أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلَكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ:

كُنْ، فَيَكُونُ. (1)

خداوند متعال در پاره ای کتاب هایش فرموده: ای آدمی زاده! من زنده نامیرا هستم در آنچه که فرمانت می دهم پیرویم کن تا ترا زنده جاودان سازم، ای آدمی زاده! به هر چیزی بگویم «باش» بوجود می آید در آن چه که دستورت می دهم پیرویم کن تا ترا به گونه ای قرار دهم که به هر چیزی بگویی «باش» بوجود آید.

آنچه می تواند انسان را به مقام خلافت خدا برساند، محبت اوست؛ همان گونه که یکی از اهل معرفت سخنی بدین مضمون دارد:

همان گونه که آتش، وقتی در آهن نفوذ کند، آهن کار آتش را انجام می دهد؛ همچنین اگر محبت خدا در دل نفوذ کند، آفریده می تواند به اذن خدا-کار خدایی انجام دهد. (2)

همان گونه که در احادیث قرب نوافل-که فریقین آن را نقل کرده اند-آمده است، انسان بر اثر «نوافل» که همان مبادی محبت خداست، گام به گام به او نزدیک می شود تا شایستگی پیدا می کند و مورد محبت آفریدگار خود قرار می گیرد. در این هنگام، علاقه خدا نسبت به بنده با او، کاری می کند که خدا چشم، گوش، زبان، دست، پا و قلب او می گردد. (3) به عبارت دیگر، انسان در خدا ذوب می شود و

ص: 225

1- (1). مستدرک الوسائل، ج 11، ص 258 (ح 12928)، [1] بحار الانوار: ج 93 ص 376 ح 16، [2] تاریخ یعقوبی: ج 1 ص 95. [3]

2- (2). ر.ک: کیمیای محبت فصل سوم: ص 171 (انسانی که کار خدایی می کند).

3- (3). ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 471 (4) استجاب دعاها).

به مقام «فناء فی الله» می رسد، و در این حال، دیگر از خود اراده ای ندارد؛ چشمش آن را می بیند که خدا می خواهد؛ زبانش آن را می گوید که او دوست دارد؛ همچنین سایر اعضا و جوارح او بر مبنای خواست خدا عمل می کند و مهم تر آن که اندیشه اش آن گونه درک می کند که خداوند متعال، اراده فرموده است. (1)

انسان در این موقعیت، صبغه خلیفه خدا می یابد؛ مثل خدا می شود و آنچه بخواهد انجام دهد، با درخواست از خدا و به اذن او امکان پذیر است.

بار خدایا! بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را انس گیرنده با خودت و گریزان از غیر، بهره مند از یادت و علاقه مند به دیدارت قرار ده!

بار خدایا! بر محمد و دودمانش درود فرست و در هنگامه غفلت، با یادت آگاهم ساز و در فرصت ها، به طاعت و بندگی مشغولم دار و راهی آسان به سوی دوستی ات فرارویم بگشا و بدین گونه، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل کن! از ما بپذیر، ای تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها! ای مهربان ترین مهربانان!

ص: 226

---

1- (1) ر.ک: دوستی در قرآن و حدیث، ص 401 [1] معنای دوستی خدا).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

